



صلح و امنيت بين المللى

صلح و امنيت بين المملی

از هدف‌های اصلی سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. از زمان تاسیس سازمان بارها از آن خواسته شده از تشدید اختلافات و تبدیل آنها به جنگ جلوگیری کند، طرف‌های متخاصم را تشویق نماید به جای توسل به زور مذاکره کنند، یا هنگام شروع مناقشه به احیای صلح، کمک کند. سازمان طی دهه‌ها به خاتمه دادن به مناقشات بسیار، غالباً از طریق اقدامات شورای امنیت، یعنی رکن اصلی رسیدگی به مسائل صلح و امنیت بین‌المللی، کمک کرده است.

در دهه ۱۹۹۰، پایان جنگ سرد به محیط امنیت جهانی کاملاً جدیدی منتهی شد، محیطی که با تمرکز بر جنگ‌های داخلی، به جای جنگ‌های بین کشورها، مشخص می‌شد. اوائل قرن بیست و یکم تهدیدهای جهانی جدید پدیدار شد. حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به ایالات متحده، چالش تروریسم بین‌المللی را آشکارا نشان داد، و رویدادهای بعدی نگرانی‌ها درباره تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و خطرهای سایر سلاح‌های غیر متعارف را تشدید کرد و گرد غم روی مردم جهان پاشید.

سازمان‌های نظام ملل متحد بلافاصله در حوزه‌های مربوطه خود بسیج شدند تا اقدام علیه تروریسم را تشدید کنند. شورای امنیت در ۲۸ سپتامبر در اجرای مفاد منشور ملل متحد به منظور جلوگیری از تامین مالی تروریسم، غیرقانونی کردن جمع‌آوری پول برای چنین مقاصدی، و مسدود کردن سریع دارایی‌ها و منابع مالی تروریست‌ها، قطعنامه‌ای فراگیر تصویب و کمیته ضد تروریسم برای نظارت بر اجرای این قطعنامه تشکیل داد.

سازمان ملل همچنین دامنه ابزارهای سستی تحت حیطه خود را تقویت کرده و تغییر شکل داده، توانایی حفظ صلح خود را بیشتر کرده تا با چالش‌های جدید مواجه شود، به حد فزاینده‌ای سازمان‌های منطقه‌ای را مشارکت داده، و توانایی خود را برای نهادینه سازی صلح پس از مناقشات تقویت کرده است. مناقشات داخلی همچنین مسائل پیچیده‌ای را در رابطه با پاسخ کافی جامعه بین‌المللی، از جمله مساله بهترین شیوه کمک به قربانیان غیرنظامی جنگ-مفهومی معروف به "مسئولیت حمایت" مطرح کرده است

شورای امنیت برای برخورد با مناقشات داخلی، عملیات پیچیده و نوآورانه حفظ صلح را مجاز دانسته است. سازمان ملل از زمان تاسیس نقشی مهم در خاتمه دادن به مناقشات و تقویت روند آشتی، از جمله ماموریت‌هایی موفقیت‌آمیز در السالوادور و گواتمالا، در کامبوج و موزامبیک، در سیرالئون و لیبریا و تاجیکستان داشته است.

اما مناقشات دیگر، مانند سومالی، رواندا و یوگسلاوی سابق، در اوائل دهه ۱۹۹۰، غالباً با خشونت قومی، و فقدان هرگونه ساختار قدرت داخلی برای برخورد با مسائل امنیتی چالش‌هایی تازه برای ایجاد و حفظ صلح سازمان ملل به وجود آورد.

شورای امنیت در مواجهه با مشکلات مربوط به این مناقشات از ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ هیچ عملیات جدیدی ایجاد نکرد. اما به تدریج که بحران‌های مداوم در جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری آفریقای مرکزی، تی‌مور شرقی، کوزوو، و سیرالئون، شورای امنیت را وادار کرد در سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰ ترتیب انجام پنج ماموریت جدید را بدهد، نقش اساسی سازمان ملل بار دیگر به سرعت به گونه‌ای چشمگیر تایید شد.

شورا از ۱۹۹۵، بیست و هشت ماموریت حفظ صلح جدید، از جمله هیات سازمان ملل در اتیوپی

و اریتره (UNMEE) در ۲۰۰۰؛ هیات سازمان ملل در لیبیا (UNMIL) در ۲۰۰۳؛ عملیات سازمان ملل در ساحل عاج (UNOCI)؛ هیات تثبیت سازمان ملل در هائیتی (MINUSTAH) و عملیات سازمان ملل در بروندي (ONUB) در ۲۰۰۴؛ هیات سازمان ملل در سودان (UNMIS) در ۲۰۰۵؛ و هیات یکپارچه سازمان ملل در تی مور - لسته (UNMIT) در ۲۰۰۶ انجام داده است. بسیاری از این هیات‌های جدید تاکنون ماموریت‌های خود را تکمیل کرده‌اند، از جمله جدیدترین آنها هیات‌هایی در جمهوری آفریقای مرکزی، بروندي و سیرالئون است.

شورا در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۷ با انجام عملیات مشترک سازمان ملل / اتحادیه آفریقا در دارفور (UNAMID) موافقت کرد تا اقدام لازم برای حمایت از اجرای توافق‌نامه صلح دارفور، همچنین محافظت از غیرنظامیان و پرسنل خود، بدون تاثیر بر مسئولیت دولت سودان، به عمل آورد. UNAMID قرار بود اجرای ماموریت خود را حداکثر تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷ آغاز کند.

شورا در ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۷ با اعتقاد به این که اوضاع در منطقه مرزی بین سودان، چاد و جمهوری آفریقای مرکزی تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود، استقرار نیروهای چند بعدی را در چاد و جمهوری آفریقای مرکزی به منظور کمک به ایجاد شرایط امنیتی لازم برای بازگشت داوطلبانه و پایدار پناهندگان و آوارگان تصویب کرد و تصمیم گرفت این نیروی چند بعدی شامل هیات سازمان ملل در جمهوری آفریقای مرکزی و چاد (MINURCAT) باشد.

تجربه سال‌های اخیر سازمان ملل را وادار کرده است به گونه‌ای بی‌سابقه بر نهادینه‌سازی صلح با تلاش‌هایی برای کاهش خطر غلتیدن یا سقوط دوباره در مناقشه، با تقویت ظرفیت‌های ملی برای مدیریت مناقشه، و فراهم ساختن زمینه برای توسعه و صلح پایدار تمرکز کند. تجربه نشان داده است به صلح پایدار تنها با فراهم ساختن تمامی منابع برای کمک به کشورها برای نیل به توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی، احترام برای حقوق بشر و حکومت مطلوب می‌توان دست یافت.

هیچ نهاد دیگری واجد مشروعیت جهانی، تجربه چند جانبه، صلاحیت، توانایی هماهنگ‌سازی و بی‌طرفی نیست که سازمان ملل برای انجام این وظیفه‌ها از آنها برخوردار است. سازمان علاوه بر عملیات پیچیده در کشورهایی مانند ساحل عاج، جمهوری دموکراتیک کنگو، هائیتی، لیبیا و کوزوو، هیات‌های سیاسی ویژه و دفاتری برای حمایت از نهادینه‌سازی صلح در تعدادی از کشورهای دیگر، از جمله افغانستان، بروندي، جمهوری آفریقای مرکزی، گینه بیسائو، عراق، سیرالئون، تی مور - لسته ایجاد کرده است. سازمان در سومالی، خاورمیانه، لبنان، آفریقای غربی و نیپال نیز دفاتر سیاسی دارد.

کمیسیون نهادینه‌سازی صلح، که در ۲۰۰۶ عملیاتی شد نهاد بین دولتی مشورتی جدیدی از سازمان ملل است که به ویژه می‌کوشد به کشورها کمک کند مرحله انتقال از جنگ به صلح پایدار را بگذرانند. هدف آن انجام این کار با گرد هم آوردن تمامی عناصر مربوط به نهادینه‌سازی صلح، از جمله کمک دهندگان بین‌المللی، موسسات مالی بین‌المللی، دولت‌های ملی، کشورهای صلح با اعزام سرباز به سازمان ملل کمک می‌کنند و نمایندگان جامعه مدنی؛ پیشنهاد استراتژی‌های یکپارچه برای نهادینه‌سازی صلح و بازپروری پس از مناقشه؛ کمک به تضمین تامین مالی قابل پیش‌بینی برای فعالیت‌های بازپروری زود هنگام و سرمایه‌گذاری مالی مستمر در دوره میان مدت تا بلند مدت؛ تمدید دوره توجه از سوی جامعه بین‌المللی به بازپروری پس از مناقشه؛ و ایجاد

بهترین روش‌ها برای مسائلی است که به همکاری گسترده بین فعالان و عوامل سیاسی، نظامی، انسان‌دوستانه و توسعه نیاز دارد.

قطعه‌نامه‌های همزمان مجمع عمومی و شورای امنیت ایجاد کمیسیون نهادینه‌سازی صلح، ایجاد صندوق نهادینه‌سازی صلح و دفتر حمایت از نهادینه‌سازی صلح رانیز پیش‌بینی کردند. (به قاف طرح جدید نهادینه‌سازی صلح نگاه کنید. ([www.un.org/peace/peacebuilding](http://www.un.org/peace/peacebuilding)))

شورای امنیت، مجمع عمومی و دبیرکل همگی نقش‌های مهم تکمیلی برای تقویت صلح و امنیت ایفا می‌کنند. فعالیت‌های سازمان حوزه‌های اساسی پیشگیری از مناقشه، ایجاد صلح، حفظ صلح، تقویت و نهادینه‌سازی صلح را در برمی‌گیرد. برای این که این فعالیت‌ها موثر واقع شوند باید تکمیل‌کننده بوده یا همزمان انجام شوند. (برای نقش سازمان ملل در حفظ صلح و امنیت به [www.un.org/peace](http://www.un.org/peace) نگاه کنید.)

### شورای امنیت

منشور ملل متحد معاهده‌ای بین‌المللی است که کشورهای عضو را متعهد می‌سازد اختلاف‌های خود را به شیوه‌های صلح‌آمیز، به روشی حل‌کننده که صلح، امنیت و عدالت بین‌المللی به خطر نیفتد. این کشورها باید از تهدید یا استفاده از زور علیه هر کشوری خودداری کرده و بتوانند هر اختلافی را در شورای امنیت مطرح کنند.

شورای امنیت رکن سازمان ملل با مسئولیت اصلی برای حفظ صلح و امنیت است. کشورهای عضو مطابق منشور متعهد به پذیرش و انجام تصمیم‌های شورا هستند. پیشنهادهای سایر نهادهای سازمان ملل قدرت اجباری تصمیم‌های شورای امنیت را ندارند اما با ابراز نظر جامعه بین‌المللی می‌توانند بر موقعیت‌ها تاثیر بگذارند.

شورا، هنگامی که اختلافی در معرض توجه آن قرار داده می‌شود، به طور معمول از طرفین می‌خواهد آن را با شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل کنند و ممکن است به طرفین برای حل مسالمت‌آمیز اختلاف پیشنهادهایی بدهد، نمایندگان ویژه منصوب کند، از دبیر کل بخواهد از نفوذ شخصی خود استفاده کند، و به تحقیق و میانجیگری بپردازد.

شورا، هنگامی که اختلافی به جنگ منتهی می‌شود، می‌کوشد به سرعت به آن پایان دهد، و اغلب دستور العمل‌هایی برای آتش بس صادر کرده که نقشی اساسی در پیشگیری از گسترش خصومت‌ها داشته است و در حمایت از فرآیند صلح، می‌تواند ناظران نظامی یا نیروی حفظ صلح در منطقه دچار مناقشه مستقر کند.

شورا مطابق فصل هفت منشور اختیار دارد برای اجرای تصمیم‌های خود دست به اقدام بزند، تحریم یا برای حصول اطمینان از اجرای ماموریت‌ها استفاده از زور را مجاز کند.

شورا در چند مورد، مطابق فصل هفت منشور، استفاده از نیروی نظامی را به وسیله ائتلافی از کشورهای عضو یا به وسیله یک سازمان یا توافق منطقه‌ای مجاز کرده است. اما فقط به عنوان راه حل نهایی، یعنی هنگامی که شیوه‌های صلح‌آمیز بر طرف کردن اختلاف، موثر واقع نشده و پس از اثبات وجود تهدید برای صلح، نقض صلح یا انجام اقدامی تجاوزکارانه، دست به چنین اقداماتی می‌زند. شورا، همچنین مطابق فصل هفت منشور، دادگاه‌های بین‌المللی تشکیل داده تا افراد متهم به نقض

شدید قوانین بشردوستانه و حقوق بشر بین‌المللی از جمله کشتار جمعی، را تحت پیگرد قانونی قرار دهد. شورا بسیاری از عملیات حفظ صلح اخیر را بر اساس فصل هفتم منشور مجاز دانسته، یعنی حافظان صلح در صورت نیاز برای انجام ماموریت خود می‌توانند از زور استفاده کنند.

### ساختار جدید نهادهای سازی صلح

با ایجاد کمیسیون نهادهای سازی صلح سازمان ملل در ژوئن ۲۰۰۶، مجموعه جدید نهادهای سازی صلح - متشکل از کمیسیون نهادهای سازی صلح، صندوق نهادهای سازی صلح و دفتر حمایت از نهادهای سازی صلح (PBSO) - در داخل سازمان شکل گرفت. این سه نهاد همکاری می‌کنند تا:

- استراتژی‌های نهادهای سازی صلح را طراحی و هماهنگ کنند.
- صلح را در کشورهای دچار مناقشه با جلب حمایت بین‌المللی برای تلاش‌های ملی و آنچه منجر به نهادهای سازی صلح می‌شود، پایدار نمایند.
- حمایت موثر از کشورها در انتقال از جنگ به صلح پایدار را تامین کنند.

کمیسیون نهادهای سازی صلح، نهادی ۳۱ عضوی بین‌دولتی، مسئول گرد هم آوردن همه عوامل مربوطه برای مشاوره درباره استراتژی‌های منسجم به منظور بازپروری و نهادهای سازی صلح پس از مناقشه و دادن پیشنهاد درباره آنها است. کمیته سازمانی دائمی آن، از اعضای شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، مجمع عمومی، و تامین‌کنندگان برجسته کمک‌ها، پرسنل نظامی و پلیس غیرنظامی برای ماموریت‌های سازمان ملل تشکیل شده است.

به عنوان دومین ستون مجموعه نهادهای سازی صلح، هدف «صندوق نهادهای سازی صلح» - صندوق دائمی چند ساله برای نهادهای سازی صلح در دوره پس از مناقشه، که بودجه آن از کمک‌های داوطلبانه تامین می‌شود - حصول اطمینان از انتقال سریع منابع لازم برای انجام فعالیت‌های نهادهای سازی صلح، همچنین در دسترس بودن منابع مالی مناسب برای بهبودی است. این صندوق، که ایجاد شده تا هزینه ابتدایی برای نهادهای سازی صلح را فراهم سازد تا سپتامبر ۲۰۰۷ حدود ۱۸۴ میلیون دلار به صورت تعهد داشت در حالی که هدف اولیه ۲۵۰ میلیون دلار بود.

دفتر حمایت از نهادهای سازی صلح، سومین ستون مجموعه نهادهای سازی صلح یعنی صندوق نهادهای سازی صلح را اداره می‌کند، از دستور کار دبیرکل برای نهادهای سازی صلح حمایت به عمل می‌آورد، و به عنوان طرف گفتگو بین نظام ملل متحد و کمیسیون خدمت می‌کند. ماموریت آن شامل کمک به کمیسیون در طراحی استراتژی‌ها و فعالیت در داخل نظام ملل متحد برای تضمین اجرای آن استراتژی‌ها است.

### مجمع عمومی

منشور ملل متحد (ماده ۱۱) به مجمع عمومی اختیار می‌دهد «اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بررسی» و «به اعضا یا شورا یا هر دو پیشنهادهایی... بدهد.» مجمع عمومی وسیله‌ای برای رسیدن به اجماع درباره مسائل دشوار است و امکان ابراز شکایت‌ها و مبادلات دیپلماتیک را فراهم می‌سازد. مجمع برای تقویت و حفظ صلح اجلاس‌های ویژه یا اجلاس‌های اضطراری ویژه درباره مسائلی مانند خلع سلاح، مساله فلسطین و اوضاع افغانستان تشکیل داده است.

مجمع عمومی به مسائل صلح و امنیت در نخستین کمیته خود (کمیته خلع سلاح و امنیت بین‌المللی) و در چهارمین کمیته (کمیته ویژه سیاسی و استعمارزدایی) رسیدگی می‌کند. مجمع در طول سال‌ها با تصویب اعلامیه‌هایی درباره صلح، حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها و همکاری بین‌المللی، به ترویج راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز بین ملت‌ها کمک کرده است.

مجمع عمومی در ۱۹۸۰ تاسیس دانشگاه صلح، نهادی بین‌المللی برای مطالعات، تحقیقات و انتشار دانش درباره مسائل مربوط به صلح، را در سان خوزه، کاستاریکا تصویب کرد.

مجمع عمومی ۲۱ دسامبر هر سال را به عنوان روز بین‌المللی صلح تعیین کرده است.

### پیشگیری از مناقشه

تدابیر اصلی برای پیشگیری از تبدیل اختلاف‌ها به مناقشه، و پیشگیری از تکرار مناقشه، پیشگیرانه، و خلع سلاح پیشگیرانه است.

دیپلماسی پیشگیرانه به اقدام برای پیشگیری از بروز اختلاف‌ها، حل آنها پیش از تبدیل شدن به مناقشه، یا

#### دیپلماسی مسئولیت حمایت

آیا جامعه بین‌المللی برای متوقف کردن نقض شدید، نظام‌مند و گسترده حقوق بشر در یک کشور باید مداخله کند؟ این سوال را کوفی عنان دبیرکل در سال ۱۹۹۸ مطرح و باعث بحث‌های گسترده شد. دبیرکل، پس از قتل عام‌ها، جنایات علیه بشریت، و جنایات جنگی در آفریقای مرکزی، بالکان و نقاط دیگر، استدلال کرد جامعه بین‌المللی، در چارچوب قوانین بین‌المللی، باید درباره اصول مشروع و همگانی برای حمایت از غیرنظامیان در برابر نقض‌های شدید و نظام‌مند حقوق بشر به توافق برسد. از آن زمان آشکار شده است که مساله، دیگر این نیست که آیا جامعه بین‌المللی باید برای محافظت از جمعیت‌ها در برابر این جنایات مداخله کند یا نه بلکه این است که در چه زمانی و چگونه باید مداخله کند.

رهبران کشورهای جهان در اجلاس جهانی سران ۲۰۰۵ در «سند نتیجه» فراگیر خود به «مسئولیت حمایت» توجه و اعلام کردند: «هر کشوری مسئولیت دارد از مردم خود در برابر کشتار جمعی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت محافظت کند. این مسئولیت پیشگیری از چنین جنایات، از جمله تحریک به انجام آنها را از طریق وسایل مناسب و ضروری ایجاب می‌کند. ما این مسئولیت را می‌پذیریم و برحسب آن عمل خواهیم کرد.»

آنان در ادامه تصریح کردند: «جامعه بین‌المللی، از طریق سازمان ملل، نیز مسئولیت دارد از ابزارهای مناسب دیپلماتیک، انساندوستانه و امکانات دیگر مطابق با فصل‌های ششم و هشتم منشور برای کمک به محافظت از جمعیت‌ها (از این جنایات) سود برد.

«در این زمینه، ما آماده‌ایم به روشی قاطعانه و به موقع، از طریق شورای امنیت، مطابق منشور، از جمله فصل هفتم، بر مبنای مورد به مورد و با همکاری سازمان‌های منطقه‌ای مربوطه هر جا مناسب باشد، در صورتی که روش‌های مسالمت‌آمیز ناکافی باشد و مسئولان ملی آشکارا در محافظت از مردم خود در برابر کشتار جمعی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت کوتاهی کنند، اقدام دسته‌جمعی به عمل آوریم.»

آنان همچنین بر ضرورت کمک به کشورها برای توانمند ساختن آنها جهت محافظت از مردم خود در برابر این جنایات، و یاری به کشورهایی که پیش از بروز بحران‌ها و مناقشات تحت فشار قرار دارند، تاکید کردند. (به قطعنامه ۶۰/۱ مورخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۵ مجمع عمومی؛ و قطعنامه ۱۶۷۴ مورخ ۲۸ آوریل ۲۰۰۶ شورای امنیت، که به حمایت از غیرنظامیان در مناقشه مسلحانه پرداخته و این اصول را تایید می‌کنند، نگاه کنید.)

این مسائل در ایجاد ماموریت‌های جدید سازمان ملل، مانند عملیات مشترک اتحادیه آفریقا - سازمان ملل در دارفور مطرح هستند. سازمان ملل همچنین نظام حقوق بشر کنونی خود را با ایجاد شورای حقوق بشر در ۲۰۰۶ به عنوان نهاد کمکی مجمع عمومی - برای رسیدگی به موارد ویژه نقض حقوق بشر، حمایت از هماهنگی و ادغام مسائل مربوط به حقوق بشر در نظام ملل متحد، و دادن توصیه‌هایی در باره توسعه و تدوین آتی قانون حقوق بشر بین‌المللی، تقویت کرده است.

بان‌کی- مون، دبیرکل بارها قصد خود را برای اجرا و عملیاتی کردن مسئولیت حمایت در سازمان ملل ابراز کرده است. وی در ماه مه ۲۰۰۷ به این منظور فرانسویس دنگ را به عنوان مشاور ویژه خود برای پیشگیری از کشتار جمعی و قساوت‌های همگانی منصوب کرد و کمی بعد سطح این مقام را به نماینده ویژه دبیر کل ارتقا داد و در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۷ قصد خود را برای انتصاب ادوارد لوک به مقام جدید «مشاور ویژه در زمینه مسئولیت حمایت» اعلام کرد.

محدود کردن دامنه مناقشات هنگام بروز آنها، اشاره دارد. این کار را می‌توان به صورت میانجیگری، آشتی یا مذاکره انجام داد. هشدار زود هنگام عنصری اساسی در پیشگیری است، و سازمان ملل متحد برای شناسایی تهدیدها نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی، و در نتیجه توانمند ساختن شورای امنیت و دبیرکل

برای انجام اقدام پیشگیرانه، به دقت بر تحولات سیاسی و سایر تحولات جهان نظارت می‌کند. فرستادگان و نمایندگان ویژه دبیرکل در میانجیگری و دیپلماسی پیشگیرانه در جهان شرکت دارند. در بعضی نقاط دچار مشکل، حضور صرف نماینده ویژه خبره می‌تواند از تشدید تنش‌ها پیشگیری کند. این کار اغلب با همکاری نزدیک سازمان‌های منطقه‌ای انجام می‌شود.

خلع سلاح پیشگیرانه، در تکمیل دیپلماسی پیشگیرانه، درصدد کاهش تعداد سلاح‌های کوچک در مناطق مستعد مناقشه است. در السالوادور، سیرالئون، لیبیا و جاهای دیگر، این کار باعث ترخیص نیروهای جنگی و همچنین گردآوری و نابود کردن سلاح‌های آنان به عنوان بخشی از قرارداد کلی صلح شده است. نابود کردن سلاح‌های دیروز، مانع استفاده از آنها در جنگ‌های فردا می‌شود.

### برقراری صلح

برقراری صلح، به استفاده از ابزارهای دیپلماتیک برای تشویق طرفین مناقشه به قطع خصومت‌ها و انجام مذاکره برای حل مسالمت‌آمیز آن اشاره دارد. سازمان ملل ابزارهای گوناگون ارائه می‌دهد که از طریق آنها می‌توان مناقشات را مهار و حل، و به دلایل ریشه‌ای آنها رسیدگی کرد. شورای امنیت می‌تواند راه‌هایی را برای حل اختلاف توصیه یا خواهان میانجیگری دبیرکل شود. دبیرکل برای تشویق و حفظ انگیزه مذاکرات می‌تواند ابتکارهای دیپلماتیک انجام دهد.

دبیرکل شخصا یا با اعزام فرستادگان یا هیات‌های ویژه برای انجام وظایف خاص، مانند مذاکره یا حقیقت‌یابی، نقشی اساسی در برقراری صلح ایفا می‌کند و بر اساس منشور می‌تواند هر موضوعی را که ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید کند، در معرض توجه شورای امنیت قرار دهد.

دبیرکل برای کمک به حل اختلافات می‌تواند از «دفتر حسن نیت» خود برای میانجیگری یا اعمال دیپلماسی باز دارنده استفاده کند. بی‌طرفی دبیرکل یکی از سرمایه‌های بزرگ سازمان ملل است. دبیرکل در موارد بسیاری در برطرف کردن تهدید به صلح یا در امر نیل به موافقت نامه صلح، تأثیر اساسی داشته است.

برای مثال، اقدام دبیرکل و فرستاده او در ۱۹۹۶ به پایان بخشیدن به مناقشه داخلی ۳۶ ساله در گواتمالا کمک کرد. در جمهوری دموکراتیک کنگو، دبیرکل و فرستاده وی در ۲۰۰۳ کمک کردند تا درباره توافق‌نامه‌هایی مذاکره کنند که به جنگ داخلی این کشور پایان داد. مواردی مانند تاجیکستان، السالوادور، موزامبیک و نامیبیا روش‌های بسیار متفاوت مشارکت دبیرکل را به عنوان عامل ایجاد صلح نشان می‌دهند. از جدیدترین این موارد، نقش مهم دبیرکل در تلاش‌ها برای حل مناقشه دارفور، سودان، و ایجاد ماموریت حفظ صلح جدید، UNAMID در آنجا است.

### حفظ صلح

عملیات حفظ صلح سازمان ملل، ابزاری حیاتی برای پیشبرد صلح و امنیت در اختیار جامعه بین‌المللی است. نقش حفظ صلح در ۱۹۸۸، هنگامی که نیروهای حافظ صلح سازمان ملل جایزه نوبل صلح را دریافت کردند، به رسمیت شناخته شد. سازمان ملل در ۱۹۴۸ با ایجاد سازمان نظارت بر آتش‌بس ملل متحد در خاورمیانه در حفظ صلح پیشگام شد در حالی که این موضوع به صورت ویژه در منشور پیش‌بینی نشده بود. سازمان از آن زمان



۶۳ مورد عملیات حفظ صلح انجام داده که ۵۰ مورد آن از ۱۹۸۸ بوده است.<sup>۱</sup> اول اکتبر ۲۰۰۷ هفده مورد عملیات حفظ صلح در جریان بود.

#### فرماندهی عملیات حفظ صلح با کیست؟

عملیات حفظ صلح را شورای امنیت ایجاد و معمولاً به وسیله دبیرکل، اغلب از طریق نماینده ویژه، هدایت می‌شود. فرمانده این نیرو یا ناظر نظامی اصلی، بسته به نوع ماموریت، مسئول جنبه‌های نظامی آن است. سازمان ملل نیروی نظامی ندارد و کشورهای عضو پرسنل نظامی و غیرنظامی مورد نیاز هر عملیاتی را تأمین می‌کنند. حافظان صلح یونیفورم کشور خود را می‌پوشند؛ و فقط با کلاه خود یا کلاه بره آبی و نشان سازمان ملل متحد، به عنوان حافظان صلح شناسایی می‌شوند.

عملیات حفظ صلح با اجازه شورای امنیت و رضایت دولت میزبان یا طرف‌های اصلی مناقشه انجام می‌شود. حفظ صلح به طور سنتی شامل الگویی عمدتاً نظامی از رعایت آتش بس و جداسازی نیروها پس از جنگ‌های بین‌کشوری بود. امروز این کار به الگویی پیچیده از عناصر بسیار-نظامی، پلیس و غیرنظامی- تبدیل شده که به اتفاق تلاش می‌کنند تا به ایجاد صلحی پایدار کمک کنند.

شورادر سال‌های اخیر روش توصل به مفاد اجرایی در فصل هفتم منشور ملل متحد را هنگام موافقت با استقرار بعضی از عملیات حفظ صلح سازمان ملل، یا اعزام آنها برای اجرای وظایفی که ممکن است استفاده از زور را ایجاد کند - مانند محافظت از غیرنظامیانی که در معرض تهدید آبی خشونت فیزیکی قرار دارند - ارائه داده است. حافظان صلح سازمان ملل در گذشته فقط در دفاع از خود می‌توانستند از سلاح‌های خویش استفاده کنند، اما ماموریت‌های «جدی‌تر» بر اساس فصل هفتم آنان را قادر می‌سازد، مثلاً برای محافظت از مردم غیرنظامی از زور استفاده کنند.

کشورهای عضو پرسنل نظامی عملیات حفظ صلح را به صورت داوطلبانه تأمین می‌کنند و بودجه آن‌را، که به عنوان بودجه حفظ صلح ارزیابی می‌شود، می‌پردازند. به کشورهایی که با اعزام سرباز کمک می‌کنند، به نسبتی استاندارد از این بودجه گرامت داده می‌شود.

هزینه عملیات حفظ صلح برای سال مالی که از ژوئیه ۲۰۰۶ شروع شد انتظار می‌رفت حدود ۵/۲۸ میلیارد دلار باشد، که اوجی تاریخی برای حفظ صلح سازمان به شمار می‌رفت اما هنوز کمتر از نیم درصد هزینه‌های نظامی دنیا بود. منابع مالی عملیات از طریق بودجه حفظ صلح تأمین می‌شود و شامل سربازانی از کشورهای بسیار است. این روش سهم‌شدن همگانی دربار مسئولیت، می‌تواند از نظر انسانی، مالی و سیاسی تأثیر فوق‌العاده داشته باشد.

اول نوامبر ۲۰۰۷ در مجموع ۸۲۲۳۷ پرسنل نظامی و پلیس از ۱۱۹ کشور در عملیات متعدد حفظ

۱. مداخله در کره در ۱۹۵۰ عملیات حفظ صلح سازمان ملل نبود. ایالات متحده و کمیسیون سازمان ملل درباره کره در ژوئن ۱۹۵۰ به سازمان اطلاع دادند جمهوری کره مورد حمله نیروهای کره شمالی قرار گرفته است. شورای امنیت توصیه کرد کشورهای عضو کمک لازم را در اختیار جمهوری کره قرار دهند تا حمله را خنثی و صلح و امنیت را اعاده کند. شورا در ژوئیه توصیه کرد کشورهای عضو که نیروهای نظامی تأمین می‌کنند آنها را در اختیار فرماندهی متحد تحت نظر ایالات متحده قرار دهند. ۱۶ کشور سرباز فرستادند این نیرو معروف به یگان سازمان ملل متحد که شورای امنیت به آن اجازه داده بود تحت پرچم سازمان ملل باشد، از عملیات حفظ صلح سازمان نبود بلکه نیرویی بین‌المللی بود که تحت فرماندهی متحد عمل می‌کرد. اتحاد شوروی که در اعتراض به حضور دولت ملی گرای چین به نمایندگی از چین در سازمان ملل، در شورای امنیت حضور نداشت، تصمیم‌های شورا را به دلیل غیبت دو عضو دائمی آن (اتحاد شوروی و چین) غیرقانونی اعلام کرد. جنگ کره تا ژوئیه ۱۹۵۳ که موافقت نامه آتش بس امضاء شد ادامه یافت.

صلح خدمت می‌کردند. پس از ۱۹۴۸، ۲۴۱۵ حافظ صلح حین انجام وظیفه جان خود را از دست داده‌اند. مناقشات امروز ترکیبی پیچیده هستند. ریشه‌های آنها ممکن است اساساً داخلی باشند، اما مداخلات فرامرزی، چه از سوی دولت‌ها یا منافع اقتصادی و سایر عوامل غیردولتی، آن‌ها را پیچیده ترمی‌کنند. مناقشات اخیر در آفریقا، نقش ترکیب مرگبار جنگ داخلی و صدور غیرقانونی منابع طبیعی - عمدتاً الماس - را برای به دست آوردن اسلحه نشان داده‌اند. به علاوه، عواقب مناقشات می‌توانند به علت جریان‌های غیرقانونی اسلحه، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، جریان‌های پناهندگان و ویرانی محیط زیست به سرعت بین‌المللی شوند.

عملیات سازمان ملل، به علت جهانی بودن آنها، از مشروعیتی منحصر به فرد برای رسیدگی به مناقشات برخوردارند. جهانی بودن این عملیات به مشروعیت آنها می‌افزاید و عوارض آنها را برای حاکمیت کشور میزبان محدود می‌کند. حافظان صلح از خارج یک مناقشه می‌توانند بحث بین طرف‌های درگیر را تقویت کنند و در همان حال توجه جهانی را به نگرانی‌های محلی جلب و درهایی را باز کنند که در غیر این صورت به روی تلاش‌های دسته جمعی صلح بسته می‌ماند.

لزوم تحقق چند شرط برای موفقیت یک عملیات به حد فزاینده‌ای آشکار شده است. از جمله این شرط‌ها: خواست واقعی نیروهای خصم برای حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های خود، وجود ماموریتی روشن، حمایت سیاسی شدید جامعه بین‌المللی، و تامین منابع مالی و انسانی لازم برای دستیابی به هدف‌های عملیات است. مهم‌تر این که عملیات حفظ صلح باید با فرآیند سیاسی همراه باشد؛ هیچ یک نباید و نمی‌تواند جای دیگری را بگیرد. ([www.un.org/Depts/dpko/dpko](http://www.un.org/Depts/dpko/dpko))

جامعه بین‌المللی از عملیات گذشته درس‌هایی آموخته و سازمان ملل برای تقویت توانایی حفظ صلح در چند حوزه فعالیت می‌کند. طرحی کلی برای اصلاحات به وسیله هیات عملیات صلح دبیرکل، به ریاست سفیر اخضر ابراهیمی ارائه شد، که گزارش خود را در سال ۲۰۰۰ منتشر کرد. با این حال، در حالی که هدف اصلاحات بر مبنای گزارش اخضر ابراهیمی امکان‌پذیر ساختن شروع فعالیت یک هیات صلح چند رشته‌ای جدید در هر سال بود، دوره سه ساله منتهی به فوریه ۲۰۰۷ شاهد شروع یا گسترش کار ۹ هیات میدانی بود ضمن این که دو هیات دیگر نیز در مراحل اولیه خود بودند.

در نتیجه، دبیرکل بان‌کی - مون تجدید ساختار عمده تشکیلات حفظ صلح سازمان ملل را از طریق ایجاد «اداره حمایت میدانی» جدید (DFS) پیشنهاد و مجمع عمومی نیز آن را تصویب کرد. ماموریت DFS که مجمع عمومی ژوئن ۲۰۰۷ آن را رسماً تاسیس کرد برنامه‌ریزی، استقرار، و حفظ هیات‌های حفظ صلح سازمان ملل است ضمن این که «اداره عملیات حفظ صلح» (DPKO) بر مسائلی مانند نظارت استراتژیک و هدایت سیاسی عملیاتی تمرکز می‌کند. این تغییرات قرار بود طی یک دوره ۱۲ ماهه در چند مرحله انجام شود.

معاون دبیرکل که مسئول DFS است به معاون دبیرکل برای عملیات حفظ صلح گزارش می‌دهد و از او دستورالعمل می‌گیرد تا به تضمین وحدت فرماندهی در حفظ صلح سازمان ملل کمک شود.<sup>۱</sup> عملیات حفظ صلح رامی‌توان به شکل‌های فراوانی انجام داد و به علت موقعیت‌های متغیر مدام

۱. مشروح پیشنهاد اصلی دبیرکل در «گزارش فراگیر درباره تقویت توانایی سازمان ملل متحد برای اداره و نگهداری عملیات حفظ صلح مورخ ۱۳ آوریل ۲۰۰۷ (سند A/61/858) وی درج شده است.

در حال توسعه و تغییر هستند. از جمله مأموریت هایی که در طول سال‌ها در جریان عملیات حفظ صلح انجام شده:

- **حفظ آتش بس و جداسازی نیروها.** با تامین «فضای تنفسی»، عملیاتی بر مبنای موافقت نامه محدود بین طرفین، می‌تواند فضا و شرایط مناسب برای مذاکرات به وجود آورد
  - **حمایت از عملیات بشردوستانه.** در مناقشات بسیاری، غیرنظامیان را به عنوان وسایلی برای دستیابی به هدف‌های سیاسی، به عمد هدف گرفته‌اند. در چنین موقعیت‌هایی از حافظان صلح خواسته شده از عملیات بشردوستانه حمایت به عمل آورند. اما چنین وظایفی می‌تواند حافظان صلح را در موقعیت‌های دشوار سیاسی قرار دهد و به تهدید امنیت آنان منجر شود.
- اجرای راه حل صلح فراگیر. عملیات پیچیده چند بعدی، که بر اساس موافقت نامه های صلح*

#### • عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد\*

- سازمان نظارت بر آتش بس ملل متحد (تاسیس ۱۹۴۸)، در خاورمیانه (۱۵۲ نفر نظامی و ۲۲۵ نفر غیرنظامی)
- گروه ناظر نظامی ملل متحد در هند و پاکستان (۱۹۴۹) (نظامی ۴۴، غیرنظامی ۷۳)
- نیروی حفظ صلح ملل متحد در قبرس (۱۹۶۴) (نظامی ۸۷۲، پلیس غیرنظامی ۶۶، غیرنظامی ۱۴۵)
- نیروی ناظر جداسازی ملل متحد (۱۹۷۴) در ارتفاعات جولان سوریه، (نظامی ۱۰۴۷، غیرنظامی ۱۴۰)
- نیروی موقت ملل متحد در لبنان (۱۹۷۸) (نظامی ۱۲۳۴۱، غیرنظامی ۹۰۸ نفر)
- هیات سازمان ملل برای همه پرسی در صحرای غربی (۱۹۹۱) (نظامی ۲۱۴، پلیس ۶، غیرنظامی ۲۴۷، داوطلب سازمان ۲۴)
- هیات ناظر ملل متحد در گرجستان (۱۹۹۳) (نظامی ۱۳۴، پلیس ۸، غیرنظامی ۲۸۲، داوطلب سازمان ملل یک)
- هیات حکومت موقت ملل متحد در کوزوو (۱۹۹۹) (نظامی ۴۰، پلیس ۱۹۵۳، غیرنظامی ۲۴۱۲، داوطلب سازمان ۱۳۲)
- هیات ناظر ملل متحد در جمهوری دموکراتیک کنگو (۱۹۹۹) (نظامی ۱۷۳۵۹، پلیس ۱۰۴۹، غیرنظامی ۳۰۲۱) داوطلب سازمان (۵۷۱)
- هیات ملل متحد در اتیوپی واریتره (۲۰۰۰) (نظامی ۵۰۳، غیرنظامی ۳۴۳)، داوطلب ۶۳ نفر
- هیات ملل متحد در لیبیا (۲۰۰۳) (نظامی ۱۲۴۳۸، پلیس ۱۱۴۸، غیرنظامی ۱۴۵۳، داوطلب سازمان ۲۳۸)
- عملیات ملل متحد در ساحل عاج (۲۰۰۴) (نظامی ۸۰۳۴، پلیس ۱۱۸۲، غیرنظامی ۹۸۹، داوطلب ۲۸۴)
- هیات تثبیت ملل متحد در هائیتی (۲۰۰۴) (نظامی ۷۰۶۴، پلیس غیرنظامی ۱۹۲۳، غیرنظامی ۱۶۶۳، داوطلب ۱۹۹)
- هیات سازمان ملل در سودان (۲۰۰۵) (نظامی ۹۲۸۸؛ پلیس ۶۶۴؛ غیرنظامی ۳۱۹۶؛ داوطلب سازمان ۲۵۰)
- هیات منسجم سازمان ملل در تی مور-لسته (۲۰۰۶) (نظامی ۳۳؛ پلیس غیرنظامی ۱۵۴۶؛ غیرنظامی ۱۱۳۴؛ داوطلب سازمان ۱۲۴)
- عملیات مشترک اتحادیه آفریقا - سازمان ملل در دارفور (۲۰۰۷) (نظامی ۷۵۰۹؛ پلیس ۱۷۰۴؛ غیرنظامی ۹۶۰؛ داوطلب سازمان ۱۲۹) پس از استقرار کامل: (نظامی ۱۹۵۵۵؛ پلیس ۶۴۳۲؛ غیرنظامی ۵۰۳۴؛ داوطلب سازمان ۵۴۸)
- (هیات سازمان ملل در جمهوری آفریقای مرکزی و چاد ۲۰۰۷) (نظامی ۱۴؛ پلیس ۷۱؛ غیرنظامی ۳۲؛ داوطلب سازمان ۱۶) (پس از استقرار کامل: «حداکثر ۳۰۰ پلیس و ۵۰ افسر رابط نظامی و تعداد مناسبی پرسنل غیرنظامی»)

\* تا اول آوریل ۲۰۰۸. برای کلیه عملیات، گذشته و حال، به بخش ۳ (پیوست‌ها) نگاه کنید.

فراگیر انجام می‌شود، می‌تواند در انجام وظایف گوناگونی مانند تامین کمک بشردوستانه، نظارت بر حقوق بشر، نظارت بر انتخابات و هماهنگ کردن حمایت برای بازسازی اقتصادی، کمک کند. هیچ مجموعه از چنین نقش‌هایی نمی‌تواند جامع و فراگیر باشد. مناقشات آینده احتمال دارد به ایجاد چالش‌های پیچیده برای جامعه بین‌المللی ادامه دهد. دادن پاسخی موثر، نیازمند استفاده

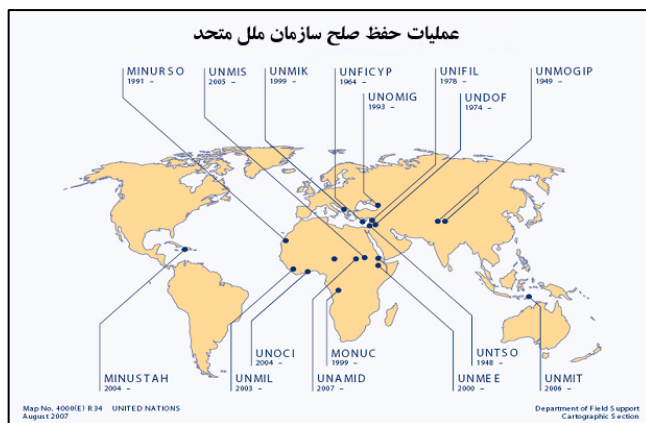
شجاعانه و خلاقانه از ابزارها برای صلح خواهد بود.

**همکاری با سازمان‌های امنیتی منطقه‌ای و گروهی.** سازمان ملل در جست و جوی صلح، به میزان روزافزونی با سازمان‌های منطقه‌ای و سایر عوامل و ساز و کارهایی همکاری کرده که در فصل هشتم منشور ملل متحد پیش‌بینی شده است.

سازمان ملل از نزدیک با سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) در هائیتی، اتحادیه اروپا (EU) در یوگسلاوی سابق و جمهوری دموکراتیک کنگو؛ جامعه اقتصادی کشورهای آفریقای غربی (ECOWAS) در لیبیا و سیرالئون؛ و اتحادیه آفریقا (AU) در صحرای غربی، منطقه دریاچه‌های بزرگ و دارفور همکاری کرده است.<sup>۳</sup>

ناظران سازمان ملل در لیبیا، سیرالئون، گرجستان و تاجیکستان با نیروهای حفظ صلح سازمان‌های منطقه‌ای همکاری کرده‌اند؛ و نیروهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در کنار پرسنل سازمان ملل در افغانستان و کوزوو کار می‌کنند.

این تحولی خوشایند است زیرا تقاضای جهانی برای عملیات صلح اکنون از ظرفیت و توانایی هر عاملی، از جمله سازمان ملل، بیشتر است. تلاش‌های عوامل منطقه‌ای برای ایجاد توانایی خاص خود برای برنامه‌ریزی، اداره و ادامه عملیات صلح، عمقی بیشتر به امکان انتخاب واکنش می‌دهد. این وضع امکاناتی جدید برای ایجاد نظامی‌انعطاف‌پذیرتر و تاثیرپذیرتر به وجود آورده که توانایی بیشتری برای رسیدگی به چالش‌های پیچیده ناشی از مناقشه خشونت‌آمیز داخلی دارد.



## اجرا

شورای امنیت بر اساس فصل ۷ منشور می‌تواند تدابیر اجرایی برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کند. چنین تدابیری از تحریم‌های اقتصادی تا اقدام نظامی بین‌المللی را در بر می‌گیرد.

## تحریم‌ها

شورا هنگام تهدید صلح و شکست تلاش‌های دیپلماتیک، به تحریم‌های اجباری به عنوان ابزاری

۱. سازمان وحدت آفریقا که در ۱۹۶۳ برای ترویج وحدت، همبستگی و همکاری بین‌المللی بین کشورهای تازه استقلال یافته آفریقا تاسیس شد، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۲ نام خود را به «اتحادیه آفریقا» (AU) تغییر داد ( [www.african-union.org](http://www.african-union.org) ). این اتحادیه که مرکز آن در اتیوپی است، با ۵۳ عضو، از اتحادیه اروپا (EU) . ( <http://europa.eu> ) الگو گرفته است.

اجرای متوسل شده است. از تحریم علیه عراق، یوگسلاوی سابق، لیبی، هائیتی، لیبیا، رواندا، سومالی، نیروهای یونیتا در آنگولا، سودان، سیرالئون، جمهوری فدرال یوگسلاوی (از جمله کوزوو)، افغانستان، اتیوپی و اریتره، ایران و جمهوری دموکراتیک خلق کره استفاده شده است. دامنه تحریم‌ها شامل تحریم‌های کامل اقتصادی و تجاری، یا تدابیر خاص‌تر مانند تحریم‌های تسلیحاتی، ممنوعیت سفر و محدودیت‌های مالی و دیپلماتیک بوده است.

هدف از تحریم‌ها اعمال فشار به یک کشور یا نهاد برای پیروی از هدف‌های تعیین شده شورای امنیت بدون توسل به استفاده از زور است. به این ترتیب تحریم‌ها وسیله‌ای مهم برای اجرای تصمیم‌های شورا در اختیار آن می‌گذارد. ویژگی جهانی سازمان ملل آن را نهادی به ویژه مناسب برای وضع تحریم‌ها و نظارت بر اجرای آنها می‌کند.

با این حال، بسیاری از کشورها و سازمان‌های بشردوستانه درباره تاثیر نامساعد احتمالی تحریم‌ها بر بخش‌های آسیب پذیرتر جمعیت غیرنظامی، مانند سالخورده‌گان، معلولان، پناهندگان یا مادران و کودکان ابراز نگرانی کرده‌اند. درباره تاثیر منفی اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی تحریم‌ها بر اقتصاد کشورهای ثالث یا همسایه، که روابط تجاری و اقتصادی آنها با کشور تحریم شده مختل می‌شود، نیز ابراز نگرانی شده است.

این موضوع به میزان روز افزونی پذیرفته شده که لازم است شیوه طرح و اجرای تحریم‌ها بهبود یابد. تاثیر منفی تحریم‌ها را می‌توان با گنجاندن مستقیم استثنای بشر دوستانه در قطعنامه‌های شورای امنیت، یا با رسیدگی بیشتر و بهتر به آنها، کاهش داد. به اصطلاح «تحریم‌های هوشمندانه»، که می‌کوشند به جای تمام مردم به قدرتمندان فشار بیاورند، و به این ترتیب از هزینه‌های بشردوستانه بکاهند، مورد حمایت قرار گرفته‌اند. تحریم‌های هوشمندانه می‌تواند، برای مثال، شامل مسدود کردن دارایی‌ها و جلوگیری از نقل و انتقالات مالی نخبگان یا نهادهایی باشد که فعالیت‌های غیرقانونی ایشان باعث تحریم در وهله اول می‌شود.

### مجاز دانستن اقدام نظامی

هنگامی که تلاش‌ها برای برقراری صلح شکست می‌خورند ممکن است انجام اقدام شدیدتر به وسیله کشورهای عضو بر اساس فصل هفت منشور مجاز باشد. شورای امنیت ائتلاف‌های کشورهای عضو را مجاز کرده است از «کلیه ابزارهای لازم»، از جمله اقدام نظامی، برای حل مناقشه استفاده کنند، همچنان که برای اعاده حاکمیت کویت پس از حمله عراق به آن (۱۹۹۱)؛ ایجاد محیطی امن برای عملیات امدادی بشردوستانه در سومالی (۱۹۹۲)؛ برای مساعدت به حمایت از غیرنظامیان در معرض خطر در رواندا (۱۹۹۴)؛ برای بازگرداندن دولت منتخب مردم در هائیتی (۱۹۹۴)؛ برای حمایت از عملیات بشردوستانه در آلبانی (۱۹۹۷)؛ و اعاده صلح و امنیت در تی مورشرقی (۱۹۹۹ و ۲۰۰۶) استفاده کردند.

این اقدام‌ها، اگر چه با تصویب شورای امنیت، تحت کنترل کامل کشورهای شرکت کننده انجام شدند ولی شامل عملیات حفظ صلح سازمان ملل - که به وسیله شورای امنیت تعیین و با هدایت دبیرکل انجام می‌شوند - نبودند.

## نهادینه سازی صلح

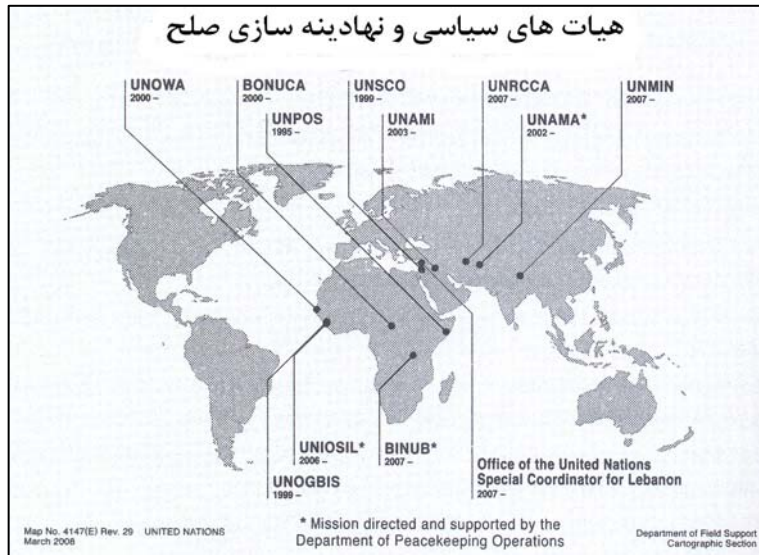
برای سازمان ملل، نهادینه سازی صلح به تلاش‌ها برای کمک به کشورها و مناطق در حال انتقال از جنگ به صلح، از جمله فعالیت‌ها و برنامه‌ها برای حمایت و تقویت این انتقال‌ها اشاره دارد. فرآیند نهادینه سازی صلح به طور معمول با امضای موافقت نامه صلح به وسیله طرفین خصم پیشین و نقش سازمان ملل در تسهیل اجرای آن شروع می‌شود. این جریان می‌تواند شامل ادامه نقش دیپلماتیک سازمان ملل، برای حصول اطمینان از این امر باشد که دشواری‌ها با مذاکره، و نه توسل به اسلحه، برطرف شوند.

این جریان می‌تواند شامل کمک‌های گوناگون- مانند استقرار نیروهای نظامی به عنوان حافظ صلح؛ بازگرداندن واسکان مجدد پناهندگان؛ برگزاری انتخابات؛ و خلع سلاح، ترخیص و بازگرداندن سربازان به زندگی عادی نیز باشد. در قلب عملیات نهادینه سازی صلح، تلاش برای ایجاد دولتی جدید و مشروع قرار دارد، دولتی که توانایی حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها، حمایت از مردم خود و تضمین احترام به حقوق بشر اساسی را داشته باشد.

### هیات‌های سیاسی و نهادینه سازی صلح ملل متحد\*

- دفتر سیاسی سازمان ملل برای سومالی (۱۹۹۵، UNPOS) (غیرنظامی ۲۸ نفر)
- دفتر پشتیبانی از نهادینه‌سازی صلح سازمان ملل در گینه بیسائو (UNOGBIS – 1999)
- مشاور نظامی ۲؛ مشاور پلیس یک؛ غیرنظامی ۲۶؛ داوطلب سازمان ملل یک
- هماهنگ‌کننده ویژه سازمان ملل برای خاورمیانه (UNSCO, 1999) (غیرنظامی ۵۰)
- دفتر نهادینه‌سازی صلح سازمان ملل در جمهوری آفریقای مرکزی ۲۰۰۱، BONUCA (مشاور نظامی ۵؛ پلیس ۶؛ غیرنظامی ۷۹؛ داوطلب سازمان ملل ۳)
- دفتر نماینده ویژه دبیرکل برای غرب آفریقا (۲۰۰۱) (غیرنظامی ۱۷)
- هیات یاری سازمان ملل در افغانستان (UNAMA, 2002) (ناظر نظامی ۱۴؛ پلیس ۳؛ غیرنظامی ۱۲۹۱؛ داوطلب سازمان ملل ۳۵)
- هیات یاری سازمان ملل برای عراق (UNAMI, 2003) (مستقر در عراق، اردن و کویت) (نظامی ۲۲۴؛ غیرنظامی ۶۳۲) (نیروی مجاز ۱۰۱۴)
- دفتر منسجم سازمان ملل در سیرالئون (UNIOSIL, 2006) (نظامی ۱۴؛ پلیس ۲۱؛ غیرنظامی ۲۷۷؛ داوطلب سازمان ملل ۲۳)
- دفتر منسجم سازمان ملل در بروندي (BINUB, 2007) (ناظر نظامی ۸؛ پلیس ۱۰؛ غیرنظامی ۳۵۸؛ داوطلب سازمان ۴۹)
- هیات سیاسی سازمان ملل در نپال (UNMIN, 2007) (ناظر نظامی ۱۴۶؛ پلیس ۴؛ غیرنظامی ۴۵۹؛ داوطلب سازمان ۲۴۷)
- هماهنگ‌کننده ویژه دبیرکل سازمان ملل برای لبنان (۲۰۰۷) (غیرنظامی ۳۱)
- مرکز منطقه‌ای سازمان ملل برای دیپلماسی پیشگیرانه جهت آسیای مرکزی (UNRCCA 2007) (کارمند پیشنهادی ۱۹)

\* تا آوریل ۲۰۰۸



عملیات نهادینه سازی صلح شامل اقدام به وسیله مجموعه‌ای گسترده از سازمان‌های نظام ملل متحد، از جمله بانک جهانی، سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و سایر سازمان‌ها، سازمان‌های غیردولتی، و گروه‌های شهروندی محلی است. نهادینه سازی صلح نقشی برجسته در عملیات ملل متحد در کامبوج، السالوادور، گواتمالا، موزامبیک، لیبیا، بوسنی و هرزگوین و کوزوو، همچنین در افغانستان، بروندي، عراق و سیرا لئون ایفا کرده است. یک نمونه نهادینه سازی صلح بین کشورها، هیات سازمان ملل در اتیوپی و اریتره بوده است.

### کمک به برگزاری انتخابات

سازمان ملل در ۱۹۸۹، با نظارت بر جریان کامل انتخابات که به استقلال نامیبیا منجر شد، پای به عرصه‌ای جدید نهاد و از آن زمان، به تقاضای دولت‌ها برای برگزاری انتخابات در کشورهایی مانند نیکاراگوا (۱۹۹۰)، آنگولا (۱۹۹۲)، کامبوج (۱۹۹۳)، السالوادور، آفریقای جنوبی و موزامبیک (۱۹۹۴)، Slavonia شرقی (کرواسی) (۱۹۹۷)، جمهوری آفریقای مرکزی (۱۹۹۸ و ۱۹۹۹) افغانستان (۲۰۰۴-۲۰۰۵)، عراق و لیبیا (۲۰۰۵)، هائیتی و جمهوری دموکراتیک کنگو (۲۰۰۶) کمک کرده است. سازمان ملل بر همه پرسی در ۱۹۹۳ در اریتره نیز نظارت کرد و مشورت مردمی در تی مور شرقی را در ۱۹۹۹ ترتیب داد و انتخابات آن را در ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ برگزار کرد که به استقلال تی مور شرقی با عنوان تی مور-لسته، و انتخابات ۲۰۰۷ آن منتهی شد.

میزان و نوع مشارکت سازمان ملل به عواملی مانند تقاضاهای دریافتی از دولت‌ها، مفاد قراردادهای صلح، یا ماموریت‌های محول شده مجمع عمومی یا شورای امنیت بستگی دارد. سازمان ملل وظایف گوناگونی، از کمک فنی گرفته تا اجرای عملی جریان انتخابات، انجام داده و در موارد بسیاری فعالیت‌های ناظران بین‌المللی را هماهنگ می‌کند. چنین ناظرانی، به طور معمول جریان ثبت نام رای دهندگان، مبارزات انتخاباتی و سازمان دادن رای‌گیری را پیگیری می‌کنند. سازمان ملل از سال

۱۹۹۲ کمک های گوناگون انتخاباتی - از جمله خدمات مشورتی، تدارکات، کارآموزی، آموزش مدنی، استفاده از رایانه و نظارت کوتاه مدت، به بیش از ۱۰۷ کشور ارائه داده است.

#### مدیر موقت

سازمان ملل گاهی در کمک به اداره کشورهای در حال گذار نقشی ایفا کرده است. سازمان به تقاضای کشورها برای کمک پس از مناقشه، وظایف گوناگونی در این شکل جدید نهادینه سازی صلح انجام داده - در مواقعی مجموعه کامل اختیارات دولت را، ضمن انجام کار با رهبران سیاسی و مدنی محلی، برای ایجاد دولتی خودکفا به عهده گرفته است.

یک نمونه از چنین نقش اداری - اجرایی در ۱۹۹۳ - ۱۹۹۲ به دنبال سالها جنگ داخلی در کامبوج اجرا شد. شورای امنیت همچنان که در قرارداد صلح ۱۹۹۱ قید شده بود، نهاد انتقال ملل متحد را در کامبوج ایجاد کرد که بخشهای اصلی وزارتخانههای کشور را اداره و پس از انتخابات ۱۹۹۳، اختیارات خود را به دولت جدید تفویض کرد.

عملیات حفظ صلح دیگری با مسئولیت‌های اداری - اجرایی، نهاد انتقال سازمان ملل در (Slavonia) شرقی، بارانیا (Baranja) و سرمیوم (Sirmium) غربی بود که از ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ برای کمک به ادغام مسالمت‌آمیز این منطقه در کرواسی، انجام شد.

شورای امنیت در ۱۹۹۹ هیات حکومت موقت ملل متحد را در کوزوو، با اختیارات مربوط به قانون گذاری، اجرایی و قضایی تشکیل داد که در حال اداره حکومت این استان بوده اما به تدریج این وظایف را تا روشن شدن وضعیت نهایی به نهادهایی از کوزوو در آنجا واگذار کرده است.

شورای امنیت، در ۱۹۹۹، حکومت انتقالی ملل متحد را در تی مورشرقی، با اختیارات قانون گذاری و اجرایی تشکیل داد. این هیات به انجام خدمات اجتماعی، کمک به بازسازی و ایجاد ظرفیت در مسیر تاسیس کشور کمک کرد. این سرزمین در مه ۲۰۰۲ با نام تی مور - لسته به استقلال رسید.

**بخش کمک به انتخابات در اداره امور سیاسی [www.un.org/Depts/dpa/ead](http://www.un.org/Depts/dpa/ead) به عنوان**

کانون اصلی برای کمک به برگزاری انتخابات در داخل نظام ملل متحد خدمت می‌کند.

از این بخش در سالهای اخیر مدام خواسته شده از فرآیندهای انتخابات، به عنوان عناصر اصلی مذاکرات صلح با میانجیگری سازمان ملل، یا در چارچوب تلاش‌های حفظ و نهادینه سازی صلح، حمایت و آنها راراهنمایی کند. برنامه توسعه ملل متحد از جریان انتخابات حمایت فنی به عمل می‌آورد، برای ایجاد ساختارهای انتخاباتی به کشورها کمک می‌کند، و اغلب اوقات کمک‌های انتخاباتی سازمان ملل را در محل هماهنگ می‌کند. دفتر کمیساری عالی سازمان ملل برای حقوق بشر در زمینه آموزش مسئولان برگزاری انتخابات، تهیه رهنمودها برای نوشتن متن قوانین و مقررات انتخاباتی، و انجام فعالیت‌های اطلاعاتی درباره حقوق بشر و انتخابات کمک می‌کند.

#### نهادینه سازی صلح از طریق توسعه

از ابزارهای عملی اصلی سازمان ملل برای تحکیم صلح، کمک توسعه ای است. سازمان‌های بسیاری - از جمله برنامه توسعه ملل متحد، صندوق کودکان ملل متحد، برنامه جهانی غذا، و دفتر کمیساری عالی سازمان ملل در امور پناهندگان - در مرحله بهبودی، که برای ایجاد فرصت‌ها برای آوارگان و اعاده اعتماد به نهادهای ملی و محلی حیاتی است، نقش‌هایی ایفا می‌کنند.

سازمان ملل می‌تواند به بازگشت پناهندگان، پاکسازی مین‌های زمینی، تعمیر زیربناها، بسیج منابع و تشویق بازبانی اقتصادی کمک کند. جنگ، بدترین دشمن توسعه و توسعه سالم و متعادل بهترین وسیله و روش پیشگیری از مناقشه است.

#### اقدام ملل متحد برای صلح



## آفریقا جنوب آفریقا

سازمان ملل در پایان دهه ۱۹۸۰ که جنگ سرد رو به پایان بود، توانست ثمرات سال‌ها تلاش فراوان به منظور خاتمه دادن به جنگ‌هایی که جنوب آفریقا را گرفتار کرده بود برداشت کند. سقوط رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی، که تاثیر آن به کشورهای هم‌مرز «خط مقدم» گسترش یافت، رژیم‌های که از نیروهای مخالف در آنگولا و موزامبیک حمایت کرده بود، عاملی مهم در این تلاش‌ها بود.

آفریقای جنوبی در ۱۹۸۸ موافقت کرد برای تضمین استقلال نامیبیا با دبیرکل همکاری کند. دولت موزامبیک و مقاومت ملی موزامبیک در ۱۹۹۲ موافقت نامه صلح امضا کردند تا به جنگ داخلی طولانی ویرانگر خاتمه دهند. «عملیات ملل متحد در موزامبیک»، که در ۱۹۹۳، به عنوان بخشی از موافقت نامه فوق، مستقر شد با موفقیت بر آتش‌بس، ترخیص نیروها، و برگزاری نخستین انتخابات چندحزبی این کشور، که در ۱۹۹۴ انجام شد، نظارت کرد.

**آنگولا.** جنگ داخلی ناپیوسته اما ویرانگر در آنگولا، بین دولت و اتحادیه ملی برای استقلال کامل آنگولا (یونیتا)، از زمان استقلال از پرتغال در ۱۹۷۵ آن را گرفتار کرده بود. سازمان ملل نقشی مهم در پایان دادن به این مناقشه، از طریق تلاش‌هایی مانند میانجیگری دبیرکل و فرستادگان او، ترتیب دادن مذاکرات صلح، تحمیل تحریم تسلیحاتی و نفتی و محدودیت‌های سفر علیه یونیتا به وسیله شورای امنیت، و نظارت بر انجام انتخابات ملی، ایفا کرد.

شورای امنیت چند هیات متوالی حفظ صلح و سیاسی در آنگولا ایجاد کرد. نخستین هیات، در ۱۹۸۹، بر عقب‌نشینی نظامیان کوبایی طرفدار دولت از این کشور نظارت کرد. دومین هیات، از ۱۹۹۱، کوشید بر آتش‌بس نظارت، ترخیص مبارزان را تأیید، و بر انتخابات ۱۹۹۲ نظارت کند. اما هنگامی که یونیتا نتیجه انتخابات را نپذیرفت آنگولا بار دیگر در آتش جنگ فرو رفت.

حاصل میانجیگری " Alioune Blondin Beye " نماینده ویژه دبیرکل، انعقاد پروتکل ۱۹۹۴ لوزاکا و آتش‌بسی شکننده بود. این توافق، آتش‌بس و تلفیق یونیتا را در دولت و نیروهای مسلح کشور پیش‌بینی کرده بود. هیات سوم برای حمایت از این توافق و کمک به طرفین برای دستیابی به صلح و آشتی ملی تشکیل شد.

دبیرکل در ۱۹۹۷ برای برقراری آشتی و تشکیل دولت آشتی و وحدت ملی آنگولا، که در آوریل ۱۹۹۷ کار خود را شروع کرد، به این کشور رفت. هیات ناظر ملل متحد در آنگولا MONUA نیز در طول سال ۱۹۹۷ برای کمک به اعاده صلح، و مساعدت در امر انتقال، تشکیل شد. اما پس از چهار سال صلح نسبی، آتش‌جنگ بار دیگر در دسامبر ۱۹۹۸ شعله‌ور شد و تلفات سنگینی بین مردم به بار آورد. شورای امنیت تحریم‌ها علیه یونیتا را به علت کوتاهی آن در انجام تعهدات خود بر اساس توافق صلح لوزاکا، تشدید کرد.

در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۸ یک فرونده‌هوایم‌ای در بست سازمان ملل در منطقه عملیات نظامی سقوط کرد؛ یک هفته بعد، هوایم‌ای در بست دیگر سازمان در همان منطقه هدف قرار گرفت و هر ۱۵ مسافر و خدمه آن جان باختند. شورای امنیت تکرار کرد مسئولیت اصلی خراب‌تر شدن فرآیند صلح متوجه یونیتا است.

آفریقا: اولویت سازمان ملل متحد

آفریقا همچنان حوزه مهم اقدام و توجه مداوم سازمان ملل است. این سازمان به چالش ایجاد شده ناشی از مناقشات طولانی و اختلافات ریشه‌دار در این قاره به روش‌های نوآورانه و در بالاترین سطح رسیدگی کرده است. رهبران کشورهای جهان در اعلامیه هزاره در سپتامبر ۲۰۰۰ تصمیم گرفتند برای کمک به آفریقا به منظور حل مسائل مربوط به صلح و توسعه آن حمایت کامل، از جمله تدابیر ویژه برای کمک به آفریقا ارائه دهند. اقدام سازمان برای آفریقا طی سال‌ها شامل تلاش آن علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی، پشتیبانی فعالانه از استقلال نامیبیا، و حدود ۲۵ عملیات حفظ صلح در کشورهای مختلف این قاره بوده است.

از جمله، هیات سازمان ملل در اتیوپی و اریتره که به حفظ صلح بین این دو کشور کمک می‌کند. نیروهای سازمان در ساحل عاج از سال ۲۰۰۳ از توافق‌نامه‌های صلح بین بخش‌های تقسیم شده این کشور حمایت می‌کنند. هیاتی که در ۲۰۰۵ مستقر شد برای پشتیبانی از توافق‌نامه فراگیر صلح بین شمال و جنوب سودان فعالیت می‌کند. در جمهوری دموکراتیک کنگو هیات حفظ صلح عمده‌ای به اتحاد آن کشور بزرگ، که در ۲۰۰۶ از نخستین انتخابات دموکراتیک خود از زمان استقلال برخوردار شد، یاری رساند. در لیبریا عملیات سازمان ملل برای اعاده ثبات و آشتی پس از جنگ داخلی ۱۴ ساله، به این کشور کمک می‌کند، ضمن این که با عملیات جدید حفظ صلح برای دارفور، و جمهوری آفریقای مرکزی و چاد نیز موافقت شده است.

دبیرکل در گزارشی در ۱۹۹۸ درباره دلایل مناقشه در آفریقا از مردم آفریقا خواست به جای تدابیر نظامی، به راه حل‌های سیاسی متکی باشند؛ به دنبال حکومت مطلوب، احترام به حقوق بشر، دموکراتیک‌سازی و دولت و مدیریت عمومی پاسخگو باشند؛ و دست به اصلاحاتی برای حمایت و ترویج رشد اقتصادی بزنند. شورای امنیت کمی بعد قطعنامه‌هایی درباره عوارض بی‌ثبات‌کننده جریان‌های غیرقانونی اسلحه، تحریم‌های تسلیحاتی، و پیشگیری از مناقشه در آفریقا تصویب کرد و در ژانویه ۲۰۰۰ طی یک ماه در مجموعه نشست‌هایی درباره آفریقا به بررسی مسائلی مانند حل مناقشات، اچ‌آی‌وی / ایدز، پناهندگان و آوارگان و تلاش‌های صلح سازمان ملل پرداخت.

دبیرکل و نمایندگان، مشاوران و فرستادگان ویژه او همچنان فعالانه در اقدام سازمان ملل برای آفریقا شرکت دارند، و سازمان با همکاری نزدیک اتحادیه آفریقا و سازمان‌های زیرمنطقه‌ای مانند جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (ECOWAS) و جامعه توسعه جنوب آفریقا (SADC) به فعالیت ادامه می‌دهد.

دفتر مشاور ویژه در امور آفریقا (OSAA) از ۲۰۰۳ برای تقویت حمایت بین‌المللی از توسعه و امنیت آفریقا، بهبود هماهنگی حمایت نظام ملل متحد، و تسهیل مشاوره‌های جهانی درباره آفریقا، به ویژه با توجه به چارچوبی استراتژیک - مشارکت جدید برای توسعه آفریقا (NEPAD) - که در ۲۰۰۱ به تصویب رهبران آفریقا رسید، مشغول فعالیت بوده است. ([www.un.org/africa/osaa](http://www.un.org/africa/osaa)).

شورا در فوریه ۱۹۹۹ با پایان ماموریت MONUA موافقت و در اکتبر دفتر ملل متحد در آنگولا (UNOA) را ایجاد کرد و نماینده‌ای از طرف دبیرکل منصوب شد تا تدابیری برای اعاده صلح بیندیشد و در زمینه ظرفیت‌سازی، امداد بشردوستانه و حمایت از حقوق بشر کمک کند.

پس از ۲۲ فوریه ۲۰۰۲ که جوناس ساویمبی، بنیانگذار ورورهریونیتا در جریان درگیری با نیروهای دولتی کشته شد، جنگ طولانی آنگولا به سرعت پایان یافت. یونیتا و نیروهای مسلح دولت در مارس با آتش بس موافقت و در آوریل یادداشت تفاهمی به منظور تکمیل بقیه مفاد پروتکل لوزاکا امضا کردند.

این اقدام به تمدید حضور سیاسی سازمان ملل، برای مدتی کوتاه با ایجاد هیات سازمان ملل در آنگولا (UNMA) در ماه اوت - به منظور کمک به طرفین برای تکمیل وظایف باقی مانده پروتکل لوزاکا، و کمک به دولت برای برگزاری انتخابات، حمایت از حقوق بشر، تقویت حکومت قانون، پشتیبانی از بازگشت سربازان مرخص شده و حمایت از بهبود اقتصادی منتهی شد.

شورای امنیت تا دسامبر ۲۰۰۲ کلیه تحریم‌های ۹ سال گذشته علیه یونیتا را لغو کرد و تا اوائل ۲۰۰۳ بقیه مفاد پروتکل لوزاکا اجرا شد. UNMA منحل و مسئولیت همه فعالیت‌های باقی مانده آن به دفتر تقویت شده هماهنگ کننده مقیم سازمان ملل منتقل گردید.

### منطقه دریاچه های بزرگ آفریقا

رواندا. فعالیت سازمان ملل در رواندا از ۱۹۹۳ آغاز شد یعنی زمانی که رواندا و اوگاندا خواهان استقرار ناظران نظامی در مرز مشترک خود برای جلوگیری از استفاده نظامی از منطقه به وسیله جبهه میهن پرست رواندا (RPF) شدند. شورای امنیت در پاسخ به این تقاضا هیات ناظر ملل متحد در اوگاندا - رواندا (UNOMUR) را تشکیل داد.

جنگ در رواندا در ۱۹۹۰ بین دولت عمدتا هوتو و جبهه میهن پرست رواندا به رهبری توتسی‌ها، که از اوگاندا فعالیت می‌کردند، آغاز شده بود. در موافقت نامه صلح ۱۹۹۳ تشکیل دولت موقت و انجام انتخابات پیش‌بینی شده بود. شورای امنیت به تقاضای طرفین هیات کمک سازمان ملل برای رواندا UNAMIR را تشکیل داد تا در اجرای قرارداد ۱۹۹۳ به آنها کمک کند. اما اوائل در آوریل ۱۹۹۴ مرگ روسای جمهور رواندا و بروندي، بر اثر شلیک راکت به هواپیمای آنان، باعث امواج قتل عام‌های شدید و سراسری طی چند هفته شد. این کشتارها را، که قربانیان آنها توتسی‌ها و هوتوهای میانه‌رو بودند، ارتش و شبه نظامیان تحت سلطه هوتوها انجام دادند.

UNAMIR تلاش کرد آتش بس برقرار کند اما نتوانست و به کارکنان آن حمله شد و وقتی چند کشور به صورت یک جانبه نیروهای خود را خارج کردند، شورای امنیت تعداد اعضای UNAMIR را از ۲۵۴۸ نفر به ۲۷۰ نفر کاهش داد. با این حال هیات کمک توانست به هزاران نفر از مردم رواندا پناه دهد. شورای امنیت در ماه مه رواندا را تحریم تسلیحاتی کرد و تعداد اعضای هیات کمک را به بیش از ۵۵۰۰ سرباز افزایش داد، اما نزدیک به شش ماه طول کشید تا کشورهای عضو سربازان خود را اعزام کنند. نیروهای جبهه میهن پرست رواندا در ژوئیه کنترل رواندا را در دست گرفتند و با خاتمه دادن به جنگ داخلی، دولتی فراگیر تشکیل دادند.

از جمعیت ۷/۹ میلیونی نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر کشته شده بود ند، حدود ۲ میلیون نفر به کشورهای دیگر گریختند و بیش از ۲ میلیون نفر در داخل آواره شدند. تقاضای سازمان ملل برای کمک‌های بشردوستانه موجب جمع‌آوری ۷۶۲ میلیون دلار برای رسیدگی به این چالش عظیم بشری شد. شورای امنیت در نوامبر ۱۹۹۴ دادگاه کیفری بین المللی برای رواندا (ICTR) را به منظور تعقیب و محاکمه مسئولان قتل عام و جنایات جنگی تشکیل داد. تا ژانویه ۲۰۰۷ این نهاد علیه ۹۰ نفر کیفرخواست و برای ۳۱ متهم ۲۵ حکم صادر کرده بود؛ ۲۸ زندانی در حال محاکمه، ۹ نفر منتظر محاکمه بودند و پرونده ۷ نفر در مرحله استیناف قرار داشت؛ ۱۸ متهم نیز آزاد بودند. ژان کامباندا، رئیس جمهور سابق، محاکمه و به حبس ابد محکوم شد. قرار بود ICTR در ۲۰۰۸ به دوره کار خود پایان دهد.

شورای امنیت در ۱۹۹۶ به تقاضای رواندا به ماموریت UNAMIR خاتمه داد. تحقیقات مستقل دبیرکل در ۱۹۹۹ نشان داد مسئولیت ناکامی برای متوقف کردن قتل عام به عهده دبیرخانه سازمان ملل، شورای امنیت و کشورهای عضو است. دبیرکل با ابراز تاسف و پشیمانی عمیق درباره ناکامی سازمان ملل در متوقف کردن این قتل عام، با تکرار تعهد خود اطمینان داد سازمان دیگر هرگز در توقف کشتارهای جمعی ناکام نشود.

قانون اساسی جدید کشور در همه‌پرسی ۲۰۰۳ به تصویب رسید. رای دهندگان به اتفاق آرا پل کاگامه را به ریاست جمهوری انتخاب کردند و RPF به اکثریت بزرگی در نخستین انتخابات چند حزبی پارلمان

این کشور از زمان استقلال آن در ۱۹۶۲ دست یافت. مجمع عمومی به مناسبت دهمین سالگرد قتل عام در رواندا ۷ آوریل ۲۰۰۴ را روز بین‌المللی تفکر و تأمل درباره قتل عام سال ۱۹۹۴ در رواندا اعلام کرد. در سطح منطقه، پایان جنگ داخلی رواندا باعث شد تعداد زیادی از هوتوهای رواندایی به زئیر شرقی (جمهوری دموکراتیک کنگو-DRC) پناه برند. در میان آنان عناصری بودند که در کشتار جمعی شرکت کرده بودند و این افراد کمی بعد اقدام به حملاتی به غرب رواندا کردند.

سرانجام اوگاندا و رواندا، به بهانه نگرانی امنیتی به علت پناه دادن DRC به بقایای شبه نظامیان سابق هوتو ("Interahamwe") و نیروهای مسلح رواندا ("ex-FAR")، که مسئول قتل عام ۱۹۹۴ بودند، در این کشور مداخله کردند. پس از تلاش‌های دیپلماتیک شدید سازمان ملل، OAU و منطقه، قرارداد آتش بس ۱۹۹۹ الوزاکا برای DRC به امضا رسید. شورای امنیت متعاقباً هیأت سازمان ملل متحد در جمهوری دموکراتیک کنگو MONUC را تشکیل داد.

کاگامه و کابیل (روسای جمهور رواندا و کنگو) در ژوئیه ۲۰۰۲ با عقب نشینی نیروهای رواندا از DRC و انحلال Interahamwe ex-FAR، موافقت کردند این اقدام نقطه عطفی در مسیر صلح و ثبات برای منطقه دریاچه‌های بزرگ بود. رواندا عقب نشینی نیروهای خود را ۷ اکتبر تکمیل کرد. MONUC داوطلبانه حدود ۹۰۰۰ مبارز رواندایی و وابستگان آنان راتا پایان ۲۰۰۳ بازگرداند.

**بروندی.** دفتر سازمان ملل در بروندی در تلاش‌های بین‌المللی برای کمک به حل بحران در این کشور مشارکت کرده است، که مناقشه دیرپای داخلی در ۱۹۹۳ منجر به کودتایی در آن شد که نخستین رئیس جمهور منتخب دموکراتیک آن، که هوتو بود و ۶ وزیر، کشته شدند. این کودتا آتش جنگ فرقه‌ای را روشن کرد که دست کم ۱۵۰,۰۰۰ نفر در طول سه سال در آن کشته شدند.

دولت و رئیس جمهور، که با توافق ۱۹۹۴ بین اکثریت هوتو و اقلیت توتسی به قدرت رسیده بودند، در ۱۹۹۶ با کودتای نظامی به رهبری توتسی‌ها، برکنار شدند. شورای امنیت کودتا را محکوم کرد و از رهبران نظامی خواست حکومت قانونی را بازگردانند. کشورهای همسایه رژیم جدید را تحریم اقتصادی کردند. با تشدید جنگ بین ارتش عمدتاً توتسی و شورشیان هوتو حدود پانصد هزار نفر به اجبار به «اردوگاه‌های گروه بندی مجدد» منتقل شدند و سیصد هزار نفر به تانزانیا گریختند.

میانجیگری جولیس نایره‌ره، رئیس جمهور پیشین تانزانیا در ۱۹۹۸ به تدوین قانون اساسی موقت بر مبنای مشارکت سیاسی بین هوتوها و توتسی‌ها منتهی شد. پس از مرگ نایره‌ره، نلسون ماندلا رئیس جمهور سابق آفریقای جنوبی در ۲۰۰۰ جای او را به عنوان تسهیل کننده فرآیند صلح گرفت. دولت موقت در نوامبر ۲۰۰۱، و متعاقباً مجمع ملی و سنای انتقالی تشکیل شدند و موافقت نامه های آتش بس با سه گروه فرقه‌ای مهم تا اوائل ۲۰۰۳ به امضا رسید.

اتحادیه آفریقا AU در آوریل ۲۰۰۳ با استقرار هیأت آفریقا در بروندی (AMIB)، متشکل از ۳۵۰۰ سرباز و از جمله ۱۲۰ ناظر نظامی، موافقت کرد. در نیمه راه دوره انتقالی در ۳۰ آوریل، رئیس جمهور از فرقه هوتو و معاون رئیس جمهور از فرقه توتسی، به نشانه انتقال قدرت اجرایی از اقلیت توتسی به اکثریت هوتو، سوگند یاد کردند.

امادر پایان ژوئن و در حالی که حملات مرگبار بوجومبورا، پایتخت بروندی، را به لرزه درآورده بود، جناح شورشی «شورای ملی دفاع از دموکراسی - نیروهای دفاع از دموکراسی» (CNDD/FDD) چهار عضو پارلمان را ربود. از درگیری بین نیروهای دولتی و نیروهای جناح آزادیبخش ملی - پالیپه

هوتو (Palipehutu-FNL) نیز خبر می‌رسید. در آن زمان ۱۶ استان از ۱۷ استان برونندی در معرض جنگ‌های پراکنده، غارت، سرقت و راهزنی مسلحانه قرار داشتند. سازمان ملل کارکنان غیرضروری خود را از بوجومورا خارج کرد.

با وجود این، تلاش‌های مداوم تابوامبکی رئیس جمهور آفریقای جنوبی و سایر رهبران منطقه‌ای به امضای موافقت‌نامه جهانی آتش بس در ۱۶ نوامبر ۲۰۰۳ بین دولت انتقالی و CNDD/FDD منجر شد. در نتیجه CNDD/FDD به نهادهای انتقالی پیوست. شورای امنیت از Palipehutu-FNL Rwasa، تنها گروه شورشی مسلح که به قرارداد آروشا نپیوسته بود، خواست به آن بپیوندد.

سرانجام، این امید واقعی ایجاد شد که برونندی دموکراتیک از یک دهه جنگ داخلی که بین ۲۵۰ هزار تا ۳۰۰ هزار کشته به جا گذاشت، و حضور AMIB تأثیری اساسی در خاتمه آن داشت پدیدار خواهد شد. اما این هیات به علت کمبود جدی حمایت مالی و تدارکاتی با مشکلاتی مواجه گردید. با توجه به این که قرار بود انتخابات مجمع قانونگذاری ملی تا قبل از ۳۱ اکتبر ۲۰۰۴ انجام شود، AU تقاضا کرد سازمان ملل مسئولیت AMIB را به عهده بگیرد.

شورای امنیت در مه ۲۰۰۴ با عمل بر اساس مفاد اجرایی منشور ملل متحد با استقرار عملیات سازمان ملل متحد در برونندی ONUB مرکب از (در ابتدا) نیروهای موجود هیات آفریقا در برونندی AMIB، از اول ژوئن، موافقت کرد. بیش از دو هزار نفر از نیروهای AMIB اول ژوئن با به سر گذاشتن کلاه آبی سازمان ملل، به نیروهای این سازمان تبدیل شدند.

در فوریه ۲۰۰۵ همه‌پرسی موفقیت‌آمیزی درباره قانون اساسی برونندی در دوره پس از انتقال انجام و سپس در ژوئن انتخابات فرقه‌ای برگزار و «پی‌یر انکورونزیزا» در اوت به عنوان اولین رئیس‌جمهور پس از دوره انتقال این کشور انتخاب شد. در ژوئن ۲۰۰۶ دولت و FNL توافق‌نامه اصول را امضا کردند که به توافق‌نامه آتش بس در سپتامبر منجر شد که سازمان ملل پیشنهاد داد به اجرای آن کمک کند.

ONUB در اول ژانویه ۲۰۰۷ جای خود را به نهاد کوچک «دفتر منسجم سازمان ملل در برونندی (BINUB) داد. تا از فرآیند تحکیم صلح حمایت و به دولت در حوزه‌هایی مانند تقویت نهادهای ملی، کارآموزی پلیس، حرفه‌ای کردن نیروهای دفاع ملی، تکمیل ترخیص و بازگرداندن مبارزان سابق به زندگی عادی، حمایت از حقوق بشر، اصلاح بخش عدالت قضایی، و حمایت از رشد اقتصادی و کاهش فقر یاری دهد.

**جمهوری دموکراتیک کنگو.** به دنبال قتل عام در ۱۹۹۴ و تشکیل دولتی جدید در رواندا، حدود ۱/۲ میلیون هوتو رواندایی - از جمله عناصری که در قتل عام شرکت کرده بودند - به استان‌های کیوو در شرق زئیر، منطقه مسکونی توتسی‌ها و سایر اقوام - گریختند. در آنجا در ۱۹۹۶ بین نیروهای شورشی به رهبری لورن دزیره کابیلا، علیه ارتش موبوتوسه سه سکو، رئیس‌جمهور، درگیری‌هایی رخ داد. نیروهای کابیلا، با کمک رواندا و اوگاندا، در ۱۹۹۷ کینشازا پایتخت کنگو را تصرف کردند و نام کشور را به جمهوری دموکراتیک کنگو DRC تغییر دادند.

در ۱۹۹۸ شورشی علیه دولت کابیلا در استان‌های کیوو آغاز شد و شورشیان در طول چند هفته نواحی بزرگی از کشور را تصرف کردند. آنگولا، چاد، نامیبیا و زیمبابوه به کابیلا - رئیس‌جمهور -

وعده حمایت دادند اما شورشیان تسلط خود را بر مناطق شرقی حفظ کردند. رواندا و اوگاندا از جنبش شورشی یعنی اتحاد کنگو برای دموکراسی (RCD)، حمایت کردند. شورای امنیت خواهان آتش بس و خروج نیروهای خارجی شد، و از کشورها خواست در امور داخلی کنگو مداخله نکنند.

DRC در ژوئیه ۱۹۹۹ با آنگولا، نامیبیا، رواندا، اوگاندا و زیمبابوه موافقت نامه آتش بس لوزاکا را امضا کرد که گفت وگو بین جناح‌های کنگو نیز در آن پیش‌بینی شده بود. RCD و جنبش آزادیبخش کنگو در ماه اوت این موافقت نامه را امضا کردند. شورای ناوبر هیات ملل متحد در جمهوری دموکراتیک کنگو (MONUC) را تشکیل داد تا به اجرای موافقت نامه کمک کند.

رئیس جمهور کابیلا در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۱ در کاخ خود در کینشازا به قتل رسید و جوزف کابیلا، پسرش جانشین او شد.

هیات کارشناسی شورای امنیت، در آوریل گزارش داد علت اصلی مناقشه در DRC، تلاش ارتش‌های خارجی برای دسترسی به منابع معدنی غنی این کشور است. این ارتش‌ها از پنج ماده معدنی اصلی یعنی الماس، مس، کبالت، طلا و کلتان (از اجزای چیپ‌های الکترونیکی که در تلفن‌های همراه و رایانه‌های لپ‌تاپ (همراه) کاربرد دارند) به روشی فراگیر بهره‌برداری می‌کردند و چند شرکت در مقابل دریافت منابع طبیعی، اسلحه و مهمات در اختیار طرفین جنگ قرار می‌دادند یا دسترسی آنها را به پول برای خرید اسلحه تسهیل می‌کردند. جمهوری دموکراتیک کنگو ذخایر جواهر و سنگ‌های قیمتی، الوار و اورانیوم نیز دارد.

رئیس جمهور کابیلا در ماه مه اعلام کرد ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی را لغو می‌کند و در اکتبر، پس از مدت‌ها انتظار، مذاکره بین جناح‌های مختلف کنگو در آدیس‌آبابا شروع شد.

دولت‌های DRC و رواندا در ژوئیه ۲۰۰۲ موافقت نامه خروج سربازان رواندا از کنگو و انحلال Interahamwe ex-FAR را امضا کردند. DRC و اوگاندا در سپتامبر قراردادی مشابه امضا کردند (به قسمت رواندا نگاه کنید). اما تا اکتبر شروع مجدد جنگ در قسمت شرقی DRC تمام این کشور را به بی‌ثباتی تهدید می‌کرد.

طرفین مناقشه در دسامبر ۲۰۰۲، با میانجیگری سازمان ملل و آفریقای جنوبی، با تشکیل دولت موقت موافقت کردند. شورای امنیت تعداد اعضای MONUC را به ۸۷۰۰ پرسنل نظامی افزایش و حضور آن را به شرق این کشور گسترش داد اما کمی بعد در منطقه جنوب کیوو جنگ از سر گرفته و باعث جریان‌های عظیم آوارگی شد.

سرانجام در ماه مه ۲۰۰۳ طرفین موافقت نامه آتش بس برای منطقه ایتوری امضا کردند. MONUC به گشت‌زنی در بونیا ادامه داد و کوشید تنش‌های قومی را آرام کند و به مردم وحشت زده محلی اطمینان خاطر دهد. مبارزه قدرت وحشیانه بین اقوام، با استفاده فراگیر از تجاوز، قتل و «خوردن گوشت آدم‌ها در حضور شاهدان»، به عنوان شکنجه روانی، مشخص بود. شورای امنیت در ۳۰ مه با استقرار نیروی چند ملیتی اضطراری موقت IEMF تا اول سپتامبر در بونیا، برای کمک به تثبیت اوضاع موافقت کرد.

دولت و جناح‌های مخالف اصلی ۲۹ در ژوئن موافقت نامه ای درباره ترتیبات نظامی و امنیتی امضا کردند. دولت وحدت ملی و انتقالی در ۱۷ ژوئیه در کینشازا با شرکت چهار معاون رئیس جمهور برای ریاست بر دولت انتقالی جدید بر مبنای تقسیم قدرت به رهبری رئیس جمهور کابیلا کار خود را آغاز کرد. شورا ماموریت MONUC را تا ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۴ تمدید و اعضای نظامی آن را به ۱۰,۸۰۰ نفر افزایش

داد و با اقدام بر اساس فصل هفت منشور ملل متحد به این هیات اجازه داد از کلیه ابزارهای لازم - از جمله زور- برای انجام ماموریت خود در ایتوری و استان‌های شمال و جنوب کیوو استفاده کند. IEMF در ۵ سپتامبر مسئولیت‌های امنیتی خود را به MONUC تفویض کرد.

نخستین انتخابات آزاد و عادلانه این کشور طی ۴۶ سال در ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۶ برگزار شد و رای دهندگان ۵۰۰ نماینده مجمع ملی را برگزیدند. پس از برگزاری دوردوم انتخابات ریاست‌جمهوری در ۲۹ اکتبر و حل چالشی حقوقی که متعاقباً پیش آمد، پرزیدنت جوزف کابیلا برنده اعلام شد. کل فرآیند انتخابات نمایشگر یکی از پیچیده‌ترین رای‌گیری‌هایی بود که سازمان تاکنون به برگزاری آن کمک کرده است.

سازمان ملل از طریق MONUC فعالانه در تلاش برای حل مناقشه در استان کیوو و شمالی بین ارتش ملی و نیروهای وفادار به یک ژنرال سابق مخالف حضور دارد. سازمان در نوامبر ۲۰۰۷ امضای توافق‌نامه‌ای را بین دولت‌های DRC و رواندا تسهیل کرد تا با تهدیدی که گروه‌های مسلح غیرقانونی محلی و خارجی در منطقه به وجود آورده بودند و هنوز در شرق DRC وجود داشت، از جمله شبه‌نظامیان سابق هوتو («Interahamwe») و نیروهای مسلح رواندا («ex-FAR») برخوردار شود.

**جمهوری آفریقای مرکزی.** مناقشه در جمهوری آفریقای مرکزی پس از آن آغاز شد که سربازان در اواسط دهه ۱۹۹۰ چندبار شورش کردند. به دنبال مداخله نیروهای فرانسه، قدرت استعماری پیشین، و سپس مداخله نیروی چند ملیتی آفریقا (MISAB)، در ۱۹۹۸ سازمان ملل هیات ملل متحد در جمهوری آفریقای مرکزی (MINURCA) را تشکیل داد که عملیات حفظ صلح با ماموریت کمک به بهبود امنیت در بانگویی، پایتخت این کشور بود. سازمان ملل کمی بعد برای انجام انتخابات، که سال بعد برگزار شد، نیز به این کشور کمک کرد. **دفتر نهادینه سازی صلح ملل متحد در جمهوری آفریقای مرکزی (BONUCA)** در فوریه ۲۰۰۰ پس از خروج MINURCA، ایجاد شد.

اما ناآرامی ادامه یافت و کودتای افسران ارتش در مه ۲۰۰۱ سرکوب شد. دو سال بعد در مارس ۲۰۰۳ گروهی به رهبری ژنرال فرانسوا بوزیزه François Bozizé، با کودتا قدرت را به دست گرفت و «آنچه فلیکس پاتاسه» Ange-Félix Patassé رئیس‌جمهور منتخب را بر کنار کرد. شورای امنیت این کودتا را محکوم و تاکید کرد مقامات بانگویی باید برنامه‌ای برای گفت و گوی ملی، از جمله جدول زمانی برای برگزاری هر چه سریع تر انتخابات، تهیه کنند.

دبیرکل در پایان ژوئن گزارش داد مسئولان جدید فرآیندی برای گفتگوی ملی پیشنهاد کردند که به برگزاری دو دوره انتخابات قانونگذاری و ریاست‌جمهوری در مارس و مه ۲۰۰۵ منجر شد. ژنرال بوزیزه در دور دوم انتخابات با ۶۴/۶ درصد آرا انتخاب شد. مجمع ملی منتخب جدید نخستین اجلاس عادی خود را از اول مارس تا ۳۰ مه ۲۰۰۶ برگزار کرد.

**کنفرانس بین‌المللی درباره منطقه دریاچه‌های بزرگ.** شورای امنیت با توجه به عوارض منطقه‌ای مهم مناقشات مربوط به کشورهای واقع در حوزه دریاچه‌های بزرگ، پس از کشتار جمعی سال ۱۹۹۴ رواندا، خواستار تشکیل کنفرانسی بین‌المللی درباره این منطقه شد. در پایان دهه ۱۹۹۰ دفتر نماینده ویژه دبیرکل برای دریاچه‌های بزرگ، ایجاد شد. این دفتر که در نایروبی، کنیا، واقع است نقشی مهم در ترویج گفتگو ایفا کرد و قرار بود به اتفاق اتحادیه آفریقا، به عنوان

دبیرخانه مشترک برای کنفرانس خدمت کند. نخستین کنفرانس بین‌المللی درباره منطقه دریاچه‌های بزرگ در نوامبر ۲۰۰۴ در دارالسلام، تانزانیا تشکیل شد.

۱۱ رئیس کشور و دولت منطقه که در کنفرانس شرکت کرده بودند در دیداری دیگر در دسامبر ۲۰۰۶، با امضای پیمانی درباره امنیت، ثبات و توسعه در منطقه دریاچه‌های بزرگ، به فرآیند دیپلماتیک چهار ساله خاتمه دادند. این پیمان مبنایی برای ۱۱ امضاءکننده - نمایندگان کشورهای آنگولا، بروندي، جمهوری آفریقای مرکزی، کنگو، جمهوری دموکراتیک کنگو (DRC)، کنیا، رواندا، سودان، تانزانیا، اوگاندا و زامبیا - فراهم می‌سازد تا مشکلات اساسی منطقه را دسته‌جمعی شناسایی و برنامه‌هایی برای رسیدگی به آنها تدوین کنند.

امضاءکنندگان همچنین ساز و کار سیاسی منطقه‌ای برای پیگیری، دبیرخانه‌ای به ریاست دبیر اجرایی (مستقر در بوجو مبورا، بروندي)، و صندوقی ویژه برای بازسازی و توسعه به وجود آوردند. در مارس ۲۰۰۷، با انتقال مالکیت این فرآیند به کشورهای منطقه، شورای امنیت به ماموریت نماینده ویژه برای منطقه دریاچه‌های بزرگ پایان داد.

### غرب آفریقا

**دفتر نماینده ویژه دبیرکل برای غرب آفریقا (UNOWA)**، ([www.un.org/unowa](http://www.un.org/unowa)) هیات بین کارگزاری ملل متحد، در مارس ۲۰۰۱ از ۱۱ کشور در غرب آفریقا دیدار و توصیه کرد به مشکلات شدید و به هم پیوسته سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که کشورهای غربی آفریقا با آنها مواجه‌اند به بهترین وجه از طریق برنامه یکپارچه زیرمنطقه‌ای با شرکت سازمان ملل و شرکای آن رسیدگی شود. دبیرکل در نوامبر ۲۰۰۱ تصمیم گرفت دفتر نماینده ویژه دبیرکل برای غرب آفریقا را به منظور حمایت از چنین نگرش یکپارچه‌ای تشکیل دهد. این دفتر، مستقر در داکار، سنگال، در سپتامبر ۲۰۰۲ شروع به کار کرد.

**UNOWA** نخستین دفتر نهادینه سازی صلح منطقه‌ای سازمان ملل در جهان است که نقش‌های میانجیگری و ماموریت‌های ویژه در کشورهای غربی آفریقا نیز انجام می‌دهد، با سازمان‌های زیر منطقه‌ای ارتباط برقرار می‌کند و درباره تحولات اصلی مهم در سطح زیر منطقه به مقرر سازمان ملل گزارش می‌دهد. نماینده ویژه از نزدیک در تلاش‌های بین‌المللی برای حل مناقشاتی مانند ساحل عاج و لیبیا شرکت داشته است.

**UNOWA** در رسیدگی به چالش‌هایی فراگیر مانند مزدوران؛ کودکان سرباز؛ تکثیر سلاح‌های کوچک؛ اصلاح بخش امنیتی؛ دموکراتیک‌سازی؛ همگرایی اقتصادی؛ بیکاری جوانان؛ و همکاری فرامرزی مشارکت دارد. این نهاد گردهمایی‌های منطقه‌ای تشکیل داده تا برنامه‌ها برای خلع سلاح، ترخیص مبارزان سابق و بازگرداندن آنان به اجتماع در غرب آفریقا را هماهنگ کند.

نماینده ویژه همچنین رئیس **کمیسیون مختلط کامرون - نیجریه** است که به تقاضای روسای جمهور نیجریه و کامرون برای رسیدگی به همه جنبه‌های اجرای حکم دیوان بین‌المللی دادگستری درباره مرز بین دو کشور، به وسیله دبیرکل تشکیل شد.

روابط کامرون و نیجریه به علت مسائل مربوط به مرز زمینی ۱۶۰۰ کیلومتری آنها، از دریاچه چاد تا شبه جزیره باکاسی، با مرزدریایی درخلیج گینه، تیره بود. این مسائل شامل حقوق مربوط به زمین سرشار از نفت و ذخایر دریایی، و سرنوشت جمعیت‌های محلی بود. این تنش‌ها در پایان ۱۹۹۳ با



استقرارپرسنل نظامی نیجریه در شبه جزیره باکاسی - به وسعت هزار کیلومتر مربع - به برخورد نظامی تبدیل شد. کامرون در ۱۹۹۴ اختلاف مرزی فوق را به این دادگاه جهانی آورد.

دیوان در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۲ حکم خود را صادر کرد و کمیسیون مختلط نخستین جلسه خود را در دسامبر و از آن به بعد هر دو ماه یک بار، به تناوب در یائونده، کامرون و ابوجا، نیجریه تشکیل داد. سال‌های بعد شاهد پیشرفت آرام و تاخیرهای مکرر تا ۱۲ ژوئن ۲۰۰۶ بود که روسای جمهور دو کشور در پی میانجیگری دبیرکل توافق‌نامه‌ای برای پایان دادن به اختلاف مرزی درباره شبه‌جزیره باکاسی امضا کردند. نیجریه تا ۱۴ اوت نیروهای خود را کاملاً تخلیه و اختیار منطقه را رسماً به کامرون واگذار کرده بود. دبیرکل در اکتبر گزارش داد علامت‌گذاری مرز مشترک تحت نظارت کمیسیون مختلط به خوبی در حال پیشرفت است.

**ساحل عاج.** گروهی از افسران و سربازان به رهبری ژنرال روبرت گیویی، در دسامبر ۱۹۹۹ دولت ساحل عاج را سرنگون کردند. انتخابات جدید ریاست جمهوری قرار بود در اکتبر ۲۰۰۰ برگزار شود. گیویی، با پیش‌بینی شکست از لورن گباگو، رهبر جبهه مردمی ساحل عاج در انتخابات، در ۲۳ اکتبر اعلام پیروزی کرد. «الاسانه اوآتارا» رهبر اتحاد دموکراتیک جمهوریخواهان، بر اساس مفاد قانون اساسی جنجالی جدید، از شرکت در انتخابات محروم شده بود.

در حالی که هزاران نفر از مردم در ابی‌جان علیه اقدام گیویی تظاهرات کردند، گباگو خود رارئیس‌جمهور اعلام کرد و گیویی از شهر گریخت. پس از آن بین حامیان گباگو، طرفداران «اوآتارا» و نیروهای امنیتی در خیابان‌های پایتخت درگیری‌های خشن پیش آمد. کمیسیونی مستقل که کمی بعد به وسیله دبیرکل تشکیل شد به این نتیجه رسید که نیروهای امنیتی اعتراضات را سرکوب کرده و در کشتارها دست داشتند.

فرآیند آشتی ملی تحت ریاست سیدودیارا، نخست‌وزیر سابق آغاز شد و در اوت ۲۰۰۲ پرزیدنت گباگو دولتی جدید و فراگیر تشکیل داد. اما تنش‌ها ادامه یافت و در ۱۹ سپتامبر گروهی از پرسنل ناراضی ارتش طی کودتایی بخش شمالی کشور را اشغال کردند. این کودتا به تجزیه عملی کشور منجر شد به طوری که دولت جنوب، یک گروه شورشی شمال و شمال شرقی، و دو گروه دیگر کنترل غرب کشور را در دست گرفتند و درگیری‌ها باعث آوارگی گسترده مردم شد.

کمیته اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (ECOWAS) نیروی حفظ صلح تشکیل داد که برای نظارت بر توافق‌نامه آتش‌بس بین دولت و یکی از گروه‌های شورشی مستقر شد. دولت و بقیه گروه‌های شورشی در ۱۱ ژانویه ۲۰۰۳ برای آتش‌بس توافق کردند.

دولت و نیروهای شورشی از ۱۵ تا ۲۳ ژانویه ۲۰۰۳ در لیناس مارکوسیس، فرانسه، دیدار و با رسیدن به توافق‌نامه صلح زمینه را برای ایجاد دولت آشتی ملی فراهم کردند. پرزیدنت گباگو به پیروی از موافقت نامه ۱۳ مارس دولت آشتی ملی را با نخست‌وزیری «سیدودیارا» و تفویض اختیارات بسیار به او، تشکیل داد. «نیروهای ارتش ملی ساحل عاج» و «نیروهای جدید»، متشکل از سه گروه شورشی توافق‌نامه آتش‌بس امضا کردند که تمام کشور را در برمی‌گرفت.

شورای امنیت در ۱۳ مه ۲۰۰۳ هیات ملل متحد در ساحل عاج، MINUCI متشکل از ۷۶ افسر رابط نظامی و یک مجموعه غیرنظامی، را برای تسهیل اجرای قرارداد لیناس - مارکوسیس تشکیل

داد. با این حال نیروهای جدید در سپتامبر به علت نپذیرفتن وزیران دفاع و امنیت داخلی منصوب پوزیدنت گباگبو، از دولت خارج شدند. این نیرو همچنین اعتراض کرد رئیس جمهور قدرت کافی به نخست وزیر و دولت آشتی ملی او نداده است. تنش در کشور بار دیگر روبه افزایش بود.

شورای امنیت در واکنش به این اوضاع، در ۲۷ فوریه ۲۰۰۴ **عملیات ملل متحد در ساحل عاج** UNOCI را از ۴ آوریل ایجاد کرد و از دبیرکل خواست اختیار MINUCI و نیروهای ECOWAS را به UNOCI منتقل کند. شورا به نیروهای فرانسوی نیز اختیارات داد از کلیه ابزارهای لازم برای حمایت از هیات جدید، که حداکثر نفرات مجاز آن ۶۲۴۰ نظامی با ماموریتی گسترده بود، استفاده کند.

اوضاع، مشکل آفرین باقی ماند اما تحولاتی مثبت نیز رخ داد. دولت و نیروهای جدید شورشی در آوریل تخلیه سلاح‌ها را از مرز بین دو طرف - منطقه‌ای تحت کنترل صلح‌بانان UNOCI و نیروهای فرانسوی تحت نظر سازمان ملل - آغاز کردند. شورای امنیت در ژوئن ماموریت UNOCI را تمدید کرد تا مانع از بدتر شدن اوضاع این کشور شود. پوزیدنت گباگبو در اکتبر ۲۰۰۵ با انتصاب نخست وزیر قدرتمند جدیدی، چنان که اتحادیه آفریقا پیشنهاد و شورا تأیید کرده بودند، موافقت کرد.

در تحولی عمده پوزیدنت گباگبو و گیلوم سورو دبیرکل نیروهای جدید، در ۴ مارس ۲۰۰۷ «توافق نامه اوآگادوگو» را امضا کردند که خواهان ایجاد دولت انتقالی جدید؛ برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه ریاست جمهوری؛ ادغام نیروهای جدید و نیروهای امنیت و دفاع ملی؛ انحلال نیروهای شبه نظامی؛ خلع سلاح مبارزان سابق؛ و جایگزین کردن منطقه به اصطلاح اعتماد بود که جنوب تحت کنترل دولت را از شمال تحت کنترل شورشیان، با خط سبزی تحت نظارت UNOCI جدا می‌کرد.

سورو نخست وزیر شد تا انتخابات ریاست جمهوری را، بدون نامزد شدن خود، برگزار کند. فرآیند خلع سلاح در ۳۰ ژوئیه طی مراسمی که پوزیدنت گباگبو و نخست وزیر سورو در جریان آن سلاح‌های تسلیم شده را به آتش کشیدند، رسماً آغاز شد. احزاب سیاسی عمده کشور در نوامبر آئین نامه‌ای برای برگزاری بهتر انتخابات عمومی بعدی تصویب کردند.

**لیبریا**. پس از هشت سال جنگ داخلی، دولت منتخب دموکراتیک در ۱۹۹۷ در لیبریا بر سر کار آمد و دفتر حمایت از نهادینه سازی صلح ملل متحد در لیبریا (UNOL) تاسیس شد. اما جنگ بین نیروهای دولت و لیبرایی‌های متحد برای آشتی و دموکراسی LURD شروع شد. اوائل ۲۰۰۳ گروه مسلح جدیدی به نام جنبش دموکراسی در لیبریا MODEL در غرب آن ظهور کرد. تا ماه مه نیروهای شورشی ۶۰ درصد کشور را کنترل می‌کردند.

چارلز تیلور رئیس جمهور لیبریا در آوریل ۲۰۰۳ به دو رئیس گروه تماس بین‌المللی لیبریا اطلاع داده بود دولت او آماده مذاکره بی‌قید و شرط با نیروهای شورشی برای رسیدن به آتش بس است. در شرایطی که طرفین در ۴ ژوئن برای مذاکرات صلح تحت حمایت ECOWAS در اکرا، غنا، گرد آمدند، دادگاه ویژه تحت حمایت سازمان ملل برای سیرا لئون اعلام کرد علیه چارلز تیلور به اتهام ارتکاب جنایات جنگی در سیرا لئون در جریان جنگ داخلی ۱۰ ساله این کشور اعلام جرم کرده است. تیلور هنگام سخنرانی در کنفرانس فوق، پیشنهاد کرد از فرایند صلح خارج شود.

کمتر از دو هفته بعد دولت، LURD و MODEL توافق آتش بس را امضا کردند که در آن

پیش‌بینی شده بود برای رسیدن به موافقت نامه صلح فراگیر در مدت ۳۰ روز، بلافاصله مذاکره کنند و دولت انتقالی را بدون رئیس جمهور تیلور تشکیل دهند

اما جنگ ادامه یافت. صدها پناهنده گرسنه و وحشت‌زده روز ۲۳ ژوئیه در حالی که خمپاره‌های شورشیان روی مونروویا می‌ریخت، برای امنیت با زحمت خود را به داخل دیوارهای مجموعه سازمان ملل در این شهر رساندند. ECOWAS تصمیم گرفت ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ نیرو به لیبریا بفرستد. با رسیدن آنهانیروهای تقویتی از ایالات متحده و سایر کشورها برای آماده کردن هیات ملل متحد وارد شدند.

شورای امنیت در اول ماه اوت با اعزام نیروی چندملیتی ECOWAS موافقت کرد و سه روز بعد سازمان ملل نخستین گردان از دوگردان را از راه هوا به فرودگاه اصلی لیبریا فرستاد. سازمان ملل و سایر کارگزاری‌های امدادی با استفاده از وقفه‌ای در خشونت‌ها، شروع به ارسال مواد غذایی و دارویی برای صدها هزار مردم نا امید در خیابان‌های مونروویا کردند.

رئیس جمهور تیلور ۱۱ اوت استعفا کرد و عازم تبعید به نیجریه شد. "موسس بلاه" معاون تیلور به عنوان رئیس دولت موقت جانشین او شد. نماینده ویژه دبیرکل چند روز بعد در مذاکرات اکرا موافقت نامه ای را برای تضمین رسیدن آزاد و بی‌قید و شرط کمک بشردوستانه به کلیه سرزمین‌های تحت کنترل طرفین، و تضمین امنیت امداد گران، به امضای طرفین رساند. آن‌ها موافقت نامه جامع صلح را نیز امضا کردند.

شورای امنیت در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۳ هیات ملل متحد در لیبریا UNMIL - با بیش از ۱۵۰۰۰ پرسنل نظامی و بیش از ۱۰۰۰ مامور پلیس غیرنظامی - را تشکیل داد تا از اول اکتبر وظایف ECOWAS را به عهده و جای UNOL را بگیرد. از جمله وظایف آن: نظارت بر آتش بس، کمک به خلع سلاح، ترخیص نیروها، ادغام مجدد و بازگرداندن (DDDR) کلیه طرف‌های مسلح، تامین امنیت زیرساخت‌های حیاتی و تاسیسات اصلی دولتی، حمایت از کارکنان، و تاسیسات و غیر نظامیان سازمان ملل، و کمک به عوامل امداد بشردوستانه و حقوق بشر بود. UNMIL همچنین وظیفه داشت برای تدوین برنامه‌ای به منظور تحکیم نهادهای دولت انتقالی، با نظری به برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه تا اکتبر ۲۰۰۵، به دولت کمک کند.

مطابق برنامه ۳۵۰۰ سرباز ECOWAS ملبس به کلاه آبی سازمان ملل شدند. کمتر از دو هفته بعد طرفین، مونروویا را «منطقه عاری از سلاح» اعلام کردند. در ۱۴ اکتبر، دولت انتقالی ملی به رهبری گیوده بریانت به عنوان رئیس آن تشکیل شد. بلاه رئیس جمهور سابق در ۱۷ اکتبر قسمت زیادی از سلاح‌ها را به حافظان صلح سازمان ملل تحویل داد و اعلام کرد «ما دیگر نمی‌خواهیم بجنگیم». فرآیند DDR در اول دسامبر آغاز شد و طی ۱۲ ماه بعد نزدیک به صد هزار شهروند لیبریا تفنگ‌ها، مهمات، آرپی‌جی‌ها، و سایر سلاح‌ها را تسلیم کردند. در ۳ نوامبر ۲۰۰۴ نیروهای شبه‌نظامی متخاصم لیبریا در مراسمی در مقر UNMIL در مونروویا رسماً منحل شد. تا پایان ۲۰۰۶ بیش از ۳۰۰ هزار لیبریایی آواره در کشور به روستاهای محل زندگی خود بازگشته بودند.

مردم لیبریا پس از ۱۵ سال مناقشه با یاری سازمان ملل نخستین انتخابات پس از جنگ خود را برگزار کردند. آنان با حضور انبوه خود در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۵ - و سپس در مرحله دوم رقابت بین دونامزد اصلی، خانم الن جانسون سیرلیف را با ۵۹/۴ درصد آرا به ریاست جمهوری برگزیدند.

او ۱۶ ژانویه ۲۰۰۶ کارش را آغاز و برای درمان رنج‌های مردم کمیسیون حقیقت‌آشتی تشکیل داد. اگرچه چالش‌های عمده باقی است، لیبریا در جهت آشتی و ملت‌سازی مسالمت‌آمیز پیشرفت مداوم داشته است. لذا، شورادر ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۷ درخواست دبیرکل را برای کاهش تدریجی حضور UNMIL در چند مرحله - از تعداد کنونی ۱۵۲۰۰ نظامی و پلیس به ۹۷۵۰ نفر تا پایان ۲۰۱۰ تصویب و دبیرکل در ۱۴ اکتبر لیبریا را سزاوار دریافت کمک از صندوق نهادینه‌سازی صلح سازمان اعلام کرد.

**گینه بیسائو.** به دنبال یک دوره مناقشه در گینه بیسائو، دولت وحدت ملی در فوریه ۱۹۹۹ آغاز به کار کرد. سازمان ملل در مارس دفتر حمایت از نهادینه‌سازی صلح در گینه بیسائو UNOGBIS را به منظور کمک به ایجاد محیطی مساعد برای اعاده و تحکیم صلح، دموکراسی و حکومت قانون و تسهیل برگزاری انتخابات آزاد و شفاف تأسیس کرد. اما در مه توافق صلح شکست خورد و نیروهای شورشی رئیس‌جمهور "جوآئو برناردو وی‌یرا" را برکنار کردند. دولت انتقالی پس از انجام انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در نوامبر ۱۹۹۹ و ژانویه ۲۰۰۰، قدرت را به دولت غیرنظامی به ریاست رئیس‌جمهور کومبایالا تسلیم کرد.

اگرچه UNOGBIS به کمک به دولت جدید در دوره انتقالی ادامه داد، بی‌ثباتی سیاسی به شدت مانع تحکیم صلح و بازپروری اقتصادی بود و باعث شد کمک‌دهندگان کمک‌های خود را محدود کنند که به افزایش تنش‌های سیاسی منجر شد. رئیس‌جمهور یالادر نوامبر ۲۰۰۲ مجمع ملی را منحل و «دولت موقت» جدیدی منصوب کرد. انتخابات پارلمانی که قرار بود در مه ۲۰۰۳ انجام شود بارها به تأخیر افتاد و او سرانجام روز ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۳ در کودتایی بدون خونریزی برکنار شد.

دبیرکل چند ماه بعد در گزارشی به شورای امنیت اظهار داشت برکناری رئیس‌جمهور منتخب دموکراتیک، هرچند زشت و نکوهیده، پس از نقض مکرر ضوابط قانون اساسی، انجام شد. وی با توصیف کودتای نظامی به عنوان «نقطه اوج یک موقعیت غیرقابل دفاع»، از جامعه بین‌المللی خواست راه‌هایی برای جلوگیری از زیرپا نهادن اصول پایه‌ای حکومت به وسیله دولت‌هایی که به صورت دموکراتیک در کشورهای پس از مناقشه انتخاب شده‌اند، توصیه کند.

ارتش و ۲۳ حزب از ۲۴ حزب شناخته شده کشور در ۲۸ سپتامبر منشور سیاسی انتقالی را امضا کردند که در آن تشکیل دولت انتقالی غیرنظامی به رهبری رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر موقت غیرنظامی؛ برگزاری انتخابات پارلمانی در مدت ۶ ماه؛ و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در مدت یک سال پس از مراسم سوگند نمایندگان جدید، پیش‌بینی شده بود. همه سازوکارهای انتقالی تا ۱۶ اکتبر برقرار و هنریک پریاروسا، اقتصاددان و تاجر به عنوان رئیس‌جمهور انتقالی سوگند داده شد.

انتخابات قوه مقننه در مارس ۲۰۰۴ برگزار شد که ناظران بین‌المللی آزاد، عادلانه و شفاف بودن آن را تایید کردند. ژائو برناردو «نینو» ویرا، در ژوئن و سپتامبر ۲۰۰۵ طی دو مرحله رای‌گیری آرام به ریاست جمهوری برگزیده شد. اما تنش‌های سیاسی بر محور خطوط حزبی همچنان به صورت چالشی در برابر آشتی ملی و کارکرد موثر نهادهای مهم دولتی ادامه یافت. با وجود این، پیمان ثبات سیاسی ملی که به امضای سه حزب سیاسی اصلی رسید منجر به ادای سوگند دولت به نخست‌وزیری مارینهو دافاگابی در ۱۷ آوریل ۲۰۰۷ شد. دبیرکل به گینه بیسائو درباره حمایت سازمان ملل از برگزاری و نظارت بر انتخابات پارلمانی این کشور در ۲۰۰۸ اطمینان داد.

**سیرالئون.** جبهه متحد انقلابی (RUF) در ۱۹۹۱ جنگی را برای سرنگونی دولت سیرالئون

آغاز کرد اما در ۱۹۹۲ ارتش خود این کشور دولت را سرنگون کرد. دبیرکل در ۱۹۹۵ فرستاده‌ای ویژه منصوب کرد که با همکاری سازمان وحدت آفریقا (OAU) و جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (ECOWAS) درباره بازگشت حکومت غیرنظامیان مذاکره کرد. پس از انتخابات ۱۹۹۶، که RUF در آن شرکت نکرد، ارتش قدرت را به برنده انتخابات، احمد تجان کاباح، واگذار کرد. فرستاده ویژه دبیرکل به مذاکرات برای رسیدن به توافق‌نامه صلح اییجان، بین دولت و RUF در ۱۹۹۶ کمک کرد. اما در ۱۹۹۷ در کودتای نظامی دیگری ارتش به RUF پیوست تا حکومت نظامی تشکیل دهد. پرزیدنت کاباح به تبعید رفت و شورای امنیت حکم به تحریم نفتی و تسلیحاتی آن داد و به ECOWAS اجازه داد اجرای تحریم را با استفاده از سربازان گروه نظارت خود، ECOMOG، تضمین کند.

هنگامی که حامیان حکومت نظامی در ۱۹۹۸ به ECOMOG حمله کردند پاسخ نظامی به آن منجر به شکست حکومت نظامی شد. پرزیدنت کاباح به قدرت بازگشت و شورا به تحریم خاتمه داد. شورا در ژوئن هیات ناظر سازمان ملل در سیرالئون (UNOMSIL) را تشکیل داد تا بر اوضاع امنیتی، خلع سلاح مبارزان، و تجدید ساختار نیروهای امنیتی نظارت کند. واحدهای غیرمسلح UNOMSIL، تحت حمایت ECOMOG شفاوت‌ها و موارد نقض حقوق بشر را ثبت کردند.

اتحاد شورشیان کمی بعد بیش از نیمی از کشور، و در تهاجم ژانویه ۱۹۹۹ بیشتر شهر فریتاون، پایتخت، را تحت کنترل خود درآورد. اما اواخر همان ماه نیروهای ECOMOG فریتاون را پس گرفتند و دولت را بازگرداندند. در این جنگ ۷۰۰ هزار نفر در داخل کشور آواره و ۴۵۰ هزار نفر به خارج پناهنده شدند. نماینده ویژه، با مشورت کشورهای غرب آفریقا، تلاش‌های دیپلماتیک برای گشودن باب گفتگو با شورشیان را آغاز کرد. این مذاکرات در ژوئیه به توافق‌نامه صلح لومه - برای خاتمه دادن به جنگ و تشکیل دولت وحدت ملی انجامید.

شورای امنیت در اکتبر UNOMSIL را به نهادی بزرگتر یعنی هیات سازمان ملل در سیرالئون (UNAMSIL) تغییر داد تا برای اجرای توافق‌نامه و یاری به خلع سلاح، ترخیص و بازگرداندن حدود ۴۵ هزار مبارز به زندگی عادی به طرفین کمک کند. به دنبال عقب‌نشینی اعلام شده ECOMOG در فوریه ۲۰۰۰، تعداد نیروهای UNAMSIL به ۱۱ هزار نفر افزایش یافت. امادر آوریل هنگامی که RUF پس از مراجعه مبارزان سابق برای خلع سلاح به نیروهای سازمان ملل حمله کرد، چهار صلح‌بان کشته و نزدیک به ۵۰۰ پرسنل سازمان ملل گروگان گرفته شدند.

در ماه مه، سربازان انگلیسی، که براساس ترتیباتی دوجانبه خدمت می‌کردند، پایتخت و فرودگاه آن را امن کرده و به دستگیری رهبر RUF، فودای سانکوح؛ که به وسیله پلیس دستگیر شد، کمک کردند. تا پایان مه حدود نیمی از گروگان‌های سازمان آزاد شده بودند. شورا سربازان UNAMSIL را به ۱۳ هزار نفر افزایش داد تا به اعاده صلح کمک کند و در ژوئیه UNAMSIL بقیه گروگان‌ها را نجات داد. در اوت شورا فرآیند تشکیل دادگاهی ویژه را برای محاکمه مسئولان جنایات جنگی آغاز کرد.

UNAMSIL در نوامبر ۲۰۰۱ استقرار خود را در همه مناطق کشور تکمیل کرد و جریان خلع سلاح در ژانویه کامل شد. این هیات پس از انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی در مه ۲۰۰۲

توجه خود را بر گسترش اقتدار دولت در سراسر کشور، ادغام و همگرایی مجدد مبارزان سابق، و اسکان دوباره پناهندگان و آوارگان متمرکز کرد. اسکان دوباره آوارگان در داخل در دسامبر و بازگشت حدود ۲۸۰ هزار نفر پناهندگان سیرالئون در ژوئیه ۲۰۰۴ تکمیل شد. کمیسیون حقیقت و آشتی و دادگاه ویژه برای سیرالئون در اواسط ۲۰۰۲ شروع به کار کردند.

هنگامی که نیروهای UNAMSIL پس از تخلیه تدریجی طی سه سال در دسامبر ۲۰۰۵ از سیرالئون خارج شدند ثبات این کشور بیشتر شده و ارائه خدمات اساسی آن بهبود یافته بود. این نیرو در ژانویه ۲۰۰۶ جای خود را به دفتر منسجم سازمان ملل در سیرالئون (UNIOSIL) داد که نخستین دفتر منسجم سازمان ملل بود که برای حمایت از فرآیند تحکیم صلح تشکیل می‌شد.

[www.uniosil.org](http://www.uniosil.org)

در آوریل ۲۰۰۶ چارلز تیلور رئیس‌جمهور سابق لیبریا در دادگاه ویژه حضور یافت تا به ۱۱ مورد اتهام جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و جرایم دیگر پاسخ دهد. شورای امنیت در ژوئن درخواست دادگاه را برای محاکمه تیلور در لاهه تصویب کرد زیرا حضور او «تهدیدی برای صلح لیبریا و سیرالئون» به شمار می‌رفت. محاکمه در ۴ ژوئن ۲۰۰۷ شروع شد اما کمی بعد تا ژانویه ۲۰۰۸ به تاخیر انداخته شد. تیلور در صورت محکومیت، در انگلیس زندانی خواهد شد.

تلاش‌های سیرالئون در زمینه توسعه هنگامی که کمیسیون تازه تاسیس نهادینه‌سازی صلح سازمان ملل این کشور را همراه با برون‌دی، برای نخستین فعالیت‌هایش انتخاب کرد، گامی قابل توجه به جلو برداشت دبیرکل بان‌کی-مون در اول مارس ۲۰۰۷ به توصیه کمیسیون، ۳۵ میلیون دلار از صندوق نهادینه‌سازی صلح سازمان، که در اکتبر قبل تشکیل شده بود تا به بازسازی و جلوگیری از خونریزی دوباره در کشورهایایی کمک کند که در حال خروج از مناقشه بودند، در اختیار سیرالئون قرار داد.

دادگاه ویژه مورد حمایت سازمان ملل در ۲۰ ژوئن ۲۰۰۷ با مجرم شناختن سه رهبر سابق شورش به علت ارتکاب جنایات متعدد جنگی و جنایت علیه بشریت - از جمله اقدامات تروریستی، جنایت، تجاوز، به بردگی کشیدن و استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال در گروه‌های مسلح - نخستین احکام خود را صادر کرد. متهمان متعاقباً به ۴۵ تا ۵۰ سال زندان محکوم شدند.

مبارزات انتخاباتی برای انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمان سیرالئون از ۱۰ ژوئیه آغاز شد. مشارکت UNIOSIL شامل آموزش نحوه رای‌گیری و شمارش آرا به ۴۹ مامور ناحیه‌ای بود تا آموخته‌های خود را به ۳۷ هزار مامور دیگر آموزش دهند. انتخابات در ۱۱ اوت در فضایی عموماً آرام و با استقبال گسترده مردم انجام شد. ارنست بای کوروما، از حزب «کنگره همه مردم» با ۵۴/۶ درصد آرا در دور دوم به ریاست‌جمهوری انتخاب شد و ۱۵ نوامبر کارش را شروع کرد.

### شرق آفریقا

**سودان، و بحران در دارفور.** سودان از اول ژانویه ۱۹۵۶ که مستقل شد غیر از ۱۱ سال همواره گرفتار مناقشه و جنگ داخلی بوده است. دولت و جنبش آزادیبخش خلق سودان / ارتش (SPLM/A)، جنبش شورشی اصلی در جنوب در مرحله‌ای که از ۱۹۸۳ آغاز شد، بر سر منابع، قدرت، نقش دین در حکومت، و حق تعیین سرنوشت جنگیدند.

ابتکار مورد حمایت سازمان ملل از نهاد بین دولتی مربوط به توسعه (IGAD) در ۲۰۰۲، به امضای «پروتکل ماچاکوس»، در ماچاکوس، کنیا منجر شد. در سال ۲۰۰۴ «هیأت اتحادیه آفریقا

در سودان» (AMIS) به عنوان هیات ناظر مستقر شد و «هیات پیشرفت سازمان ملل در سودان UNAMIS تشکیل شد تا زمینه را برای شروع عملیات صلح آماده کند. تا امضای توافقنامه صلح فراگیر (CPA) در ۹ ژانویه ۲۰۰۵ بیش از ۲ میلیون نفر مردند، ۴ میلیون نفر آواره شدند و حدود ۶۰۰ هزار نفر دیگر از کشور گریختند. این توافقنامه شامل ترتیبات امنیتی، تقسیم قدرت در پایتخت، خودمختاری نسبی برای جنوب، و توزیع عادلانه‌تر منابع اقتصادی، از جمله نفت بود. براساس شرایط توافقنامه قرار شد نهادهای موقتی مدت ۶/۵ سال تحت نظارت ناظران بین‌المللی، حکومت کنند. آنگاه مردم جنوب سودان در همه‌پرسی تحت نظارت بین‌المللی برای وحدت یا تجزیه سودان رای دهند.

شورای امنیت در ۲۴ مارس ۲۰۰۵ هیات سازمان ملل در سودان (UNMIS) را تشکیل داد که مأموریت آن حمایت از اجرای CPA؛ تسهیل و هماهنگ‌سازی یاری انساندوستانه و بازگشت داوطلبانه پناهندگان از خارج و آوارگان داخلی؛ و یاری به طرفین در اقدامات مربوط به مین بود. این هیات قرار بود به حمایت و ترویج حقوق بشر نیز کمک کند، و تلاش‌های بین‌المللی برای محافظت از غیرنظامیان را - با توجه ویژه به گروه‌های آسیب‌پذیر - هماهنگ نماید. در طول همین دوره، اتحادیه آفریقا (AU) تعداد نفرات AMIS را به مجموع توافق شده ۶۱۷۱ پرسنل نظامی و ۱۵۶۰ پلیس غیرنظامی افزایش داد «تا از محیطی امن‌تر و تدابیر اعتمادسازی حمایت، و از غیرنظامیان و انجام فعالیت‌های انساندوستانه پشتیبانی کند».

سپتامبر ۲۰۰۵ دولت وحدت ملی تشکیل شد. اگر چه طرفین روی هم رفته به CPA احترام می‌گذاشتند اما روحیه همکاری، پذیرش همگانی و شفافیت کمتر از حد انتظار بود. ادامه بحران در دارفور نیز تاثیری مستقیم و منفی بر اجرای توافقنامه داشت.

**نقش سازمان ملل در دارفور.** تنش‌های قومی، اقتصادی و سیاسی از مدت‌ها پیش با رقابت بر سر منابع کمیاب ترکیب شده‌اند تا آتش خشونت را در دارفور تشدید کنند. تصمیم سال ۲۰۰۳ دولت برای استقرار نیروهای مسلح ملی خود و بسیج شبه‌نظامیان محلی در پاسخ به حملات جنبش / ارتش آزادیبخش سودان (SLM/A) و جنبش عدالت و برابری (JEM) این خشونت را تا حدی بی‌سابقه افزایش داد. بمباران هوایی کورکورانه از سوی نیروهای مسلح سودان، همراه با حملات «جان جاوید» و سایر شبه نظامیان باعث ویرانی کامل روستاهای منطقه شد. غیرنظامیان کشته شدند، به زنان و دختران تجاوز شد، کودکان ربوده، و منابع آب و غذا نابود شدند.

اتحادیه آفریقا (AU) در ژوئیه ۲۰۰۴ مذاکره در جریان گفتگوهای صلح مربوط به سودان را در ابوجا، همزمان با استقرار ۶۰ ناظر نظامی و ۳۱۰ نیروی محافظت در دارفور برای نظارت بر اطاعت از توافقنامه آتش‌بس انساندوستانه که در آوریل از سوی دولت SLM/A و JEM امضا شد، آغاز کرده بود. در همان حال، سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی عملیات انساندوستانه عظیمی را آغاز کردند. در ژانویه ۲۰۰۵، کمیسیون تحقیق که به تقاضای شورای امنیت تشکیل شد گزارش داد درست است که دولت سودان سیاست کشتار جمعی را در دارفور اجرا نکرده اما نیروهای آن و شبه‌نظامیان جان جاوید متحد آن اقدام به «حملات کورکورانه، از جمله کشتن غیرنظامیان، شکنجه، ناپدید شدن‌های اجباری، نابودی روستاها، تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی، غارت

و جابه‌جایی اجباری کرده‌اند.» کمیسیون با اعلام این که جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت ممکن است کمتر از کشتار جمعی شرورانه نباشد، نتیجه‌گیری کرد که نیروهای شورشی در دارفور مسئول جنایات جنگی احتمالی، از جمله غارت و کشتار غیرنظامیان هستند.

شورا پرونده کمیسیون را درباره دارفور به دادگاه کیفری بین‌المللی ارجاع داد که در ۷ ژوئن ۲۰۰۷ خواستار دستگیری دو نفر به اتهام ۵۱ فقره جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت شد.

پس از سه سال مناقشه شدید تلاش‌های AU در ۵ مه ۲۰۰۶ به امضا توافق‌نامه صلح دارفور منتهی شد که به مسائل تقسیم قدرت، تقسیم ثروت، آتش‌بس و ترتیبات امنیتی فراگیر مربوط می‌شد. گرچه همه طرف‌های مناقشه حضور داشتند اما فقط دولت و SLM/A توافق‌نامه را امضا کردند.

شورا در ۳۱ اوت ۲۰۰۶ با صدور قطعنامه ۱۷۰۶ با تمدید ماموریت UNMIS موافقت کرد تا امکان استقرار آن را در دارفور فراهم سازد، و جوایز موافقت دولت وحدت ملی سودان شد.

دبیرکل در سپتامبر گزارش داد متأسفانه موضع دولت درباره آن قطعنامه «بسیار منفی» بوده است. دولت سودان در نوامبر از نظر اصولی حمایت خود را از ایجاد هیات مشترک سازمان ملل / اتحادیه آفریقا در سودان ابراز داشت. پس از ماه‌ها مذاکره شورای امنیت در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۷ عملیات مشترک اتحادیه آفریقا - سازمان ملل در دارفور (UNAMID) را ایجاد کرد تا به شیوه‌ای فراگیر با اوضاع دارفور برخورد کند. این نیروقرار بود نخستین نیروی مشترک با شرکت سازمان ملل، و بزرگترین عملیات حفظ صلح تاریخ سازمان باشد.

دبیرکل بان‌کی - مون در ۲۸ اوت اعلام کرد در آینده نزدیک به سودان، چاد و لیبی می‌رود تا به تضمین استقرار سریع و موثر صلح‌بانان UNAMID، ارائه کمک‌های بشردوستانه و مربوط به توسعه، و تداوم پیشرفت فرآیند صلح کمک کند. وی گفت: «هدف این است پیشرفتی را که تاکنون به دست آورده‌ایم حفظ کنیم تا با اتکا به آن شاید روزی این وضعیت وحشتناک خاتمه یابد.» دبیرکل در ۴ سپتامبر در سودان خبر انتصاب اشرف جهانگیر غازی را به عنوان نماینده ویژه جدید خود در سودان اعلام کرد.

شورای امنیت سه هفته بعد در ۲۵ سپتامبر ایجاد نیروی چند بعدی در چاد و جمهوری آفریقای مرکزی را، با هماهنگی اتحادیه اروپا اعلام کرد. قرار بود هیات سازمان ملل در جمهوری آفریقای مرکزی و چاد (MINURCAT) نیز بخشی از این نیرو شود. شورا با رسیدن به این نتیجه که اوضاع در منطقه مرزی بین سه کشور فوق تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است دست به اقدام فوق زد تا به ایجاد شرایط امنیتی لازم برای بازگشت داوطلبانه، امن و مداوم پناهندگان و آوارگان کمک کند.

دبیرکل کمی‌پیشتر، در ژانویه ۲۰۰۷، به امید احیای فرآیند سیاسی و حل مسالمت‌آمیز مناقشه دارفور، جان الیاسون، وزیر خارجه سابق سوئد و رئیس اسبق مجمع عمومی را به عنوان فرستاده ویژه خود برای دارفور منصوب کرده بود.

الیاسون پس از انتصاب با دکتر سلیم احمد سلیم فرستاده ویژه اتحادیه آفریقا برای دارفور همکاری کرد تا زمینه را برای از سرگیری مذاکرات آماده کند. آنان با مقامات دولتی، جنبش‌های مختلف شورشی، عوامل منطقه‌ای، و سایر عوامل ذینفع مهم به منظور تضمین فراگیر بودن مذاکرات صلح و رسیدن به توافق‌نامه‌ای که به نگرانی‌های اصلی جمعیت گرفتار مناقشه دارفور رسیدگی کند،



مشورت کردند. مذاکرات در ۲۷ اکتبر ۲۰۰۷ آغاز شد و قرار بود تا ۲۰۰۸ ادامه یابد.

#### عملیات مشترک اتحادیه آفریقا / سازمان ملل در دارفور :

##### نخستین هیات حفظ صلح مشترک سازمان ملل

مناقشه در منطقه دارفور سودان تا اوایل ۲۰۰۷ بیش از ۲۰۰ هزار کشته و بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار آواره و پناهنده در موقعیتی سرشار از جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت به جا گذاشته بود.

شورای امنیت، در شرایطی که دادگاه کیفری بین‌المللی رسیدگی به این مساله را آغاز کرد، در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۷ نخستین نیروی مشترک تاریخ سازمان ملل یعنی «عملیات مشترک اتحادیه آفریقا - سازمان ملل در دارفور (UNAMID)» را ایجاد کرد. این اقدام نیروهای سازمان ملل را با نیروهای سابق اتحادیه آفریقا در سودان (AMIS) در عملیاتی تازه و فراگیر به منظور آوردن صلح به این بخش دچار مشکل جهان ترکیب می‌کند.

UNAMID پس از استقرار کامل بزرگ‌ترین عملیات حفظ صلح تاریخ، با ۱۹۵۵۵ پرسنل نظامی و ۳۷۷۲ پلیس، همچنین ۱۹ واحد پلیس هر کدام با ۱۴۰ پرسنل (مجموعاً ۲۶۶۰ پرسنل)، خواهد بود. هدف از استقرار سریع آن قادر ساختن آن برای در دست گرفتن هر چه سریع‌تر، قبل از پایان ۲۰۰۷، اختیارات AMIS، به امید دستیابی به ظرفیت عملیاتی کامل و اعمال قدرت هر چه زودتر پس از آن بود. مأموریت آن شامل موارد زیر بود:

- تسهیل دسترسی کامل برای انجام عملیات بشردوستانه در سراسر دارفور؛
- کمک به محافظت از جمعیت‌های غیرنظامی که در معرض تهدید شدید خشونت قرار دارند؛
- تأیید اطاعت از توافق‌نامه آتش‌بس؛
- کمک به اجرای توافق‌نامه صلح دارفور؛
- کمک به تضمین این که فرآیند سیاسی فراگیر باشد؛
- حمایت از میانجیگری مشترک اتحادیه آفریقا - سازمان ملل برای گسترش و تعمیق فرآیند صلح؛
- کمک به ایجاد محیطی امن برای بازسازی و توسعه اقتصادی، و برای ادامه بازگشت آوارگان داخلی و پناهندگان از خارج به خانه‌های خود؛
- کمک به ترویج و حمایت از احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی و محافظت از آنها در دارفور؛
- کمک به ترویج حکومت قانون در دارفور، از جمله حمایت از تقویت استقلال قوه قضائیه و نظام زندان‌ها؛
- یاری به مقامات سودان برای تدوین مبنا و چارچوب حقوقی؛
- نظارت و دادن گزارش درباره اوضاع امنیتی در مرزهای سودان با چاد و جمهوری آفریقای مرکزی.

**سومالی.** شش میلیون و ۸۰۰ هزار نفر مردم سومالی، از زمان سرنگونی دولت پریزیدنت «زیاد باره» در ۱۹۹۱ و شروع جنگ داخلی که کشور را به دو قلمرو تحت کنترل جنگ سالاران رقیب درآورد، در هرج و مرج زندگی کرده‌اند. در این حال سیل سلاح‌ها، مهمات و مواد منفجره، بر خلاف تحریم سازمان ملل، آزادانه در مرزهای آن در جریان بوده است.

شورای امنیت وقتی مذاکرات سازمان داده شده از سوی دبیرکل به آتش‌بس در موگادیشو، پایتخت، منجر شد، در آوریل ۱۹۹۲ عملیات سازمان ملل در سومالی (UNOSOM I) را تشکیل داد تا: بر آتش بس نظارت کند؛ امنیت پرسنل، تجهیزات و تدارکات سازمان ملل را تامین و حمایت کند؛ و تحویل لوازم و ضروریات امکانات انساندوستانه را همراهی کند. اما وخامت اوضاع امنیتی شورا را واداشت در دسامبر به کشورهای عضو اجازه دهد «نیروی ضربت متحد» (UNITAF) را برای تضمین تحویل سالم کمک‌های انساندوستانه تشکیل دهند. شورا در مارس ۱۹۹۳ برای تکمیل تلاش‌های UNITAF در جهت اعاده صلح UNOSOM II را تشکیل داد اما تشدید درگیری‌های بین قبیله‌ای نشان داد صلحی وجود ندارد تا حفظ شود. UNOSOM II

در مارس ۱۹۹۵ از سومالی خارج شد.

دبیرکل در آوریل دفتر سیاسی برای سومالی (UNPOS) را ایجاد کرد تا در پیشرفت صلح و آشتی از طریق تماس با رهبران و سازمان‌های مدنی سومالی و کشورها و سازمان‌های مربوطه به او کمک کند. UNPOS از ابتکار جیبوتی حمایت کرد که در ۲۰۰۰ به تشکیل دولت ملی انتقالی منجر شد اما کمی بعد رهبران سومالی در جنوب و ادارات منطقه‌ای در «پونتلند» در شمال شرقی و «سومالی‌لند» در شمال غربی از پذیرش آن خودداری کردند.<sup>۴</sup>

در ۲۰۰۲ کنفرانس آشتی ملی با حمایت نهاد بین دولتی مربوط به توسعه (IGAD) به امضا توافق نامه درباره توقف خصومت‌ها و تدوین ساختارها و اصولی برای اداره فرآیند آشتی ملی منتهی شد. این فرآیند در ژانویه ۲۰۰۴ هنگامی که رهبران سومالی درباره تشکیل دولت فدرال انتقالی برای یک دوره پنج ساله، و پارلمان فدرال انتقالی با ۲۷۵ عضو - ۱۲ درصد زن - توافق کردند، به بار نشست.

عبداله‌ی یوسف احمد، رئیس‌جمهور پونتلند، در اکتبر ۲۰۰۴ به ریاست دولت فدرال انتقالی سومالی (TFG) انتخاب شد و ۲۵ نامزد ریاست‌جمهوری قول دادند از او حمایت و شبه‌نظامیان خود را مرخص کنند. اما تا مه ۲۰۰۶ شبه‌نظامیان به شدت مسلح «اتحاد برای احیا صلح و ضدیت با تروریسم» و «دادگاه‌های شریعت» در موگادیشو در حال جنگ بودند.

TFG و اتحادیه دادگاه‌های اسلامی در ژوئن ۲۰۰۶ قول شناسایی متقابل، ادامه مذاکرات، و خودداری از انجام اقداماتی دادند که ممکن بود تنش‌ها را بیشتر کند. اما در ۱۱ ژوئیه نماینده ویژه دبیر کل گفت تندرهای داخلی دادگاه‌های اسلامی تهدیدی برای فرآیند صلح و به‌ویژه برای نهادهای فدرال انتقالی به شمار می‌روند که کرسی موقتی خود را در «بایدوا» داشت. در ۲۰ ژوئیه نیروهای وفادار به دادگاه‌های اسلامی به شهری در فاصله حدود ۶۰ کیلومتری بایدوا پیشروی کردند.

شورای امنیت در ۶ دسامبر به IGAD و همه کشورهای عضو اتحادیه آفریقا اجازه داد هیاتی برای محافظت و آموزش در سومالی ایجاد کنند. ماموریت آن شامل: نظارت بر پیشرفت طرفین در اجرای توافق‌نامه‌ها؛ حفظ امنیت در بایدوا؛ محافظت از اعضا و ساختارهای زیربنایی نهادها و دولت فدرال انتقالی؛ آموزش نیروهای امنیتی آنها برای تامین امنیت خود؛ و کمک به ایجاد دوباره نیروهای امنیت ملی سومالی است.

شورای امنیت در شرایطی که هزاران نفر در حال فرار از درگیری‌های شدید در موگادیشو بودند در ۲۰ فوریه ۲۰۰۷ به اتحادیه آفریقا اجازه داد عملیاتی گسترده‌تر، معروف به AMISOM را، برای شش ماه انجام دهد. این عملیات، به جای هیات IGAD، مجاز بود همه تدابیر لازم را برای اجرای ماموریت خود انجام دهد که شامل: حمایت از عبور امن و محافظت از کسانی که در فرآیند گفتگو و آشتی ملی شرکت داشتند؛ محافظت از موسسات فدرال انتقالی؛ یاری به ایجاد و آموزش نیروهای امنیتی سومالی با شرکت همه طرف‌ها؛ و کمک به ایجاد نیروهای امنیتی برای ارائه یاری‌های انسان‌دوستانه بود.

شورا در ۲۰ اوت ماموریت AMISOM را شش ماه دیگر تمدید و ادامه برنامه‌ریزی احتیاطی

۱. سومالی‌لند در ۱۹۹۱ خود را جمهوری مستقل نامید، اگر چه جامعه بین‌المللی موقعیت خود خوانده آن را به رسمیت نمی‌شناسد. بین «سومالی‌لند» و «پونتلند»، که اعلام خود مختاری، اما نه استقلال، کرده رقابت شدیدی وجود دارد.

برای عملیات احتمالی سازمان ملل را تصویب کرد. اما دبیر کل بان‌کی- مون در نوامبر گزارش داد با توجه به بدتر شدن آشکار اوضاع سیاسی و امنیتی، اعزام چنین هیاتی نه واقع‌گرایانه و نه ممکن و عملی است. در این حال سازمان ملل بر تمرکز به تشویق گفتگو بین TFG و گروه‌های مخالف و تقویت AMISOM ادامه می‌داد.

در آن شرایط UNHCR گزارش داد یک میلیون نفر به علت خشونت‌های اخیر آواره شده‌اند که ۶۰۰ هزار نفر از آنان به موگادیشو فرار کرده‌اند (UNPOS : [www.un.somalia.org](http://www.un.somalia.org))

**اتیوپی - اریتره.** با فروپاشی دولت نظامی اتیوپی در ۱۹۹۱، جبهه آزادیبخش مردم اریتره (EPLF) خبر تشکیل دولت موقت و انجام همه‌پرسی برای تعیین خواسته‌های مردم اریتره درباره موقعیت آنان در رابطه با اتیوپی را اعلام کرد. مجمع عمومی در پاسخ به درخواست کمیسیون همه‌پرسی آن، «هیات ناظر سازمان ملل برای تایید همه‌پرسی در اریتره» (UNOVER) را تشکیل داد تا بر سازمان دادن و انجام همه‌پرسی ۱۹۹۳ نظارت کند. اریتره با موافقت ۹۹ درصد رای‌دهندگان با استقلال، اندکی بعد اعلام استقلال کرد و به سازمان ملل پیوست.

بین اتیوپی و اریتره در مه ۱۹۹۸ بر سر نواحی مورد اختلاف مرزی جنگ در گرفت. شورای امنیت خواستار پایان دادن به خصومت‌ها شد و پیشنهاد حمایت فنی برای جداسازی و تعیین مرزها داد. به دنبال مذاکرات همسایگی تحت نظارت سازمان وحدت آفریقا، در ژوئن ۲۰۰۰ موافقت نامه قطع خصومت‌ها در الجزیره امضاء شد.

شورای امنیت برای کمک به اجرای این موافقت نامه در ژوئیه هیات سازمان ملل در اتیوپی و اریتره UNMEE را تشکیل داد تا افسران رابط را در پایتخت‌های دو کشور و ناظران سیاسی را در مرز مستقر کند. شورا، سپتامبر با استقرار بیش از ۴,۲۰۰ پرسنل نظامی برای نظارت بر توقف خصومت‌ها و کمک به تضمین رعایت تعهدات امنیتی مورد توافق طرفین، موافقت کرد.

با رسیدن حافظان صلح، نیروهای اتیوپی و اریتره تغییر موقعیت دادند و منطقه امنیتی موقتی TSZ ایجاد شد. هیات سازمان ملل در اتیوپی و اریتره ماموریت یافت در منطقه گشت زنی و نظارت کند. طرفین به مذاکره درباره اختلاف‌های خود که الجزایر آن را تسهیل می‌کرد، ادامه دادند و در دسامبر ۲۰۰۰ موافقت نامه ای امضا کردند که خاتمه همیشگی خصومت‌های نظامی و آزادی زندانیان جنگی را پیش‌بینی کرده بود. این قرارداد همچنین ایجاد کمیسونی مستقل برای تعیین خطوط مرزی بر اساس پیمان‌های استعماری مربوطه و قوانین قابل اجرای بین‌المللی را، ایجاد می‌کرد.

کمیسیون مرزی پنج نفری بی‌طرف در آوریل ۲۰۰۲ درباره تعیین خطوط مرزی به تصمیم نهایی و الزام آور خود رسید. شورای امنیت ماموریت UNMEE را اصلاح کرد تا مین‌زدایی در حمایت از تعیین خطوط مرزی، و تامین حمایت اداری و تدارکاتی برای دفاتر منطقه‌ای کمیسیون را در آن بگنجاند.

در طول سال ۲۰۰۳ اوضاع نظامی به طور کلی با ثبات بود، اما فرآیند صلح، به علت رد کردن توصیه‌های کمیسیون مرزی از طرف اتیوپی، در مرحله‌ای بحرانی باقی ماند.

طرفین تا مدتی به احترام به TSZ ادامه دادند اما به علت عدم پیشرفت در اجرای تصمیم کمیسیون مرزی، اریتره روندی را شروع کرد که دبیرکل آن را «نقض گسترده» مقررات منطقه،

همراه با «اختلال شدید و تحقیرآمیز» در فعالیت UNMEE، از جمله نقض ممنوعیت سازمان ملل برای پرواز بالگردها در منطقه، توصیف کرد. در نتیجه تعداد مجاز نیروهای UNMEE، از ۴۲۰۰ نفر در شروع کار، به ۲۳۰۰ نفر در مه ۲۰۰۶، و سپس به ۱۷۰۰ نفر در ژانویه ۲۰۰۷ کاهش یافت. دبیرکل در اول نوامبر ۲۰۰۷ درباره تازه‌ترین تجمع نظامی به شدت ابراز نگرانی کرد و گفت اریتره بیش از ۲۵۰۰ سرباز و تجهیزات سنگین نظامی به داخل TSZ منتقل کرده، و هر دو کشور در منطقه مرز مشترک تمرین‌های نظامی انجام داده‌اند اگر چه اتیوپی اعلام کرد تصمیم مربوط به تعیین مرز را پذیرفته، اما به گزارش دبیرکل با اعلام این امر که شرایط امنیتی برای علامت‌گذاری و تعیین مرز وجود ندارد، به فعالیت‌هایش ادامه می‌داد. شورای امنیت در ۱۳ نوامبر از دو طرف خواست بلافاصله و بدون هیچ شرطی حکم سال ۲۰۰۲ را برای تعیین مرز اجرا کنند. شورا به آنها تاکید کرد از توسل به زور امتناع کرده، اختلافات را از راه‌های مسالمت‌آمیز حل کنند و روابط خود را عادی سازند.

### قاره آمریکا

سازمان ملل در برقراری صلح در منطقه آمریکای مرکزی، یکی از پیچیده‌ترین و موفق‌ترین تلاش‌های خود در زمینه برقراری و نهادینه سازی صلح، نقشی اساسی داشت. سازمان در ۱۹۸۹، هنگامی در آمریکای مرکزی درگیر شد که کاستاریکا، السالوادور، گواتمالا، هندوراس و نیکاراگوآ از آن خواستند برای انعقاد قرارداد به منظور پایان دادن به مناقشاتی که منطقه را آزار می‌داد، حمایت از انتخابات دموکراتیک و ادامه دموکراتیک سازی و گفت‌گو، کمک کند. شورای امنیت گروه ناظر ملل متحد در آمریکای مرکزی (ONUCA) را تشکیل داد تا پیروی از تعهدات در زمینه توقف کمک به نیروهای نامرتب و شورشی را تایید کند و اجازه ندهد از سرزمین هیچ کشوری برای حمله به کشوری دیگر استفاده شود.

**نیکاراگوآ.** پنج کشور فوق همچنین موافقت کردند برنامه‌ای برای ترخیص نیروهای مقاومت نیکاراگوآ تدوین کنند، و دولت نیکاراگوآ اعلام کرد تحت نظارت بین‌المللی و سازمان ملل انتخابات می‌کند. هیات نظارت سازمان ملل برای تایید انتخابات در نیکاراگوآ (ONUVEN) بر تدارک و برگزاری انتخابات ۱۹۹۰ نظارت کرد که نخستین انتخاباتی بود که با نظارت سازمان ملل در یک کشور مستقل انجام شد. موفقیت این هیات، به ایجاد شرایطی برای ترخیص داوطلبانه «کنتراها» با نظارت گروه ناظر سازمان ملل در آمریکای مرکزی، در ۱۹۹۰ کمک کرد.

**السالوادور.** در السالوادور، مذاکرات با میانجیگری دبیرکل و نماینده شخصی او در توافق‌های صلح ۱۹۹۲ به اوج رسید و به جنگ ۱۲ ساله‌ای خاتمه داد که جان ۷۵,۰۰۰ نفر را گرفته بود. هیات ناظر ملل متحد در السالوادور (ONUSAL) بر اجرای مفاد این توافق نامه‌ها، از جمله ترخیص مبارزان و متابعت طرفین از تعهدات خود در زمینه مسائل حقوق بشر، نظارت، به انجام اصلاحات لازم برای رسیدگی به دلایل ریشه‌ای جنگ داخلی، مانند اصلاحات قضایی و ایجاد نیروی پلیس غیرنظامی جدید، کمک و به تقاضای دولت بر انتخابات در ۱۹۹۴ نظارت کرد و ماموریت آن در ۱۹۹۵ پایان یافت.

**گواتمالا.** سازمان ملل به درخواست دولت و اتحاد انقلابی ملی گواتمالا URNG، از ۱۹۹۱ شروع به کمک به مذاکرات به منظور پایان دادن به جنگ داخلی آن کرد که بیش از سه دهه طول کشیده و

باعث کشته یا مفقود شدن حدود ۲۰۰,۰۰۰ نفر شده بود. طرفین در ۱۹۹۴ توافق‌هایی منعقد کردند که در آنها پیش‌بینی شده بود سازمان ملل همه موافقت‌نامه‌های حاصله را تأیید و هیات حقوق بشر ایجاد کند. به این ترتیب مجمع عمومی هیات تأیید حقوق بشر سازمان ملل در گواتمالا MINUGUA را تشکیل داد. طرفین در ۱۹۹۶ درباره آتش بس توافق کردند و با امضای قرارداد صلح به آخرین و طولانی‌ترین مناقشه آمریکای مرکزی پایان دادند و منطقه برای نخستین بار طی ۳۶ سال رنگ صلح را دید. MINUGUA برای تأیید پیروی از موافقت‌نامه هاتانوا امبر ۲۰۰۴ در این کشور باقی ماند و کارگزاری‌های سازمان ملل به رسیدگی به ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی مناقشه در منطقه ادامه دادند.

**هائیتی.** با کناره‌گیری «ژان کلود دووالیه» رئیس‌جمهور مادام‌العمر و روی کار آمدن چند دولت کوتاه مدت، دولت موقت هائیتی در ۱۹۹۰ از سازمان ملل خواست بر انتخابات این کشور نظارت کند. **گروه ناظر ملل متحد برای تأیید انتخابات در هائیتی** ONUVEH بر تدارک و برگزاری انتخابات نظارت کرد که ژان - برتراند آریستید در آن به ریاست جمهوری انتخاب شد. اما کودتای نظامی در ۱۹۹۱ به حکومت دموکراتیک خاتمه داد و رئیس‌جمهور به تبعید رفت. در واکنش به وخامت اوضاع هیات مشترک سازمان ملل و سازمان کشورهای آمریکایی OAS یعنی هیات بین‌المللی غیرنظامی در هائیتی MICIVIH در ۱۹۹۳ برای نظارت بر رعایت حقوق بشر و تحقیق درباره موارد نقض آن مستقر شد.

شورای امنیت برای تشویق اعاده حکومت قانون در ۱۹۹۳ این کشور را تحریم نفتی و تسلیحاتی و در ۱۹۹۴ تحریم تجاری و متعاقباً با تاسیس نیروی چند ملیتی برای تسهیل بازگشت به حکومت دموکراتیک موافقت کرد. در حالی که این نیرو در آستانه مداخله بود، ایالات متحده و حاکمان نظامی برای اجتناب از خشونت بیشتر به توافق رسیدند و نیروی چند ملیتی تحت رهبری ایالات متحده به صورت مسالمت‌آمیز در این کشور مستقر شد. رئیس‌جمهور آریستید بازگشت و تحریم‌ها لغو شد. هیات حفظ صلح سازمان ملل در ۱۹۹۵ جای نیروی چند ملیتی را گرفت تا برای حفظ امنیت و ثبات و ایجاد نخستین پلیس ملی غیرنظامی به دولت کمک کند.

امادر شرایطی که هائیتی دو بیستمین سال استقلال خود را در اول ژانویه ۲۰۰۴ جشن می‌گرفت بن‌بست سیاسی شدیدی ثبات کشور را تهدید می‌کرد. درگیری‌های مرگبار بین شبه نظامیان طرفدار و مخالف دولت باعث افزایش خشونت‌ها شد و رئیس‌جمهور آریستید ۲۹ فوریه در میان گزارش‌ها دایر بر این که از مقام خود استعفا کرده، کشور را ترک کرد. استعفا نامه‌ای به شورای امنیت تسلیم شد.

شورای امنیت چند ساعت بعد، از طریق قطعنامه ۱۵۲۹ با استقرار سریع نیروی موقتی چند ملیتی (MIF) به درخواست کمک بونیفاس الکساندر، رئیس‌جمهور که تازه سوگند یاد کرده بود، موافقت کرد و استقرار نیرو به رهبری ایالات متحده بلافاصله در هائیتی شروع شد. شورای ۳۰ آوریل با تصویب قطعنامه ۱۵۴۲ هیات تثبیت ملل متحد در هائیتی MINUSTAH را تاسیس کرد تا از تداوم فرآیند سیاسی مسالمت‌آمیز و قانونی و در محیطی امن و با ثبات حمایت کند.

در مارس ۲۰۰۵ هنگامی که فرآیند ترخیص نیروها از سوی سازمان ملل آغاز شد ۳۲۵ عضو سابق نیروهای مسلح کشور سلاح‌های خود را بر زمین گذاشتند. تا اکتبر بیش از ۳ میلیون شهروند برای دادن رای ثبت‌نام کرده بودند. مردم از انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی ۷

فوریه ۲۰۰۶ به شدت استقبال کردند و رنه پروال رئیس‌جمهور پیشین را به عنوان رئیس‌جمهور جدید برگزیدند. در مرحله دوم انتخابات پارلمانی در آوریل، رای دهندگان ۲۷ سناتور و ۸۳ نماینده پارلمان را انتخاب کردند. پرزیدنت پروال در مه کارش را شروع کرد.

شورای امنیت در اوت ۲۰۰۶ ضمن تمدید ماموریت MINUSTAH از آن خواست برنامه خود را به کاهش فراگیر خشونت در این کشور تغییر دهد. او اواخر دسامبر صلح‌جبانان سازمان ملل و پلیس ملی هائیتی مرحله نخست مبارزه با اشرار مسلح را در پایتخت شروع و در پایان فوریه کامل کردند. تا ۲۷ مارس بیش از ۴۰۰ نفر تا پایان ژوئیه ۸۵۰ نفر از این افراد دستگیر شده بودند.

بان‌کی - مون دبیرکل در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با پرزیدنت پروال در اوت ۲۰۰۷ از هائیتی خواست دستاوردهای خود را در زمینه امنیت با تقویت حکومت قانون، اصلاح قوه قضاییه و مبارزه با فساد تحکیم بخشد.

شورای امنیت در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۷ ماموریت MINUSTAH را یک سال دیگر تمدید کرد. شورای امنیت این کار، جزء نظامی این هیات را کاهش و عنصر پلیس آن را برای تطبیق با شرایط متغیر افزایش داد. خشونت اشرار مسلح تا مدتی به حدی چشمگیر کاهش یافته بود اگرچه خطرناک آرامی مدنی - به علت ادامه شکاف عمیق اقتصادی اجتماعی - وجود داشت.

دشواری‌های هائیتی، فقیرترین کشور نیمکره غربی، را گرفتاری‌های اقتصادی و اجتماعی آن تشدید می‌کنند.

## آسیا و اقیانوس آرام

### خاورمیانه

سازمان ملل از نخستین روزهای حیات خود به مساله خاورمیانه پرداخته است. سازمان اصولی برای راه حل مسالمت‌آمیز تنظیم و هیات‌های حفظ صلح گوناگونی را به منطقه اعزام کرد و به حمایت از تلاش‌ها برای یافتن راه حلی عادلانه، پایدار و فراگیر برای مسائل سیاسی اصلی ادامه می‌دهد.

این مشکل، ریشه در موضوع موقعیت فلسطین دارد. فلسطین در ۱۹۴۷ سرزمینی بود که بر اساس حکمی از اتحادیه ملل به وسیله انگلیس اداره می‌شد و حدود ۲ میلیون نفر جمعیت داشت که دو سوم آن عرب و یک سوم یهودی بودند. مجمع عمومی در ۱۹۴۷ طرحی را تایید کرد که به وسیله کمیته ویژه ملل متحد درباره فلسطین برای تقسیم این سرزمین تهیه شده بود. در این طرح ایجاد کشور عرب و کشور یهودی، و قرار گرفتن بیت‌المقدس تحت نظارت بین‌المللی، پیش‌بینی شده بود. اعراب فلسطینی، کشورهای عرب و سایر کشورها این طرح را رد کردند.

انگلیس در ۱۴ مه ۱۹۴۸ از قیمومت خود دست کشید و آژانس یهودی، تشکیل کشور اسرائیل را اعلام کرد. اعراب فلسطینی، با کمک کشورهای عرب، روز بعد خصومت‌ها علیه کشور جدید را گشودند. خصومت‌ها با آتش بس به تقاضای شورای امنیت و نظارت میانجی منصوب مجمع عمومی، و با کمک گروهی ناظر نظامی که به سازمان نظارت بر آتش بس ملل متحد (UNTSO) موسوم شد - نخستین هیات ناظر ملل متحد - متوقف گردید.

برائین مناقشه حدود ۷۵۰,۰۰۰ عرب فلسطینی خانه و کار خود را از دست دادند و آواره شدند. مجمع عمومی برای کمک به آنان در ۱۹۴۹ کارگزاری امداد و کار ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک (UNRWA) را تاسیس کرد که از آن زمان از تامین کنندگان اصلی کمک و نیرویی برای ثبات در منطقه بوده است.

در حالی که این مناقشه حل نشده باقی مانده بود، جنگ‌های اعراب - اسرائیل در سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ تکرار و هر بار باعث شد کشورهای عضو خواهان میانجیگری سازمان ملل و اعزام هیات‌های حفظ صلح شوند. مناقشه ۱۹۵۶ به استقرار نخستین نیروی کامل حفظ صلح یعنی **نیروی اضطراری ملل متحد (UNEF I)** منجر شد که بر عقب‌نشینی نیروها نظارت و به صلح و ثبات کمک کرد.

جنگ ۱۹۶۷ نبرد بین اسرائیل و مصر، اردن و سوریه بود که طی آن اسرائیل شبه جزیره سینا، نوارغزه، ساحل غربی رود اردن، از جمله بیت‌المقدس شرقی و بخشی ارتفاعات جولان سوریه را اشغال کرد. شورای امنیت خواهان آتش بس شد و کمی‌بعد ناظران را برای نظارت بر آتش بس به بخش مصر - اسرائیل فرستاد.

شورا با **قطعنامه ۲۴۲ (۱۹۶۷)** اصولی را برای صلحی عادلانه و پایدار یعنی «عقب‌نشینی نیروهای مسلح اسرائیل از اراضی اشغالی مناقشه‌خیز» و «پایان دادن به همه ادعاها یا اظهارات خصومت‌آمیز، و احترام و پذیرش حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشور منطقه و حق آنها به زندگی در صلح در داخل مرزهای امن و شناخته شده، عاری از تهدیدها یا اقدام‌های مبتنی بر زور تعیین کرد». این قطعنامه همچنین نیاز برای «حل عادلانه مساله پناهندگان» را تایید نمود.

شورای امنیت پس از جنگ ۱۹۷۳ بین اسرائیل و مصر و سوریه قطعنامه ۳۳۸ (سال ۱۹۷۳) را تصویب کرد که بار دیگر اصول قطعنامه ۲۴۲ را تایید می‌کند و خواستار مذاکره به منظور رسیدن به «صلحی عادلانه و پایدار» است. این قطعنامه‌ها هنوز مبنای راه حلی کلی در خاورمیانه هستند.

شورای امنیت برای نظارت بر آتش بس ۱۹۷۳، دو نیروی حفظ صلح تشکیل داد. یکی از آنها، **نیروی ناظر جداسازی ملل متحد (UNDOF)** برای نظارت بر اجرای قرارداد جداسازی نیروها بین اسرائیل و سوریه، هنوز در ارتفاعات جولان مستقر است. عملیات دیگر «نیروی اضطراری دوم ملل متحد» در سینا بود.

مجمع عمومی بعدها خواهان تشکیل کنفرانسی بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل درباره خاورمیانه شد. در ۱۹۷۴ از سازمان آزادیبخش فلسطین دعوت کرد در فعالیت آن به عنوان ناظر شرکت کند و در ۱۹۷۵ **کمیته اعمال حقوق مسلم مردم فلسطین** را تشکیل داد، که همچنان به عنوان ارگان وابسته به مجمع عمومی برای پشتیبانی از حقوق مردم فلسطین و حل مسالمت‌آمیز مساله فلسطین تلاش می‌کند.

مذاکرات دو جانبه بین مصر و اسرائیل با میانجیگری ایالات متحده، به توافق‌های کمپ دیوید (۱۹۷۸) و پیمان صلح مصر - اسرائیل (۱۹۷۹) منتهی شد. اسرائیل از سینا عقب‌نشینی کرد که به مصر باز گردانده شد. اسرائیل و اردن نیز در ۱۹۹۴ پیمان صلح امضا کردند.

**لبنان.** لبنان از آوریل ۱۹۷۵ تا اکتبر ۱۹۹۰ گرفتار جنگ داخلی بود. اوائل این دوره جنوب لبنان صحنه خصومت بین گروه‌های فلسطینی از یک طرف، و نیروهای اسرائیلی و کمک‌های محلی لبنانی آن‌ها از طرف دیگر بود. پس از این که نیروهای اسرائیلی در ۱۹۷۸، به دنبال حمله کماندویی فلسطینیان در اسرائیل، به لبنان حمله کردند، شورای امنیت با تصویب قطعنامه‌های ۴۲۵ و ۴۲۶ از اسرائیل خواست عقب‌نشینی کند و **نیروی موقت ملل متحد در جنوب لبنان (UNIFIL)** را به وجود

آورد. این نیرو تشکیل شد تا عقب نشینی اسرائیل را تأیید، صلح و امنیت بین‌المللی را اعاده، و به لبنان در برقراری مجدد اقتدار آن در ناحیه کمک کند.

نیروهای اسرائیلی در ۱۹۸۲ پس از تبادل شدید آتش در جنوب لبنان و مرز اسرائیل- لبنان وارد لبنان شدند، به بیروت رسیدند و آن را محاصره کردند. اسرائیل در ۱۹۸۵ از بیشتر لبنان عقب‌نشینی اما کنترل نواری از خاک جنوب لبنان را حفظ کرد و نیروهای اسرائیلی و کمک‌های لبنانی محلی آنها باقی ماندند که قسمتی از آن با حوزه استقرار UNIFIL تداخل می‌یافت. خصومت‌ها بین گروه‌های لبنانی و نیروهای اسرائیلی و کمک‌های لبنانی آنها ادامه یافت.

نیروهای اسرائیلی در مه ۲۰۰۰ براساس قطعنامه ۱۹۷۸ شورای امنیت عقب‌نشینی کردند؛ دبیرکل در ژوئن تأیید کرد عقب‌نشینی کامل شده است. با خروج اسرائیل، شورا برنامه دبیرکل را برای یاری به لبنان به منظور برقراری مجدد اقتدار آن تصویب کرد. شورا متعاقباً از لبنان برای انجام اقداماتی جهت «تضمین اعاده اقتدار موثر آن» در سراسر جنوب این کشور تمجید کرد. با وجود این، اوضاع در طول «خط آبی» که عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان را مشخص می‌کرد، مخاطره‌آمیز باقی ماند. در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ که رفیق حریری نخست‌وزیر پیشین لبنان ترور شد، تنش‌ها افزایش یافت. شورای امنیت در نوامبر از تشکیل دادگاه ویژه برای محاکمه مسئولان این ترور حمایت کرد. سازمان ملل در آوریل عقب‌نشینی نیروها، دارایی‌های نظامی و پایان عملیات اطلاعاتی سوریه در لبنان را تأیید کرد. انتخابات پارلمانی در مه و ژوئن با کمک سازمان ملل انجام شد.

نقض شدید «خط آبی» در ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ ادامه یافت. نیروهای اسرائیلی به حریم هوایی لبنان، از جمله با پرواز بر فراز بیروت تجاوز کردند در حالی که حزب‌الله اقدام به حملات خمپاره‌ای، موشکی و راکتی به مواضع نیروی دفاعی اسرائیل در منطقه مزارع شبعا در جولان سوریه می‌کرد که اسرائیل از ۱۹۶۷ آنجا را اشغال کرده و حزب‌الله ادعا می‌کند خاک لبنان است.

در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ که مبارزان حزب‌الله دو سرباز اسرائیلی را دستگیر کردند، اسرائیل با حملات شدید هوایی جواب داد؛ حزب‌الله با حملات راکتی به شمال اسرائیل پاسخ داد. تا خاتمه درگیری‌ها حدود ۱۲۰۰ لبنانی - تقریباً همگی غیرنظامی - کشته و ۴۱۰۰ نفر مجروح و بیش از ۴۰ غیرنظامی و ۱۲۰ سرباز اسرائیلی کشته شدند. بیش از یک چهارم جمعیت لبنان مجبور به فرار از خانه‌های خود شدند. خسارات در لبنان حدود ۳/۶ میلیارد دلار برآورد شد که از جمله ۳۰ هزار خانه آسیب دیده یا ویران شدند.

جنگ در ۱۴ اوت ۲۰۰۶ براساس قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت خاتمه یافت. شورا خواهان توقف فوری خصومت‌ها و به دنبال آن استقرار نیروهای لبنان؛ افزایش چشمگیر حضور نیروهای حافظ صلح UNIFIL در جنوب لبنان؛ و عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل از همان منطقه شد. همزمان با اجرای تدریجی قطعنامه، مقادیر فراوان کمک‌سازمان ملل به لبنان سرازیر شد. در این حال برای نخستین بار طی سال‌ها کشورهای اروپایی بار دیگر به عملیات حفظ صلح سازمان ملل پیوستند و کلاه خود آبی‌هایی از ایتالیا، فرانسه، آلمان و اسپانیا به نیروهای حاضر از غنا، هند و اندونزی در لبنان پیوستند.

مشکل مهمی که UNIFIL با آن مواجه بود خطر مرگبار ناشی از بقایای فعال بمب‌های خوشه‌ای برای غیرنظامیان بود. حدود یک میلیون قطعه بمب منفجر نشده از جنگ ۳۴ روزه در جنوب



لبنان به جا مانده بود که تراکم آن از عراق و کوزوو بیشتر بود. فعالیت‌های مین‌روبی UNIFIL به قیمت از دست رفتن زندگی تعدادی از حافظان صلح تمام شده است.

UNIFIL تا مارس ۲۰۰۷ به حداکثر توان خود یعنی ۱۵ هزار نفر نزدیک شده بود و ۱۳ هزار سرباز و ملوان آن از ۳۰ کشور در دریا و خشکی لبنان فعالیت می‌کردند و مین‌یاب‌های آن بیش از ۲۵ هزار وسیله انفجاری را نابود کرده بودند. حافظان صلح UNIFIL در فعالیت‌های بشر دوستانه، از جمله پزشکی و دندانپزشکی نیز شرکت داشتند.

شورای امنیت در آوریل به علت نگرانی از موارد نقض گزارش شده تحریم تسلیحاتی خود از مرز لبنان - سوریه از دبیر کل خواست هیاتی مستقل برای ارزیابی نظارت بر مرز - که معلوم شد وجود ندارد - اعزام کند. دبیرکل برای کمک به بهبود اوضاع انجام اقداماتی را پیشنهاد کرد.

لبنان در ماه‌های پایانی ۲۰۰۷ با آنچه دبیرکل «بحران سیاسی ناتوان کننده» توصیف کرد مواجه شد. حوادث مشکل‌آفرین شامل: درگیری بین مبارزان فتح‌الاسلام و نیروهای امنیتی لبنان در یک اردوگاه آوارگان فلسطینی - بدترین درگیری داخلی از زمان پایان جنگ داخلی لبنان در ۱۹۹۰؛ چند انفجار در حوالی بیروت - از جمله انفجاری که یک نماینده پارلمان و ۹ لبنانی دیگر را کشت؛ و حمله با بمب به کاروان UNIFIL که شش حافظ صلح را به کشتن داد. راکت‌های کاتیوشا از جنوب لبنان به داخل اسرائیل شلیک و پروازهای چندگانه اسرائیل بر فراز خاک لبنان بر مبنایی تقریباً همه روزه انجام می‌شد.

دبیرکل در ژوئیه ۲۰۰۷ در گزارشی به شورای امنیت تاکید کرد در چند زمینه از جمله اجرای تحریم تسلیحاتی؛ آزادی سربازان ربوده شده اسرائیلی و زندانیان لبنانی؛ توقف تجاوزات هوایی اسرائیل؛ و موضوع حاکمیت بر مزارع شابا لازم است پیشرفت حاصل شود.

بر اساس قانون اساسی لبنان انتخابات ریاست جمهوری باید قبل از ۲۴ نوامبر، که دوره کار رئیس جمهور شاغل آن پایان می‌یافت، انجام می‌شد. متأسفانه، گروه‌های گوناگون سیاسی قادر نبودند به توافق برسند و این امر باعث شد کشور فاقد رئیس جمهور باشد. ([www.un.org/News](http://www.un.org/News))

**فرآیند صلح خاورمیانه.** قیام مردم فلسطین (انتفاضه) در ۱۹۸۷ در اراضی اشغالی ساحل غربی و نوار غزه، با تقاضای استقلال و حاکمیت ملی فلسطین آغاز شد. شورای ملی فلسطین در ۱۹۸۸ تشکیل کشور فلسطین را اعلام کرد که مجمع عمومی این اعلامیه را پذیرفت و تصمیم گرفت سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO - ساف) را به عنوان «فلسطین»، بدون ایجاد تغییری در موقعیت ناظر خود، معرفی کند.

در ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۳ پس از انجام گفت‌وگوها در مادرید و سپس مذاکرات با میانجیگری نروژ، اسرائیل و ساف یکدیگر را به رسمیت شناختند. سه روز بعد اسرائیل و ساف اعلامیه اصول درباره ترتیبات خودگردانی موقت را در واشنگتن دی سی امضا کردند

سازمان ملل نیروی ضربتی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی غزه و اریحا ایجاد و هماهنگ کننده‌ای ویژه برای یاری سازمان ملل منصوب کرد، که ماموریت او در ۱۹۹۹ تمدید شد تا یاری در زمینه میانجیگری در فرآیند صلح خاورمیانه را نیز شامل شود.

انتقال قدرت از اسرائیل به نهاد خودگردان فلسطین در نوار غزه و اریحا در ۱۹۹۴ آغاز شد.

اسرائیل و ساف در ۱۹۹۵ موافقت نامه ای را درباره خودگردانی فلسطینیان در ساحل غربی امضا و زمینه عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل و تسلیم اقتدار غیرنظامی به شورای منتخب فلسطینی آماده کردند. در ۱۹۹۶ یاسر عرفات به ریاست این نهاد انتخاب شد.

موافقت نامه ای موقت در ۱۹۹۹ به جابه‌جایی بیشتر نیروهای اسرائیلی از ساحل غربی، قراردادهایی درباره زندانیان، گشودن مسیر امن بین ساحل غربی و غزه، و از سرگیری مذاکرات درباره مسائل مربوط به موقعیت دائمی منتهی شد. اما مذاکرات سطح بالای صلح با میانجیگری ایالات متحده در ژوئیه ۲۰۰۰ در کمپ دیوید بدون نتیجه خاتمه یافت. مسائل حل نشده شامل موقعیت بیت‌المقدس، موضوع پناهندگان فلسطین، امنیت، مرزها و شهرک‌های اسرائیلی بود.

موج جدید اعتراض‌ها و خشونت در اراضی اشغالی فلسطین در سپتامبر شروع شد. شورای امنیت بارها خواهان خاتمه خشونت شد، و دورنمایی را تایید کرد که دو کشور یعنی اسرائیل و فلسطین در کنار هم در مرزهای امن و شناخته شده زندگی می‌کنند. اما بین اکتبر ۲۰۰۰ و ژانویه ۲۰۰۳ نزدیک به ۱۰ هزار نفر جان خود را در این مناقشه از دست دادند.

تلاش‌های بین‌المللی برای بازگرداندن دو طرف به میز مذاکره از طریق ساز و کار «چهارگانه» - متشکل از ایالات متحده، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و فدراسیون روسیه به نحو فزاینده‌ای انجام می‌شد. این چهار طرف آوریل ۲۰۰۳ «نقشه راه» را برای راه حل همیشگی دوکشوری ارائه دادند. طرحی با مراحل و مبنای مشخص، که خواهان انجام اقدامات موازی و متقابل از سوی دو طرف برای حل مناقشه تا ۲۰۰۵ بود. این برنامه حل جامع مناقشه خاورمیانه از جمله بحران‌های سوریه - اسرائیل، ولبنان - اسرائیل رانیز در نظر گرفته بود. شورا در قطعنامه ۱۵۱۵ (سال ۲۰۰۳) خود نقشه راه را تایید کرد و دو طرف آن را پذیرفتند.

با وجود این، نیمه آخر ۲۰۰۳ شاهد افزایش شدید خشونت بود. هماهنگ‌کننده ویژه سازمان ملل برای فرآیند صلح خاورمیانه گفت هیچ یک از طرفین فعالانه به علائق طرف دیگر توجه نکرده است: این علائق برای اسرائیل، امنیت و رهایی از حمله تروریستی؛ برای فلسطینیان کشوری ماندگار و مستقل بر مبنای مرزهای پیش از جنگ ۱۹۶۷ بود. بمب‌گذاری‌های انتحاری فلسطینیان ادامه یافت و اسرائیل با ساختن «حصار جداسازی» در کرانه غربی به فشار خود ادامه داد، اقدامی که کمی بعد بر اساس نظرمشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، در پاسخ به استفسار مجمع عمومی، مغایر با حقوق بین‌الملل اعلام شد.

آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل در فوریه ۲۰۰۴ اعلام کرد اسرائیل ارتش و شهرک نشین‌های خود را از نوار غزه خارج می‌کند، یاسر عرفات رئیس نهاد فلسطین در نوامبر ۲۰۰۴ درگذشت و محمود عباس در انتخاباتی که با حمایت فنی و تدارکاتی سازمان ملل انجام شد در ژانویه ۲۰۰۵ جای او را گرفت. نخست وزیر شارون و پریزیدنت عباس فوریه در مصردیدار و انجام اقداماتی را برای توقف خشونت اعلام کردند. آنان در ژوئن باردیگر در بیت‌المقدس دیدار کردند و عقب‌نشینی اسرائیل تا سپتامبر تکمیل شد. سرانجام پیشرفت واقعی در مسیر رسیدن به راه حل از طریق گفتگو ممکن به نظر می‌رسید تا این که دورویداد چشمگیر صحنه سیاسی را تغییر داد.

شارون در ۴ ژانویه ۲۰۰۶ بر اثر سکته‌ای شدید به اغما رفت و در انتخابات پارلمانی ۲۵ ژانویه مردم فلسطین با رای خود جناح مبارز حماس را به قدرت رساندند. با وجود درخواست‌های گروه چهارگانه و سایرین، حماس رسماً حق موجودیت اسرائیل را به رسمیت نشناخت.

دولت اسرائیل، به رهبری ایهود اولمرت - که در ۱۵ آوریل رسماً به نخست‌وزیری انتخاب شد - موضعی اتخاذ کرد که براساس آن کل نهاد فلسطینی، از جمله ریاست‌جمهوری، تمامی تروریستی به شمار می‌آمدند، و براین اساس از پرداخت درآمدهای مالیاتی فلسطینیان به آن امتناع کرد. به تدریج خشونت، از جمله پرتاب راکت از غزه به اسرائیل، و عملیات انتقامی عمده از طرف اسرائیل، تشدید شد.

اهدانندگان کمک‌های بین‌المللی تا وقتی که دولت تحت رهبری حماس متعهد به نفی خشونت، شناسایی حق موجودیت اسرائیل، و تبعیت از توافق‌نامه‌های امضاء شده پیشین نشد، از تامین مالی آن خود داری کردند. اوضاع بشردوستانه در کرانه غربی و غزه مدام بدتر شد. گروه چهارگانه در ماه مه ساز و کاری موقتی برای پرداخت کمک مستقیم به مردم فلسطین را تأیید کرد و در ژوئن خواهان حمایت بین‌المللی از پیشنهاد اتحادیه اروپا به این منظور شد.

پرزیدنت عباس در ۱۱ سپتامبر به دبیرکل سازمان اطلاع داد درباره تشکیل دولت وحدت - که برنامه PLO و همه توافق‌نامه‌هایی را که بیشتر منعقد کرده‌اند، می‌پذیرد - از نظر اصول با حماس توافق شده است. مذاکرات درباره دولت وحدت ملی در مارس ۲۰۰۷ تکمیل شد.

اما در مه درگیری‌های داخلی بین فلسطینیان - که طی آن مبارزان و اعضای نیروی اجرایی حماس بارها با نیروهای امنیتی نهاد فلسطینی و گروه‌های مسلح فتح درگیر شدند - ۶۸ کشته و بیش از ۲۰۰ مجروح به جای گذاشت. حملات راکتی از غزه به جنوب اسرائیل به نحو چشمگیری افزایش یافت و با حملات هوایی اسرائیل به مبارزان و تاسیسات آنان دنبال شد.

به دنبال درخواست جورج دبلیو. بوش رئیس‌جمهور ایالات متحده در ژوئیه ۲۰۰۷ برای تشکیل جلسه‌ای بین‌المللی درباره خاورمیانه، کنفرانسی از ۲۷ نوامبر در آنابولیس، مریلند تشکیل شد. تفاهمی مشترک بین اسرائیلی‌ها و فلسطینیان حاصل شد و طرفین توافق خود را با «شرکت در مذاکرات جدی، مستمر و مداوم» و انجام همه نوع تلاش برای انعقاد توافق‌نامه تا پیش از پایان ۲۰۰۸، ابراز کردند. به این منظور یک کمیته تدارکاتی برنامه کاری مشترکی تدوین کرد تا برای ایجاد گروه‌های مذاکره‌کننده و کار آنها نظارت و به همه مسائل رسیدگی شود. (برای تحولات بعدی به [www.un.org/News](http://www.un.org/News) نگاه کنید).

### افغانستان

جدیدترین فصل در مشارکت سازمان ملل در افغانستان به سپتامبر ۱۹۹۵ بر می‌گردد یعنی هنگامی که جناح طالبان در جنگ داخلی افغانستان، پس از اشغال بیشتر خاک کشور، کابل پایتخت آن را نیز تصرف کرد. رئیس‌جمهور برهان‌الدین ربانی گریخت و به «اتلاف شمال» پیوست، که فقط سرزمین‌هایی را در شمال کشور در اختیار داشت.

حملات تروریستی ۷ اوت ۱۹۹۸ با بمب به سفارتخانه‌های ایالات متحده در نایروبی، کنیا، و دارالسلام، تانزانیا، جان صدها نفر را گرفت. شورا با قطعنامه ۱۱۹۳ نگرانی خود را نسبت به ادامه حضور تروریست‌ها در افغانستان تکرار کرد و در قطعنامه ۱۲۱۴ مورخ ۸ دسامبر خواست طالبان پناه دادن و آموزش تروریست‌های بین‌المللی و سازمان‌های آنها را متوقف کند.

شورا، در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹، با اشاره به قصور طالبان در اجابت این تقاضا، تحریم‌های گسترده‌ای بر اساس مفاد اجرایی منشور ملل متحد وضع و در قطعنامه ۱۲۶۷ اعلام کرد ایالات متحده، اسامه بن‌لادن

را به اتهام انفجار سفارتخانه‌های خود تحت تعقیب قرار داده و تقاضا کرد جناح طالبان - که هرگز به عنوان دولت مشروع افغانستان به رسمیت شناخته نشد - او را برای محاکمه به مسئولان مربوطه تسلیم کند. شورا، در ۲۲ اکتبر درباره گزارش‌های مربوط به شرکت هزاران غیر افغان به طرفداری از طالبان در جنگ افغانستان، به شدت ابراز نگرانی کرد. شورا همچنین درباره جا به جایی اجباری غیرنظامیان، اعدام‌های سریع، بدرفتاری و بازداشت خودسرانه غیرنظامیان، خشونت علیه زنان و دختران، و بمباران کورکورانه، به شدت ابراز نگرانی کرد.

تعصب دینی طالبان نیز باعث محکومیت گسترده شد. آنان در مارس ۲۰۰۱ دو مجسمه بودا را که حدود ۱۳۰۰ سال پیش روی سنگ‌های دره بامیان ایجاد شده بودند، از جمله بزرگترین مجسمه بودا در جهان، منفجر کردند. فرمانی در ماه مه زنان هندو را موظف ساخت مانند هم‌تایان مسلمان خود چادر به سر کنند، و همه غیر مسلمانان موظف شدند برچسب‌های مشخص کننده هویت داشته باشند. هشت امدادگر بین‌المللی در اوت دستگیر و به اتهام «ترویج مسیحیت» محاکمه شدند.

محاکمه آنان روز ۱۱ سپتامبر در جریان بود که اعضای سازمان القاعده بن‌لادن چهار فروند هواپیمای جت تجاری را در ایالات متحده ربودند، دو فروند را به ساختمان مرکز تجارت جهانی در شهر نیویورک، یک فروند را به ساختمان پنتاگون در پایتخت آمریکا، و چهارمی را، که مسافران آن کوشیدند ربایندگان را متوقف کنند، به مزرعه‌ای در پنسیلوانیا کوبیدند. حدود ۳,۰۰۰ نفر کشته شدند. دولت آمریکا در روزهای پس از آن به طالبان هشدار داد: بن‌لادن را تسلیم و به عملیات تروریستی در افغانستان خاتمه دهید یا در انتظار حمله نظامی شدید باشید. طالبان امتناع کرد.

نیروهای ایالات متحده و انگلیس در ۷ اکتبر حملات موشکی به هدف‌های نظامی طالبان و اردوگاه‌های آموزشی بن‌لادن در افغانستان را آغاز کردند. پس از دو هفته بمباران، نیروهای زمینی آمریکا در افغانستان پیاده شدند. شبه نظامیان افغانی در دسامبر، با حمایت بمب افکن‌های آمریکایی حمله به مواضع اسامه بن‌لادن و نیروهای القاعده را در منطقه‌ای کوهستانی در تورابورا، در شرق افغانستان، نزدیک مرز پاکستان شروع کردند.

شورای امنیت، در هفته‌های پس از ۱۱ سپتامبر از تلاش‌های مردم افغانستان برای برکناری رژیم طالبان حمایت کرد. سازمان در همان حال به حمایت از گفتگو بین طرف‌های افغان به منظور تشکیل دولتی فراگیر و مورد حمایت مردم پشتیبانی می‌کرد. اجلاس رهبران سیاسی افغانستان که سازمان ملل در بن برگزار کرد در ۵ دسامبر با توافق درباره دولت موقت تا تشکیل دوباره نهادهای دولت دائمی پایان یافت. به عنوان گام نخست، نهاد موقت افغانستان تشکیل شد.

شورای امنیت در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ با قطعنامه ۱۳۸۶ با تشکیل نیروی بین‌المللی یاری امنیت **ISAF** موافقت کرد تا به نهاد موقت برای برقراری امنیت در کابل و نواحی اطراف آن کمک کند. حکومت رئیس‌جمهور ربانی که از شناسایی بین‌المللی برخوردار بود در ۲۲ دسامبر قدرت را به نهاد موقت جدید افغانستان، به ریاست حامد کرزای تسلیم کرد و نخستین سربازان **ISAF** مستقر شدند.

کنفرانس بین‌المللی درباره یاری بازسازی به افغانستان که در ژانویه ۲۰۰۲ در توکیو تشکیل شد بیش از ۴/۵ میلیارد دلار تعهد کمک به دست آورد. اعلام شد لویه جرگه اضطراری («شورای اعظم» به زبان پشتو) - مجمعی سنتی که در آن بزرگان قبایل دور هم می‌آیند تا مسائل را حل و فصل کنند - تشکیل خواهد شد تا رئیس کشور را برای اداره موقت و تعیین ساختار و پرسنل

مهم آن انتخاب کند. شورای امنیت، با استقبال از تغییرات مثبت در افغانستان در نتیجه فروپاشی طالبان، تحریم‌های خود را تعدیل کرد تا واقعیت‌های جدید را منعکس کند و القاعده و حامیان آن را هدف تحریم قرار دارد.

شورا در ۲۸ مارس هیات یاری ملل متحد در افغانستان (UNAMA) را تشکیل داد تا وظایفی را که براساس قرارداد بن به سازمان ملل محول شده بود، وظایفی در زمینه‌هایی مثل حقوق بشر، حکومت قانون و مسائل مربوط به جنسیت، انجام دهد. این هیات به ریاست نماینده ویژه دبیرکل، همچنین از آشتی ملی حمایت و همزمان، کلیه فعالیت‌های بشردوستانه سازمان ملل را در افغانستان با همکاری نهاد موقت و جانشینان آن اداره می‌کند.

شورادر ۲۳ مارس ۲۰۰۷ ماموریت UNAMA را یک سال دیگر با تصویب قطعنامه ۱۷۴۶ به اتفاق آراء، تمدید کرد.

فرآیند انتخاب اعضای لویه جرگه اضطراری، در آوریل ۲۰۰۲ شروع شد. شورای ۹ روزه در ۱۱ ژوئن به وسیله ظاهرشاه، پادشاه پیشین افغانستان افتتاح، و حامد کرزای را برای رهبری ملت نامزد کرد. کرزای در ۱۳ ژوئن به عنوان رئیس کشور افغانستان انتخاب شد تا دولت موقت را طی دو سال بعد رهبری کند. لویه جرگه موسسان در ۴ ژانویه ۲۰۰۴ درباره متنی به توافق رسید که به عنوان قانون اساسی افغانستان تصویب شد.

در ۹ اکتبر ۲۰۰۴ بیش از ۸ میلیون افغان - ۷۰ درصد از رای‌دهندگان ثبت نام شده، ۴۰ درصد از آنان زن - به مراجعه به مراکز رای‌گیری حامد کرزای را به عنوان نخستین رئیس‌جمهور منتخب کشور برگزیدند. مردم افغانستان در ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۵ برای انتخاب اعضای مجمع ملی و شوراهای موقتی خود، با وجود حملات مرگبار در جریان مبارزات انتخاباتی، رای دادند. پارلمان جدید در پایان دسامبر آغاز به کار کرد.

**کنترل مواد مخدر، بازسازی و توسعه.** افغانستان در اواخر دهه ۱۹۹۰ به عنوان منبع تولید نزدیک به ۸۰ درصد تریاک غیرقانونی جهان و منبع تولید هرویین، بدنام بود به گزارش دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل تا ۲۰۰۷ تجارت ۳ میلیارد دلاری تریاک این کشور بیش از ۹۰ درصد محصول غیرقانونی تریاک جهان را تشکیل می‌داد. کاشت تریاک بیشتر در جنوب متمرکز بود که طالبان در آنجا از تجارت مواد مخدر سود می‌برد. در مرکز و شمال که دولت اقتدار و حضور خود را افزایش داده بود، کشت تریاک رو به کاهش بود.

در ۳۱ ژانویه ۲۰۰۶، گروهی عالی‌رتبه در جلسه‌ای در لندن «موافقت‌نامه افغانستان» - دستور کاری پنج ساله برای تحکیم نهادهای دموکراسی، مهار ناامنی، کنترل تجارت مواد مخدر، به کار انداختن اقتصاد، اجرای قانون، ارائه خدمات اساسی به مردم افغانستان، و حمایت از حقوق بشر آنان - را آغاز کرد. شورای امنیت در ۱۵ فوریه به اتفاق آراء این موافقت‌نامه را به عنوان فراهم‌کننده مبنایی برای مشارکت بین دولت افغانستان و جامعه بین‌المللی تصویب کرد.

اما عدم وجود امنیت همچنان مانعی بزرگ برای توسعه بود. گزارشی از UNDP در ۲۰۰۷ نشان می‌دهد ۶ میلیون و ۶۰۰ هزار افغان - یک سوم جمعیت کشور - غذای کافی برای خوردن نداشتند و میزان مرگ و میر کودکان کمتر از پنج ساله و نسبت مادرانی که هنگام زایمان می‌مردند از جمله بالاترین‌ها در جهان بود.

**امنیت** . بیش از ۴۴۰۰ افغان، از جمله ۱۰۰۰ غیرنظامی، در خشونت‌های ضددولتی ۲۰۰۶ کشته شدند که دو برابر ۲۰۰۵ بود. در اواخر ۲۰۰۶ طالبان دست به خشونت‌هایی، بیشتر در جنوب، زد که شدیدترین خشونت‌ها از زمان سقوط آن در ۲۰۰۱ بود.

شورای امنیت در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۷ هنگام تصویب تمدید ماموریت ISAF برای یک سال دیگر، درباره افزایش خشونت و تروریسم ابراز نگرانی کرد. دبیرکل در بررسی این موقعیت گفت کلید حفظ دستاوردهای امنیتی در طولانی مدت در افزایش توانایی، استقلال و یکپارچگی نیروهای امنیت ملی افغانستان، و به ویژه پلیس ملی آن نهفته است.

## عراق

واکنش سازمان ملل به حمله ۱۹۹۰ عراق به کویت، و وضعیت پس از فروپاشی رژیم صدام حسین در ۲۰۰۳، وسعت چالش‌هایی را نشان می‌دهد که سازمان در تلاش برای اعاده صلح و امنیت بین‌المللی با آنها مواجه است.

شورای امنیت با قطعنامه‌های ۶۶۰ و ۶۶۱ مورخ ۶ و ۲ اوت ۱۹۹۰ بلافاصله حمله به کویت را محکوم کرد، خواستار عقب‌نشینی عراق و تحریم‌هایی از جمله تحریم تجاری و نفتی آن شد.

شورای امنیت در ۲۹ نوامبر، ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ را ضرب‌الاجل عراق برای پیروی از قطعنامه ۶۶۰ اعلام کرد و به کشورهای عضو اجازه داد از «همه وسایل لازم برای اعاده صلح و امنیت بین‌المللی استفاده کنند.» نیروهای چند ملیتی در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۱ با اجازه شورا، اما نه هدایت یا کنترل سازمان ملل، عملیات نظامی علیه عراق را آغاز کردند. این عملیات در ماه فوریه پس از خروج نیروهای عراقی از کویت متوقف شد. شورا با قطعنامه ۶۸۷ مورخ ۸ آوریل ۱۹۹۱ شرایط آتش‌بس را تعیین کرد.

شورا با تصمیم به این که سلاح‌های کشتار جمعی عراق باید نابود شوند **کمیسیون ویژه ملل متحد (UNSCOM)** را با اختیارات بازرسی بدون اطلاع قبلی برای خلع سلاح عراق تشکیل داد و اختیاراتی مشابه در زمینه کار تایید در حوزه سلاح‌های هسته‌ای، با کمک UNSCOM به **آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)** تفویض کرد. همچنین منطقه غیرنظامی در مرز عراق - کویت ایجاد کرد و برای نظارت بر این منطقه با قطعنامه ۶۸۹ **هیات نظارت عراق - کویت ملل متحد (UNIKOM)** را تشکیل داد.

شورا **کمیسیون تعیین مرز عراق - کویت** را ایجاد کرد که عراق تصمیم‌های مرزی آن را پذیرفت. شورا، همچنین **کمیسیون غرامت ملل متحد** را برای رسیدگی به ادعاها و دادن خسارت به دولت‌ها، افراد یا شرکت‌ها برای هر گونه خسارت یا زیان ناشی از حمله عراق به کویت، از درصدی از درآمدهای حاصل از فروش نفت عراق، تشکیل داد.

این کمیسیون تاکنون پرداخت ۵۲/۴ میلیارد دلار خسارت را تصویب کرده که ۲۲/۵ میلیارد دلار آن پرداخت شده است. در شرایطی که عراق به پرداخت ۵ درصد از درآمد نفت خود به «صندوق غرامت» ادامه می‌دهد، کمیسیون نیز به رسیدگی به پرداخت‌ها ادامه می‌دهد.

شورا به علت نگرانی از عوارض شدید تحریم‌های اقتصادی بر مردم عراق در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۵ برنامه «نفت برای غذا» را ایجاد کرد تا کمک‌هایی به مردم ارائه دهد. این برنامه که براساس قطعنامه ۹۸۶ شورا ایجاد شد بر فروش نفت از سوی دولت عراق برای خرید مواد غذایی و

انساندوستانه نظارت و توزیع مواد غذایی در کشور را اداره می‌کرد. برنامه فوق به عنوان تنها منبع بقای ۶۰ درصد از جمعیت ۲۷ میلیونی (تخمینی) عراق، خدمت کرد.

**UNSCOM** و **IAEA** در جریان بازرسی‌های خود مقدار زیادی از برنامه‌ها و توانایی‌های عراق را در زمینه سلاح‌های ممنوع شده هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی کشف و نابود کردند. عراق در ۱۹۹۸ از شوراخواست تحریم آن را لغوکنند زیرا دیگر سلاح غیرمجاز ندارد. در حالی که **UNSCOM** تاکید می‌کرد مدرکی ندارد که عراق قطعنامه ۶۸۷ را به طور کامل اجرا کرده باشد. عراق در اکتبر همکاری با هیات نظارت را، که آخرین ماموریت خود را در دسامبر انجام داد، قطع کرد. در همان ماه ایالات متحده و انگلیس حملات هوایی به عراق را آغاز کردند.

شورای امنیت با قطعنامه ۱۲۸۴ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۹ به جای **UNSCOM**، نهاد جدید: **کمیسیون نظارت، تایید و بازرسی ملل متحد (UNMOVIC)** را برای نظارت تاسیس کرد. شورای امنیت ابراز تمایل کرد، بسته به همکاری عراق با **UNMOVIC** و **IAEA** که هر ۱۲۰ روز مورد رسیدگی قرار می‌گرفت، تحریم اقتصادی آن را لغو کند.

شورا قطعنامه ۱۴۴۱ را در ۸ نوامبر ۲۰۰۲ تصویب کرد. این قطعنامه رژیم بازرسی بهتری را پیش‌بینی کرده و فرصتی نهایی برای متابعت از قطعنامه‌های شورای امنیت به عراق پیشنهاد می‌داد. بازرسان سازمان در ۲۷ نوامبر به عراق بازگشتند. هانس بلیکس رئیس اجرایی **UNMOVIC**، و محمد البرادعی مدیرکل **IAEA** بارها شورای امنیت را در جریان امور بازرسی تسلیحاتی عراق قرار دادند. اما شورا همچنان درباره چگونگی تضمین اجرای تعهدات عراق اختلاف داشت.

ایالات متحده، انگلیس و اسپانیا در شرایطی که مذاکرات ادامه داشت خارج از چارچوب شورای امنیت ۱۷ مارس ۲۰۰۳ را به عنوان آخرین فرصت خلع سلاح کامل عراق اعلام کردند. دبیرکل در مواجهه با احتمال روزافزون اقدام قریب الوقوع نظامی، به کارکنان بین‌المللی سازمان ملل در عراق دستور داد ۱۷ مارس خارج شوند. اقدام نظامی به وسیله ائتلافی به رهبری ایالات متحده و انگلیس سه روز بعد شروع شد.

شورای امنیت با قطعنامه ۱۴۸۳ پس از سقوط رژیم صدام بر حق مردم عراق برای تعیین آزادانه آینده سیاسی خود تاکید کرد. شورا اختیارات، مسئولیت‌ها و تعهدات ائتلاف («نهاد») را تشکیل دولت مورد تایید بین‌المللی به رسمیت شناخت و برنامه نفت برای غذا را اصلاح کرد و به آن اجازه داد تحویل غذا و امکانات پزشکی را از سر بگیرد.

شورا همچنین تحریم‌های بین‌المللی را لغو کرد و مبنایی حقوقی برای سازمان ملل فراهم ساخت تا فعالیت‌ها را در عراق از سر بگیرد.

**هیات یاری سازمان ملل.** دبیرکل در ۲۷ مه سر جیو ویرادملو را به عنوان نماینده ویژه خود برای عراق تعیین کرد. شورای امنیت با قطعنامه ۱۵۰۰ مورخ ۱۴ اوت هیات یاری سازمان ملل برای عراق (**UNAMI**) را تشکیل داد که ماموریت داشت کمک‌های بشردوستانه و بازسازی را هماهنگ و به فرآیند سیاسی برای ایجاد دولت مستقل عراق که از شناسایی بین‌المللی برخوردار باشد کمک کند. شورا از تشکیل شورای حاکم عراق به عنوان گامی مهم در آن جهت استقبال کرد.

مقر سازمان ملل در بغداد ۵ روز بعد یعنی در ۱۹ اوت ۲۰۰۳ هدف حمله‌ای تروریستی قرار گرفت که منجر به کشته شدن ۲۲ نفر و جراحت بیش از ۱۵۰ نفر دیگر شد. پانزده تن از کشته‌ها کارمند سازمان ملل، از جمله

سرجیو ویرادملو، رئیس هیات، بودند. به دنبال این حمله، دبیرکل بیشتر پرسنل بین‌المللی سازمان ملل را از بغداد خارج و فقط عده‌ای اندک را که بیشتر عراقی بودند، برای ارائه یاری‌های بشردوستانه ضروری - از جمله تحویل غذا، آب و مراقبت‌های بهداشتی در سطح کشور - در آنجا باقی گذاشت.

در ۱۶ اکتبر شورای امنیت با قطعنامه ۱۵۱۱ به نیروی چند ملیتی تحت فرماندهی واحد اجازه داد تمامی تدابیر لازم را برای کمک به حفظ امنیت و ثبات در عراق، و برای امنیت UNAMI و نهادهای حکومت موقت عراق به عمل آورد. شورای حاکم عراق و نهاد موقتی ائتلاف (CPA) در ۱۵ نوامبر درباره اعاده حاکمیت در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۰۴ به توافق رسیدند.

دبیرکل، به دنبال تقاضاهای شورای حاکم عراق و نهاد ائتلافی موقت CPA، برای کمک سازمان در امر انتقال حاکمیت، گروهی را برای کمک به انتخابات به عراق فرستاد تا ارزیابی کند برای انجام انتخابات معتبر تا ۳۱ ژانویه ۲۰۰۵ چه کاری باید انجام شود. او از اخضر ابراهیمی، مشاور ویژه خود در امور عراق، خواست در باره این ترتیبات با عراقی‌ها کار کند.

ابراهیمی در ۴ آوریل ۲۰۰۴ به عراق رسید و مشورت‌هایی گسترده را با طیفی وسیع از جامعه این کشور شروع کرد. شورای حاکم عراق در ۲۸ مه ایاد علاوی را برای نخست‌وزیری عراق نامزد کرد. شورای امنیت در ۸ ژوئن به اتفاق آرا با تصویب قطعنامه ۱۵۴۶ از تشکیل دولت موقت جدید حمایت کرد. حاکمیت، در ۲۸ ژوئن رسماً از CPA به دولت موقت جدید عراق انتقال داده شد.

در ۴ ژوئن کمیسیون مستقل انتخابات عراق تشکیل شد و با وجود وخامت شدید اوضاع امنیتی در مدت کمی بیشتر از ۱۸ ماه با حمایت سازمان ملل، دو انتخابات ملی و یک همه‌پرسی برای قانون اساسی برگزار کرد. در ۳۱ ژانویه ۲۰۰۵ میلیون‌ها عراقی در انتخابات مجمع ملی انتقالی شرکت کردند. با این حال عدم حضور تعداد زیادی از مردم جامعه سنی عراق باعث نگرانی بود.

مجمع ملی انتقالی نخستین جلسه خود را در ۱۶ مارس ۲۰۰۶ تشکیل داد. رئیس آن در ۳۱

#### نفت برای غذا: واقعیت و خیال

برنامه «نفت برای غذا» سازمان ملل از دسامبر ۱۹۹۵ تا نوامبر ۲۰۰۳ موفق به ارائه کمک‌های بشر دوستانه به حدود ۲۷ میلیون عراقی شد. این برنامه‌ای منحصر به فرد با ابعاد و پیچیدگی فراوان، تنها منبع معاش ۶۰ درصد مردم بود که مصرف کالری آنان را به شدت افزایش و میزان سوء تغذیه در کودکان کمتر از پنج سال در جنوب و مرکز عراق را بین ۱۹۹۶ و ۲۰۰۲ به نصف کاهش داد. شورای امنیت، که این برنامه را به وجود آورد، کمیته‌ای نیز برای نظارت بر همه قراردادهای اعطا شده براساس آن تشکیل داد.

هنگامی که اجرای این برنامه خاتمه یافت، مجموع درآمد حاصل از فروش نفت در محدوده آن، از جمله درآمد از سود و درآمدهای گردش پول به ۶۹/۵ میلیارد دلار بالغ شد. از این مبلغ ۴۷/۶ میلیارد دلار صرف هزینه فعالیت‌های بشر دوستانه شد و ۱۸ میلیارد دلار نیز به کمیسیون غرامت سازمان ملل داده شد تا به اشخاصی که در جریان حمله ۱۹۹۰ عراق به کویت خسارت دیده بودند، پرداخت شود. نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار صرف حمایت از فعالیت UNSCOM و UNMOVIC شد که بر سیستم‌ها و مواد تسلیحاتی عراق و نابود کردن همه اقلامی نظارت کردند که براساس توافق‌نامه آتش‌بس عراق - کویت ممنوع شده بود.

در ۲۰۰۴ شایعاتی دایر بر وجود فساد و سوءمدیریت در فعالیت‌های این برنامه انتشار یافت. در واکنش به این شایعات کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان Paul Volcker رئیس پیشین هیات مدیره بانک مرکزی ایالات متحده را برای ریاست کمیته تحقیق مستقل منصوب کرد. سایر اعضای این کمیته ریچارد گلدستون قاضی دیوانعالی آفریقای جنوبی و مارک پیث استاد حقوق کیفری از سوئیس بودند. وظیفه کمیته انجام تحقیقات کامل و مستقل بود و در اجرای این وظیفه از دسترسی بی‌سابقه و همکاری کامل سازمان برخوردار بود. کمیته در طول ۱۸ ماه فعالیت پنج گزارش موقت منتشر کرد که تصویری همه جانبه از برنامه، با تمرکز بر ناکامی‌های مدیریتی و نظارتی، ارائه



می‌داد. گزارش نهایی در اکتبر ۲۰۰۵ منتشر شد.

کمیته پی برد ۲۲۰۰ شرکت از حدود ۶۰ کشور در پرداخت‌های غیرقانونی خارج از چارچوب فعالیت ساز و کار نظارتی نفت برای غذا دست داشته‌اند. در مقایسه با ۱۴۷ هزار دلار سوءاستفاده یک مقام سازمان، مجموع «درآمدهای غیرقانونی» دولت عراق از اوت ۱۹۹۰ تا مارس ۲۰۰۳ مطابق برآورد سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) حدود ۱۰/۹ میلیارد دلار بود. حدود ۸ میلیارد دلار از این مبلغ از صادرات براساس تفاهم‌نامه‌های تجاری شناخته شده، و در بعضی موارد چشم‌پوشی شده، از سوی کشورهای عضو شورای امنیت، می‌آمد. میزان قاچاق - بیرون از چارچوب فعالیت ساز و کار نظارتی نفت برای غذا یا پیش از ایجاد آن - حدود ۱/۷۴ میلیارد دلار بود. در خصوص اداره این برنامه به وسیله دبیرخانه، کمیته به سوء مدیریت رئیس دفتر برنامه در عراق (OIP) پی برد. کمیته Volker اعلام کرد رئیس سابق OIP در دوره کار خود ۱۴۷ هزار دلار رشوه گرفته است، اتهامی که وی آن را رد کرد. با وجود این، دبیر کل بلافاصله مصونیت کیفری او را لغو کرد. کمیته همچنین به اتهامات دبیرکل رسیدگی کرد و به این نتیجه رسید که دبیرکل در تصمیمات مربوط به تهیه اقلام شرکت نداشته است. از زمان انتشار گزارش Volker برای تقویت رفتار اخلاقی، نظارت و پاسخگویی داخلی، وشفافیت، افشاکاری‌های مالی و محافظت از «افشاگران»، ابتکارهایی در زمینه اصلاح اجرا شده است.

مه رسماً خواستار حمایت سازمان ملل در امر تهیه پیش‌نویس و ایجاد اجماع درباره قانون اساسی جدید کشور شد. پیش‌نویس قانون اساسی عراق در ۱۵ اکتبر در همه‌پرسی سراسری به تصویب رسید و گرچه تعداد رای دهندگان زیاد بود اما بعضی از جوامع به شدت با آن مخالفت کردند. دبیر کل از مردم عراق به خاطر «شهامت باور نکردنی و شرکت گسترده در انتخابات، با وجود وضعیت نامساعد امنیتی» قدردانی کرد.

انتخابات پارلمانی عراق با شرکت میلیون‌ها رای‌دهنده از تمامی جوامع و صدها هزار ناظر، کارگزار و عوامل رای‌گیری در ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵ برگزار شد. تا ۸ ژانویه ۲۰۰۶ دولت جدید تشکیل شده بود. اشرف غازی نماینده ویژه دبیرکل، به مردم و دولت عراق وعده داد سازمان ملل در حمایت از آشتی و گفتگوی ملی کمک کند.

از جمله نخستین ابتکارهای دولت جدید انعقاد موافقت‌نامه بین‌المللی با عراق، به ریاست مشترک سازمان ملل و دولت عراق، با حمایت بانک جهانی بود. هدف موافقت‌نامه این بود طی پنج سال بعد جامعه بین‌المللی و سازمان‌های چند جانبه را برای کمک به عراق به منظور نیل به آرمان‌های ملی خود، براساس اولویت‌ها، معیارها و تعهدات مشترک به روشنی تعریف شده، دور هم گرد آورد.

با این حال، با وجود تحقق معیارها برای تغییر و تحولات سیاسی براساس قطعنامه ۱۵۴۶، بدتر شدن وضعیت امنیتی ادامه یافت. این امر را موج خشونت و انتقام‌جویی فرقه‌ای - که پس از انفجار حرم العسکریه در سامرا طی فوریه ۲۰۰۶ رخ داد - به نحو غم‌انگیزی نشان داد. تا اواخر ۲۰۰۷ حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار عراقی از کشور گریخته و نزدیک به ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در داخل آواره شده بودند.

در اجلاس ۴مه ۲۰۰۷ وزیران عراق و همسایگان آن در شرم‌الشیخ، مصر، شرکت‌کنندگان با ایجاد سه گروه کاری در زمینه مسائل مورد علاقه مشترک، از جمله انرژی، امنیت مرزی و پناهندگان و آوارگان توافق کردند. از سازمان خواسته شد برای این گروه‌های کاری کمک فنی و نظرکار شناسی ارائه دهد. در اجلاس وزیران در نوامبر ۲۰۰۷ در استانبول، شرکت‌کنندگان با ایجاد سازوکاری ویژه در بغداد برای هماهنگی و حمایت از فرآیند گفتگوی منطقه‌ای موافقت کردند. سازوکار پشتیبانی

تحت رهبری دولت عراق بوده وازیاری گسترده سازمان برخوردار خواهد بود. اگرچه وضعیت امنیت از اواسط ۲۰۰۷ بهتر شده غیرنظامیان، از جمله زنان و کودکان، همچنان قربانی اقدامات تروریستی، انفجار بمب‌های کنارجاده، تیراندازی از خودروهای در حال حرکت، آتشباری بین دسته‌های اشرار رقیب یا بین پلیس و شورشیان، آدم‌ربایی‌ها، عملیات نظامی، جنایت و بدرفتاری پلیس بوده‌اند. توقیف‌های دسته‌جمعی به وسیله نیروهای امنیتی عراق و نیروهای چندملیتی در جریان عملیات نظامی نیروهای چند ملیتی، منجر به بازداشت تعداد زیادی از مردم شده است. شرایط زندگی روزمره، با قطع متناوب آب و برق، سوءتغذیه مزمن کودکان، و بی‌سوادی بیشتر از همیشه جوانان، بسیار بد شده بود.

با این حال، طی ۲۰۰۷ تحولات مثبتی نیز رخ داد. در ۳ مارس اجرای «موافقت‌نامه بین‌المللی با عراق» با بیش از ۳۰ میلیارد دلار تعهد مالی ویژه برای برنامه پنج ساله صلح و توسعه عراق، از جمله تعهد کاهش بدهی، در اجتماع رهبران جهان در شرم‌الشیخ مصر، رسماً آغاز شد. شورای امنیت در ۱۰ اوت در قطعنامه ۱۷۷۰ به اتفاق آرا با تجدید و گسترش ماموریت UNAMI موافقت کرد و راه سازمان ملل را برای افزایش نقش خود در زمینه‌های حیاتی مانند آشتی ملی، گفتگوی منطقه‌ای، کمک‌های بشردوستانه و حقوق بشر هموار کرد. با وجود این، اوضاع امنیتی همچنان حضور سازمان ملل را در صحنه عراق محدود می‌کرد.

شورای امنیت، در ۲۹ ژوئن ۲۰۰۷، با ابراز تشکر از «مساعده‌های همه‌جانبه» UNMOVIC و IAEA رسماً به ماموریت‌های آنها در عراق پایان داد.

## هند - پاکستان

سازمان ملل برای حمایت از روابط هماهنگ بین هند و پاکستان که چند دهه بر اثر اختلاف بر سر کشمیر دچار مشکل بوده، تعهد فعالانه دارد. این موضوع به دهه ۱۹۴۰ بر می‌گردد که ایالت جامو و کشمیر، از ایالات شاهزاده نشین بود که بر اساس طرح تقسیم و قانون استقلال سال ۱۹۴۷ هند مختار بود تا به هند یا پاکستان بپیوندد. مهاراجه هندوی جامو و کشمیر که بیشتر مردم آن مسلمان بودند، سندالحاق ایالت خود را به هند امضا کرد.

شورای امنیت نخست در ۱۹۴۸، پس از شکایت هند از این که افراد قبایل و سایرین، با حمایت و مشارکت پاکستان، به جامو و کشمیر حمله کرده‌اند و جنگ جریان دارد، در این باره بحث کرد. پاکستان این اتهام‌ها را حاشا و الحاق جامو و کشمیر به هند را غیرقانونی اعلام کرد.

شورا تدابیری، از جمله استفاده از ناظران نظامی سازمان ملل، برای توقف جنگ پیشنهاد کرد و کمیسیون سازمان برای هند و پاکستان را تشکیل داد که پیشنهادهایی برای آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها ارائه داد و پیشنهاد کرد درباره این موضوع از طریق همه‌پرسی و مراجعه به آرای عمومی تصمیم گرفته شود. دو طرف پذیرفتند اما نتوانستند درباره روش اجرای همه‌پرسی توافق کنند. **گروه ناظر نظامی ملل متحد در هند و پاکستان (UNMOGIP)** از ۱۹۴۹ بر اساس قرارداد آتش‌بس که بین طرفین به امضا رسید بر خط آتش‌بس در جامو و کشمیر نظارت کرده است.

طرفین پس از امضای قراردادی در ۱۹۷۲ متعهد شدند اختلاف‌ها را با مسالمت حل کنند. اما

تنش ادامه یافت. امید شکستن این بن‌بست در آوریل ۲۰۰۳، به وجود آمد که نخست‌وزیر هند و رئیس‌جمهور پاکستان گام‌های متقابلی به منظور اصلاح روابط دو جانبه برداشتند. دبیرکل اظهار امیدواری کرد عادی‌سازی روابط دیپلماتیک و از سرگیری ارتباطها از طریق خط‌آهن، جاده و هوا، و سایر تدابیر در زمینه اعتماد سازی به از سرگیری گفت و گوهای مداوم منجر شود.

پاکستان پیشنهاد کرد از ۲۵ نوامبر، مصادف با شروع جشن عید فطر، در امتداد خط کنترل در جامو و کشمیر، یک جانبه آتش بس کند و هند پاسخ مثبت داد. این تدابیر در نهایت به دیدار روزهای ۴ و ۵ ژانویه ۲۰۰۴ بین اتال بیهاری و اجپایی نخست‌وزیر هند و پرویز مشرف رئیس‌جمهور و ظفرالله خان جمالی نخست‌وزیر پاکستان در اسلام‌آباد منتهی شد.

دبیر کل ضمن تحسین دو رهبر، افزود: وجود روابط بهتر بین دو کشور به مفهوم مزایای بسیار برای کل منطقه جنوب آسیا - نه فقط از نظر کاهش تنش‌ها بلکه از نظر شرایط اقتصادی و اجتماعی - خواهد بود. وی از دو طرف خواست به تلاش‌های خود در جهت ترویج گفتگوی مستمر و جدی ادامه دهند. و در آنچه او «اقدامی شجاعانه برای صلح و ایجاد فرصت برای همبستگی مجدد اعضای خانواده‌هایی خواند که نزدیک به ۶۰ سال از یکدیگر دور بوده‌اند»، در آوریل ۲۰۰۶ سرویس اتوبوسرانی در خط آتش بس آغاز به کار کرد.

حمله به «قطار دوستی» دهلی - لاهور ۶۷ کشته و نزدیک به ۲۰ مجروح در فوریه ۲۰۰۷ به جا گذاشت. دبیر کل در اعلامیه‌ای که شورای امنیت نیز آن را تکرار کرد، این انفجار تروریستی را به شدت محکوم کرد و خواستار محاکمه عاملان آن شد. وی از این که رهبران هندو پاکستان پس از انفجار فوق اراده خود را برای ادامه مسیر گفتگو تایید کرده بودند، نیز ابراز رضایت کرد.

### تاجیکستان

تاجیکستان پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در ۱۹۹۱ مستقل شد اما کمی بعد با بحران اجتماعی و اقتصادی، تنش‌های منطقه‌ای و سیاسی مواجه شد و اختلاف‌ها بین سکولارها و سنت‌گرایان طرفدار اسلام کشور را به دام جنگ داخلی با بیش از پنجاه هزار کشته انداخت. مذاکرات تحت نظر نماینده ویژه دبیرکل در ۱۹۹۴ به قرارداد آتش بس منجر شد؛ شورای امنیت هیات ناظران ملل متحد در تاجیکستان (UNMOT) را برای کمک به نظارت بر آتش بس تشکیل داد.

مذاکرات ۱۹۹۷ تحت نظارت سازمان ملل به موافقت نامه صلح منتهی شد. هیات ناظران، با همکاری نزدیک نیروی حفظ صلح کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS) و هیاتی از سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE)، به اجرای موافقت نامه صلح کمک کرد. نخستین انتخابات پارلمانی چند حزبی این کشور در فوریه ۲۰۰۰ برگزار شد UNMOT در ماه مه بیرون رفت و جای خود را به نهاد بسیار کوچکتر دفتر نهادینه‌سازی صلح سازمان ملل در تاجیکستان (UNTOP) داد که مأموریت آن کمک به تحکیم صلح و ترویج دموکراسی بود و کار خود را در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۷ تکمیل کرد.

حتی در شرایطی که پایان کار UNTOP به فصلی در کمک سیاسی سازمان به آسیای مرکزی پایان داد، فصلی جدید با افتتاح «مرکز منطقه‌ای سازمان ملل برای دیپلماسی بازدارنده برای آسیای مرکزی» در سامبر ۲۰۰۷ آغاز شد. این مرکز، مستقر در عشق‌آباد پایتخت ترکمنستان، جهت کمک به دولت‌های منطقه برای اداره مسالمت‌آمیز و مبتنی بر همکاری مجموعه‌ای از چالش‌ها و

تهدیدهای مشترک - از جمله تروریسم، قاچاق مواد مخدر، جرایم سازمان یافته و جلوگیری از نابودی محیط زیست تشکیل شد.

این مرکز، که نمایشگر و نتیجه چند سال مشورت بین سازمان و پنج کشور آسیای مرکزی است، کمک سازمان را در چند حوزه از جمله: ظرفیت سازی برای پیشگیری مسالمت آمیز از مناقشات؛ تسهیل گفتگو؛ و جلب حمایت بین المللی از طرح ها و ابتکارهای ویژه به دولت ها ارائه خواهد داد. مرکز فوق با برنامه ها و کارگزاری های موجود سازمان در آسیای مرکزی و سازمان های منطقه ای از نزدیک همکاری خواهد کرد.

### کامبوج

کامبوج پیش از اجرای موافقت نامه های صلح در ۱۹۹۱ پاریس که با میانجیگری سازمان ملل امضا شد در حالت مناقشه شدید داخلی و انزوای نسبی قرار داشت. این کشور از زمان رهایی از استعمار فرانسه در دهه ۱۹۵۰ از عوارض جنگ دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در ویتنام و سپس از مناقشات ویرانگر داخلی و رژیم به شدت استبدادی مخرب و کشتارگرپل پوت رنج برده است. در دوره حکومت رژیم «خمر سرخ» از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ نزدیک به دو میلیون نفر، بسیاری از آنان در "مزارع کشتار" کامبوج، بر اثر قتل، بیماری یا گرسنگی نابود شدند.

کامبوج در ۱۹۹۳ با کمک «نهاد انتقالی سازمان ملل در کامبوج (UNTAC)» نخستین انتخابات دموکراتیک خود را برگزار کرد. از آن زمان کارگزاری ها و برنامه های سازمان به دولت این کشور برای تقویت آشتی و توسعه کمک کرده اند و دفتر کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل و نماینده ویژه دبیرکل به آن یاری داده اند از این حقوق - بنیاد و اساس حکومت قانون و توسعه دموکراتیک - پشتیبانی و محافظت کند.

در مه ۲۰۰۳ با دولت توافق شد، با کمک سازمان ملل دادگاهی ویژه برای محاکمه جنایات ارتكابی در حکومت خمرهای سرخ تاسیس و اداره کند. قضات و دادستان های این دادگاه، که در ۲۹ آوریل ۲۰۰۵ تشکیل شد، در ژوئیه ۲۰۰۶ سوگند یاد کردند و تا ۱۳ ژوئن ۲۰۰۷ درباره مقررات داخلی آن به توافق رسیده بودند. «شعبه های فوق العاده در دادگاه های کامبوج»، که کار خود را در ژوئیه آغاز کردند، با صدور نخستین ادعانه ها برای جنایت علیه بشریت، عده ای از متهمان را در زندان های موقت بازداشت کردند. (به بخش مربوط به دادگاه های بین المللی در فصل ۶ نگاه کنید).

### میانمار

از زمانی که رهبری نظامی میانمار نتایج انتخابات دموکراتیک سال ۱۹۹۰ آن را باطل اعلام کرد سازمان ملل کوشیده است به بازگشت دموکراسی و بهبود وضعیت حقوق بشر در آن کشور از طریق فرآیند آشتی ملی فراگیر کمک کند. مجمع عمومی در ۱۹۹۳ ضمن تاکید بر ضرورت بازگشت سریع به دموکراسی، از دبیرکل خواست به دولت میانمار در آن فرآیند کمک کند. دبیرکل با استفاده از «میانجیگری و اعمال نفوذ شخصی خود» به این منظور سه فرستاده ویژه پی در پی برای گفتگو با همه طرف های مربوطه منصوب کرد.

مجمع عمومی از ۱۹۹۳ ماموریت میانجیگری و اعمال نفوذ شخصی دبیرکل راه رسال تمدید کرده و از طریق این ماموریت در صدد حمایت از پیشرفت در چهار زمینه اساسی زیر است: آزادی زندانیان سیاسی، ایجاد فرآیند سیاسی فراگیرتر، قطع خصومت ها در نواحی مرزی، و

محیطی توانمندسازتر برای ارائه کمک‌های بشر دوستانه.

پس از دوره‌ای طی سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۰۴ که بین سازمان ملل و دولت در سطح عالی گفتگو نمی‌شد، ماموریت دبیرکل در مه ۲۰۰۶ با دیدار ابراهیم گامباری معاون دبیرکل در امور سیاسی، از سر گرفته شد. شورای امنیت در سپتامبر رسیدگی به اوضاع میانمار را در دستور کار خود گنجانده و در نوامبر گمبری برای دومین بار به این کشور رفت.

دبیر کل در مه ۲۰۰۷ گامباری را به عنوان مشاور ویژه خود در امور میانمار منصوب کرد. ایجاد وضعیتی بحرانی در کشور منجر به سفر گامباری در سپتامبر و بار دیگر، به دعوت دولت، در نوامبر به میانمار شد.

او با رهبری عالی کشور و با خانم "داو اونگ سان سویوکی‌آی" رهبر مخالف بازداشت شده و سران حزب وی - اتحاد ملی برای دموکراسی (NLD) - ملاقات کرد. مشاور ویژه همچنین مشاوره‌هایی در سطح عالی با نمایندگان کشورهای عضو مهم ذینفع، از جمله در اروپا و آسیا انجام داد. در اعلامیه ریاست شورای امنیت در اکتبر «حمایت شدید و تزلزل ناپذیر» از ماموریت میانجیگری دبیرکل ابراز شد.

به موازات ماموریت میانجیگری دبیرکل، کمیسیون حقوق بشر در ۱۹۹۹ گزارشی ویژه را برای نظارت و دادن گزارش درباره اوضاع حقوق بشر در میانمار منصوب کرد که ماموریت وی متعاقباً از سوی شورای حقوق بشر تمدید شد. گزارشی ویژه آخرین بار به دعوت دولت در نوامبر ۲۰۰۷ به این کشور سفر کرد.

## نیپال

ده سال مناقشه مسلحانه در نیپال در نوامبر ۲۰۰۶ براساس شرایط توافق‌نامه صلح فراگیر پایان یافت که بین ائتلاف حاکم سیاسی و شورشیان مائوئیست به امضا رسید که از ۱۹۹۶ در مبارزه‌ای مسلحانه در این کشور جنوب آسیا درگیر بودند. این توافق‌نامه که شش ماه پس از جنبشی مردمی، که مائوئیست‌ها کمابیش در هماهنگی آن نقش داشتند، حاصل شد، به عمر پادشاهی خودکامه نیپال پایان داد. در میان این تغییرات فراگیر و نتایج آن سازمان ملل، به درخواست نیپال نقشی مهم در کمک به این کشور برای بهبود وضعیت حقوق بشر آن و تحکیم صلح ایفا کرده است.

فعالیت سازمان در نیپال از ۲۰۰۵، که کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان دفتری نسبتاً بزرگ در این کشور ایجاد کرده محسوس‌تر شد. این دفتر نقشی بزرگ در نظارت بر تعهدات حقوق بشر ذکر شده در آئین‌نامه آتش بس، همچنین مفاد مربوط به حقوق بشر توافق‌نامه صلح ایفا کرده است. دفتر فوق از طریق گزارش‌ها و اعلامیه‌های خود نقشی فعالانه در تشویق نیروهای امنیتی نیپال و مائوئیست‌ها برای خویشتنداری و اجتناب از هدف‌گیری عمدی غیرنظامیان بازی می‌کند.

سازمان چندسال است در تلاش‌های سیاسی برای پایان دادن به خصومت‌ها در نیپال و تشویق طرفین به رسیدن به راه حل سیاسی از طریق مذاکره شرکت داشته است. دبیرکل، در ژوئیه ۲۰۰۶ به درخواست دولت از سازمان، هیاتی رابرای ارزیابی مقدماتی به این کشور فرستاد.

دولت و مائوئیست‌ها در ماه اوت با ارسال نامه‌هایی مشابه برای دبیرکل خواستار کمک سازمان در موارد زیر شدند: نظارت بر اجرای آئین‌نامه آتش بس؛ نظارت بر انتخابات نمایندگان مجلس

موسسان؛ استقرار غیر نظامیان واجد شرایط برای نظارت و تأیید توقیف مبارزان مائوئیست و سلاح‌های آنان در نواحی پادگانی تعیین شده؛ و نظارت بر ارتش نپال برای تضمین این که در داخل سربازخانه‌های خود باقی بماند و از سلاح‌های آن استفاده نشود.

دبیرکل در اوت ۲۰۰۶ یان مارتین را به عنوان نماینده شخصی خود در نپال برای حمایت از فرآیند صلح منصوب کرد. مارتین و همکاران او در کمک به طرفین برای یافتن زمینه‌های مشترک در مسائل مهم، از جمله ترتیب برگزاری انتخابات مجلس موسسان، مدیریت سلاح‌ها و ارتش‌ها، و رسیدن به اجماع درباره نقش سازمان ملل در فرآیند صلح تأثیر حیاتی داشتند.

دولت در نوامبر تقاضای دوطرفه را برای طلب یاری از سازمان ملل تکرار کرد. دبیر کل از شورای امنیت خواست هیاتی فنی برای ارزیابی اوضاع به امید دستیابی به مفهومی کامل از عملیات به نپال بفرستد. چنین عملیاتی باید شامل یک هیات سیاسی سازمان برای تحویل کمک درخواستی طرفین، همچنین استقرار پیش‌هنگام ۳۵ ناظر غیرنظامی و ۲۵ مشاور انتخاباتی می‌بود. شورا در اول دسامبر از طریق اعلامیه ریاست این تقاضا را پذیرفت و در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۷ با تصویب قطعنامه ۱۷۴۰ هیات سازمان ملل در نپال (UNMIN) را ایجاد کرد. مارتین متعاقباً به عنوان نماینده ویژه دبیرکل منصوب شد.

UNMIN از زمان ایجاد در زمینه‌های متعددی فعال بوده است. ناظران تسلیحاتی آن بر ثبت نام و مشخصات مبارزان مائوئیست و سلاح‌های آنان، فرآیندی که می‌بایست تا پایان ۲۰۰۷ تکمیل شود، نظارت کرده‌اند. کارشناسان انتخاباتی UNMIN با ارائه حمایت فنی برای برنامه‌ریزی، تدارک و برگزاری انتخابات مجلس موسسان به کمیسیون انتخابات نپال کمک کرده‌اند. گروه کوچکی از ناظران انتخاباتی سازمان ملل، مستقل از UNMIN، در رسیدگی به همه جنبه‌های فنی فرآیند انتخابات و دادن گزارش درباره برگزاری انتخابات شرکت داشته‌اند. در این حال مسئولان امور مدنی UNMIN امکان مشارکت دادن اعضای جوامع خارج از کاتماندو، و کمک به ایجاد شرایط مناسب برای برگزاری انتخابات آرام را برای این هیات به وجود آورده‌اند.

نپال تا پایان ۲۰۰۷، با حمایت مداوم سازمان از فرآیند صلح آن، با وجود دشواری‌ها در اجرای جنبه‌هایی خاص از توافق‌نامه صلح فراگیر و دو بار تأخیر در برگزاری انتخابات مجلس موسسان در طول سالی که قرار بود انتخابات برگزار شود، در مسیر صلح قرار داشت.

### بوگین ویل / گینه جدید پاپوآ

دولت گینه جدید پاپوآ و رهبران بوگین ویل در اوایل ۱۹۹۸ پس از یک دهه مناقشه مسلحانه درباره موضوع استقلال برای جزیره بوگین ویل، قرارداد لینکلن را منعقد کردند، که چارچوب فرآیند صلح را به وجود آورد. بر اساس این موافقت‌نامه، گروه منطقه‌ای برای نظارت بر آتش بس، با ناظرانی از استرالیا، نیوزیلند، فیجی و وانواتو، به گروه نظارت بر صلح تغییر یافت.

بر اساس موافقت‌نامه لینکلن، دولت گینه جدید پاپوآ خواهان تأیید این قرارداد و همچنین انتصاب هیات ناظر کوچک سازمان ملل از طرف شورای امنیت بود و آن را به دست آورد. دفتر سیاسی ملل متحد در بوگین ویل (UNPOB)، نخستین هیات سیاسی سازمان ملل در جنوب اقیانوس آرام، در اول اوت ۱۹۹۸ فعالیت خود را آغاز کرد.

طرفین در پی بیش از دو سال مذاکره، با ریاست و کمک دفتر سیاسی، در ۳۰ اوت ۲۰۰۱ قرارداد صلح بوگین ویل را امضا کردند که برنامه تسلیم و انهدام سلاح‌ها، خود مختاری و انجام همه پرس‌پرسی را پیش‌بینی کرده بود. دفتر سیاسی، ریاست نظارت بر طرح تسلیم و انهدام سلاح‌ها را به عهده گرفت. تکمیل مرحله دوم این طرح، چنان که به تایید دفتر سیاسی رسید، راه را برای تهیه پیش‌نویس قانون اساسی بوگین ویل، همچنین تدارک برای انتخاب دولت خود مختار آن هموار کرد.

سازمان ملل در واکنش به افزایش ثبات در بوگین ویل، در اوت ژانویه ۲۰۰۴ UNPOB را با هیات کوچکتر هیات ناظر ملل متحد در بوگین ویل (UNOMB) جایگزین کرد.

انتخابات برای نخستین دولت خودمختار در استان بوگین ویل در گینه جدید پاپوا، از ۲۰ مه تا ۹ ژوئن ۲۰۰۵ برگزار شد. با سوگند دولت استانی خودمختار جدید این جزیره، از جمله رئیس جمهور و مجلس نمایندگان آن در ۱۵ ژوئن، کار UNOMB کامل شد.

جنگ در بوگین ویل کمتر مورد توجه قرار گرفته اما وحشیانه بوده و در طول سال‌های دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ جان حدود ۱۵ هزار نفر را گرفت. تلاش‌های سازمان که به نتیجه‌ای موفقیت‌آمیز منجر شد شامل مشارکت آن در مذاکرات، میانجیگری و تسهیل حل و فصل این مناقشه بود. سازمان همچنین وظیفه جمع‌آوری و نابودسازی حدود ۲۰۰۰ سلاح را به عهده گرفت، طرفین درگیر را تشویق کرد به ضرب‌الاجل‌های مورد توافق پیش از انتخابات وفادار بمانند و برگزاری انتخابات را تسهیل کرد.

### تی مور - لسته

سرزمین قبلاً وابسته تی مور شرقی در ۲۰ مه ۲۰۰۲ به دنبال مشارکت فعالانه سازمان ملل طی سال‌ها در مبارزه برای حق تعیین سرنوشت، استقلال خود را با نام تی مور - لسته اعلام کرد (به فصل ۷ نگاه کنید). مجلس موسسان آن متعاقباً به پارلمان ملی تبدیل و تی مور - لسته در ۲۷ سپتامبر صد و نود و یکمین کشور عضو سازمان ملل شد.

شورای امنیت پس از اعلام استقلال تی مور - لسته، در ۲۰ مه «هیات حمایت سازمان ملل در تی مور - لسته (UNMISSET) را ایجاد کرد تا به این کشور تازه تاسیس در ایجاد ساختارهای اداری اصلی، تامین نیروهای اجرای قانون و امنیت، ایجاد نیروی پلیس کشور، و مساعدت به حفظ امنیت داخلی و خارجی آن کمک کند. UNMISSET پس از انجام ماموریت خود در مه ۲۰۰۵ جایش را به «دفتر سازمان ملل در تی مور - لسته» (UNOTIL) داد که طی سال بعد برای حمایت از ایجاد موسسات حیاتی کشور، نیروی پلیس و واحد گشت مرزی، و ارائه آموزش حکومت دموکراتیک و رعایت حقوق بشر به فعالیت پرداخت.

با این حال، اخراج نزدیک به ۶۰۰ عضو نیروهای مسلح تی مور در مارس ۲۰۰۶، باعث بروز بحرانی خشونت‌آمیز شد که در مه به اوج رسید و تلفاتی به جای گذاشت. دولت برای تضمین امنیت اماکن و تاسیسات مهم خواهان استقرار پلیس بین‌المللی و کمک نظامی شد که شورای امنیت با آن موافقت کرد. دبیرکل فرستاده ویژه خود را برای کمک به حل بحران و یافتن راه حل سیاسی فرستاد. پس از مذاکرات طولانی بین عوامل سیاسی، دولت در ژوئیه تشکیل و مطابق قانون اساسی قرار شد انتخابات مه ۲۰۰۷ برگزار شود. شورای امنیت در ۲۵ اوت ۲۰۰۷ نهادی جدید و گسترده با نام «هیات منسجم سازمان ملل در

تی مور - لسته» (UNMIT) تشکیل داد تا از دولت در «تحکیم ثبات، ارتقای فرهنگ حکومت دموکراتیک، و تسهیل گفتگو بین عوامل ذینفع تی مور» حمایت به عمل آورد. از آن زمان ثبات در این کشور تا حد زیادی، حفظ و انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان در فضای امنیتی عموماً آرامی به ترتیب در ماه های مه و اوت ۲۰۰۷ برگزار شد.

## اروپا

### قبرس

**نیروی حفظ صلح ملل متحد در قبرس (UNFICYP)** برای جلوگیری از تکرار جنگ بین جوامع ترک و یونانی و کمک به حفظ و اعاده قانون و نظم و بازگشت به شرایط عادی در ۱۹۶۴ تشکیل شد.

کودتای یونانی های قبرس و عناصر یونانی طرفدار اتحاد قبرس با یونان در ۱۹۷۴، با مداخله نظامی ترکیه و تقسیم عملی این جزیره دنبال شد. نیروی حفظ صلح از ۱۹۷۴ بر آتش بسی عملی که از ۱۶ اوت ۱۹۷۴ به اجرا درآمد، نظارت و منطقه حائل را بین خطوط گارد ملی قبرس و نیروهای ترکیه و قبرسی های ترکیه حفظ کرده است. نیروی حفظ صلح، تا یافتن راه حل سیاسی به حضور در این جزیره ادامه می دهد.

دبیرکل در جست و جوی راه حلی فراگیر از نفوذ شخصی خود استفاده و مذاکرات همجواری بین دو رهبر را در سال های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ میزبانی کرده است. این مذاکرات با گفت و گوهای مستقیم و فشرده از ژانویه ۲۰۰۲ پیگیری شد. وی در ماه نوامبر پیشنهادی فراگیر به منظور کاهش اختلاف ها بین آنان ارائه داد. اما رسیدن به توافق بین طرفین برای ارائه پیشنهاد فوق به منظور همه پرسی در هر طرف جزیره به موقع ممکن نشد تا امکان امضای پیمان الحاق به اتحادیه اروپا (در ۱۶ آوریل) به وسیله قبرس متحد فراهم شود.

این مذاکرات در مارس ۲۰۰۳ متوقف شد. مسئولان قبرس ترکیه از آوریل شروع به گشودن نقاط عبور برای سفر قبرسی های یونانی به شمال و قبرسی های ترکیه به جنوب، برای نخستین بار در نزدیک به سه دهه، کردند. شورای امنیت، در شرایطی که مهندسان سازمان ملل برای اصلاح جاده ها کار می کردند، با افزایش پرسنل پلیس غیرنظامی نیروی حفظ صلح سازمان برای تضمین عبور امن و منظم مردم و وسایل نقلیه موافقت کرد. تا ۲ نوامبر حدود دومیلیون نفر از این مرزها عبور کرده بودند.

دبیرکل از ابتکار جدید استقبال اما تاکید کرد این کار نمی تواند جای راه حلی کامل را بگیرد. رهبران قسمت های یونانی و ترکیه ای قبرس - همراه با نمایندگان کشورهای تضمین کننده یعنی یونان، ترکیه و انگلیس - در ۱۰ فوریه ۲۰۰۴ مذاکرات را بر مبنای پیشنهاد های مشروح دبیرکل در نیویورک از سر گرفتند.

دبیرکل، پس از شش هفته مذاکره بی حاصل، قدم پیش گذاشت تا «راه حل جامع مساله قبرس» را - که خواهان ایجاد جمهوری متحد قبرس متشکل از یک کشور قبرسی یونانی و یک کشور قبرسی ترکیه ای است که به وسیله دولتی فدرال با هم مرتبط می شوند - تکمیل کند. در ۲۴ آوریل، ۷۶ درصد رای دهندگان در همه پرسی قبرس یونانی با این طرح مخالفت و ۶۵ درصد رای دهندگان در همه پرسی قبرس ترکیه ای از آن حمایت کردند.



این طرح، بدون تصویب دو جامعه، شکست خورد و قبرس در اول مه به عنوان جزیره‌ای تقسیم شده و نظامی شده وارد اتحادیه اروپا شد. در ۸ ژوئیه ۲۰۰۶ رهبران ترک و یونانی قبرس به اتفاق با معاون دبیرکل سازمان در امور سیاسی ملاقات کردند. رهبران در «مجموعه‌ای از اصول» و «تصمیمات دو رهبر» که حاصل این دیدار بود به وحدت قبرس بر مبنای یک فدراسیون دو منطقه‌ای و دو جامعه‌ای و برابری سیاسی، به گونه‌ای که در قطعنامه‌های شورای امنیت تعیین شده بود، و نسبت به فرآیندی برای دستیابی به این هدف متعهد شدند. آنان همچنین در ۵ سپتامبر ۲۰۰۷ در اقامتگاه رسمی نماینده ویژه دبیرکل در قبرس ملاقات و درباره ضرورت سرعت شروع این فرآیند توافق کردند. با این حال، این کار تا نوامبر ۲۰۰۷ هنوز شروع نشده بود.

### گرجستان

روابط بین آبخازها و گرجی‌ها دهه‌ها متشنج بوده است. تلاش‌های تازه مسئولان محلی در آبخازیا (منطقه شمال غربی گرجستان) در ۱۹۹۰ برای جدا شدن از گرجستان، که در ۱۹۹۱ مستقل شد، در ۱۹۹۲ به صورت مجموعه مناقشات مسلحانه، شدت یافت. صدها نفر مردند و حدود ۳۰,۰۰۰ نفر به فدراسیون روسیه گریختند. فرستاده دبیرکل، که در ۱۹۹۳ منصوب شد، اقدام به میانجیگری بین طرفین کرد و کمی بعد در همان سال موافقت نامه آتش بس منعقد شد.

شورای امنیت هیات ناظر ملل متحد در گرجستان (UNOMIG) را تشکیل داد تا اطاعت طرفین را تایید کند. اما درگیری از سر گرفته و به جنگ داخلی تبدیل شد. طرفین در ۱۹۹۴ طی دیداری در مسکو، درباره آتش بس جدید با نظارت نیروی حفظ صلح کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) به توافق رسیدند. هیات ناظر سازمان بر اجرای این قرارداد و عملیات این نیرو نظارت می‌کند.

نمایندگان ویژه متعدد دبیرکل در طول سال‌ها با طرفین مذاکره کرده و شورای امنیت بر ضرورت یافتن راه حلی جامع تاکید کرده است. اما موضوع سیاسی اصلی، یعنی موقعیت آینده آبخازیا در داخل کشور گرجستان، هنوز حل نشده است.

### منطقه بالکان

یوگسلاوی سابق. جمهوری فدرال یوگسلاوی از اعضای بنیانگذار سازمان ملل بود. دو جمهوری این فدراسیون یعنی اسلوونی و کرواسی در ۱۹۹۱ اعلام استقلال کردند. صرب‌های کرواسی با حمایت ارتش ملی با این اقدام مخالفت کردند و بین صربستان و کرواسی جنگ در گرفت. شورای امنیت در واکنش، یوگسلاوی را تحریم تسلیحاتی کرد و دبیرکل برای حمایت از تلاش‌های صلح جامعه اروپا، فرستاده‌ای شخصی منصوب کرد. شورای امنیت به منظور ایجاد شرایط برای حل بحران، در ۱۹۹۲ نیروی حفاظت ملل متحد (UNPROFOR) را، ابتدا در کرواسی، تشکیل داد. اما جنگ به بوسنی و هرزگوین، که اعلام استقلال کرده بودند - اقدامی که کروات‌ها و مسلمانان بوسنی از آن حمایت اما صرب‌های بوسنی با آن مخالفت کرده بودند - گسترش یافت. ارتش‌های صرب و کرواسی مداخله کردند و شورا، جمهوری فدرال یوگسلاوی را که در آن زمان متشکل از صربستان و مونته‌نگرو بود، تحریم اقتصادی کرد.

جنگ شدت یافت و بزرگترین بحران پناهندگان اروپا از زمان جنگ جهانی دوم به وجود آمد. شورای امنیت، در مقابل گزارش‌های گسترده درباره «پاکسازی قومی» در ۱۹۹۳ برای نخستین بار دادگاهی بین‌المللی برای تعقیب جنایات جنگی تشکیل داد. شورا همچنین مناطقی خاص را در تلاش

برای دور نگهداشتن و محافظت آنها از جنگ، «مناطق امن» اعلام کرد. نیروی حفاظت می‌کوشید از تحویل کمک‌های بشردوستانه به بوسنی، و از شهر سارایوو، پایتخت آن و سایر «مناطق امن» حمایت کند. اما در حالی که فرماندهان حفظ صلح تقاضای ۳۵,۰۰۰ سرباز داشتند شورای امنیت فقط با ۷,۶۰۰ سرباز موافقت کرد. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای جلوگیری از حملات مداوم به سارایوو، در ۱۹۹۴ به تقاضای دبیرکل با حملات هوایی موافقت کرد. نیروهای صرب بوسنی حدود ۴۰۰ ناظر نیروی حفاظت را بازداشت و از بعضی از آنان به عنوان «سپه‌های انسانی» استفاده کردند.

جنگ در ۱۹۹۵ گسترش یافت. کرواسی اقدام به حملات عمده به نواحی صرب‌نشین خود کرد. ناتو به بمباران سارایوو به وسیله صرب‌های بوسنی با حملات هوایی شدید پاسخ داد. نیروهای صرب بوسنی «مناطق امن» سربرنیتسا و زیپا را تصرف کردند. آنان حدود ۷,۰۰۰ مرد و پسر غیرمسلح را در بدترین قتل عام در اروپا از زمان جنگ جهانی دوم، در سربرنیتسا کشتند. دبیرکل در گزارشی در ۱۹۹۹ به اشتباهات سازمان ملل و کشورهای عضو در واکنش به مبارزه پاکسازی قومی که در سربرنیتسا به اوج رسید، اذعان کرد و گفت رنج این فاجعه «برای همیشه در تاریخ ما باقی خواهد ماند».

بین بوسنی و هرزگووین، کرواسی و یوگسلاوی در مذاکرات دیتون، اوهایو در ۱۹۹۵ توافق حاصل و به جنگ ۴۲ ماهه خاتمه داده شد. شورای امنیت برای تضمین متابعت طرفین، با تشکیل نیروی اجرایی چند ملیتی ۶۰,۰۰۰ نفری به رهبری ناتو موافقت کرد.

شورا، همچنین نیروی ضربت پلیس بین‌المللی سازمان ملل را تشکیل داد که کمی بعد بخشی از هیات **ملل متحد در بوسنی و هرزگووین (UNMIBH)** شدو بازگشت پناهندگان و آوارگان را تسهیل، صلح و امنیت را تقویت، و به ایجاد نهادهای کشوری کمک کرد. شورا در ۱۹۹۶ **هیات ناظران ملل متحد در پرولاکا (UNMOP)** را تشکیل داد تا بر غیرنظامی‌کردن شبه جزیره پرولاکا (Prevlaka) نظارت کند که منطقه‌ای حساس در کرواسی و مورد ادعای یوگسلاوی بود. هیات ملل متحد در بوسنی و هرزگووین و هیات ناظران ملل متحد در پرولاکا کار خود را در پایان ۲۰۰۲ تکمیل کردند.

**کوزوو**. جمهوری فدرال یوگسلاوی در ۱۹۸۹ خود مختاری محلی کوزوو را لغو کرد که استانی در یوگسلاوی جنوبی با اهمیت تاریخی برای صرب‌ها است و بیش از ۹۰ درصد مردم آن از قوم آلبانی هستند. آلبانیایی‌های کوزوو ضمن مخالفت با این تصمیم، در طلب حکومت بر خود، نهادها و اقتدار دولتی صربستان را تحریم کردند.

با شروع حملات ارتش آزادیبخش کوزوو (KLA)، که در ۱۹۹۶ با تقاضای شورش مسلحانه برای استقلال ایجاد شد، به مقام‌های صرب و آلبانیایی که با آنان همکاری می‌کردند، تنش‌ها افزایش یافت. مسئولان صرب با توقیف‌های دسته جمعی واکنش نشان دادند. حمله مارس ۱۹۹۸ پلیس صربستان به منطقه «درنیکا»، که در ظاهر در جست و جوی اعضای KLA بود، باعث جنگ شد. شورای امنیت، یوگسلاوی از جمله کوزوو را تحریم تسلیحاتی کرد اما اوضاع بدتر و جنگ علنی شد.

ناتو سپس در ۱۹۹۹، به دنبال هشدارها به یوگسلاوی، و با توجه به پیشینه تهاجم صرب‌ها به کوزوو، حملات هوایی به یوگسلاوی را شروع کرد. دبیرکل گفت غم‌انگیز است که دیپلماسی شکست خورده است. وی افزود اگر چه زمان‌هایی هست که «استفاده از زور در جست و جوی صلح ممکن است مشروع باشد»، شورای امنیت باید در اتخاذ تمامی این گونه تصمیم‌ها شرکت داشته باشد.

یوگسلاوی دست به تهاجمی بزرگ علیه ارتش آزادیبخش کوزوو زد و اخراج دسته جمعی آلبانیایی تبارها را از کوزوو آغاز کرد که موجب پناهندگی بی سابقه ۸۵۰,۰۰۰ نفر شد. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR) و سایر کارگزاری‌های بشردوستانه برای کمک به آنان به آلبانی و جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق رفتند.

یوگسلاوی در ژوئن طرح صلح پیشنهادی گروه هشت (هفت کشور صنعتی غربی و روسیه) را پذیرفت. شورای امنیت آن را تایید و به کشورهای عضو اجازه داد برای جلوگیری از خصومت‌ها، غیرنظامی‌کردن KLA و تسهیل بازگشت پناهندگان، نیرویی امنیتی تشکیل دهند. شورا همچنین از دیرکل خواست حکومت غیرنظامی موقتی بین‌المللی ایجاد کند که مردم بر اساس آن بتوانند از خودمختاری و استقلال برخوردار شوند. نیروهای یوگسلاوی عقب‌نشینی کردند، ناتو بمباران‌ها را متوقف کرد، و نیروی ۵۰,۰۰۰ نفری چند ملیتی موسوم به نیروی کوزوو (KFOR) برای تامین امنیت وارد شد.

هیات حکومت موقت ملل متحد در کوزوو (UNMIK) بلافاصله در محل مستقر شد. مأموریت این هیات از نظر پیچیدگی و دامنه بی سابقه بود. شورای امنیت، حاکمیت بر سرزمین و مردم کوزوو، از جمله کلیه اختیارات قانونگذاری و مجریه، و اداره قوه قضاییه را به UNMIK تفویض کرد.

دست کم ۸۴۱,۰۰۰ نفر پناهنده از حدود ۸۵۰,۰۰۰ نفری که در طول جنگ فرار کردند، بازگشتند و اولویت نخست مجهز کردن آنان برای دشواری‌های زمستان بعدی بود. UNMIK با انجام این کار به پیشرفتی چشمگیر در مسیر عادی‌سازی زندگی و تضمین بازسازی اقتصادی طولانی مدت، نائل آمد. KLA تا سپتامبر ۱۹۹۹ به طور کامل غیرنظامی و اعضای آن در جامعه مدنی ادغام شدند. یک کمیته مشترک در ماه‌های بعد بازگشت حدود ۲۱۰,۰۰۰ شهروند غیر آلبانیایی کوزوو را که از کوزوو عازم صربستان و مونته‌نگرو شده بودند، تسهیل کرد.

اقلیت‌های غیر آلبانیایی بازمانده در مناطق جدانشده، تحت حمایت نیروی کوزوو زندگی می‌کردند. دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در آوریل ۲۰۰۱ علیه اسلوبودان میلوسویچ رئیس جمهور یوگسلاوی سابق و چهار نفر دیگر برای ارتکاب جنایت علیه بشریت، در جریان «حملة ای فراگیر علیه جمعیت غیرنظامی آلبانی تبار کوزوو»، کیفرخواست صادر کرد.

هنگامی که وکلای مدافع پاسخ خود را تقریباً کامل کرده بودند، میلوسویچ در ۱۱ مارس ۲۰۰۶ به دلایل طبیعی در زندان درگذشت. او با ۶۶ اتهام برای کشتار جمعی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی در کرواسی، بوسنی و هرزگوین و کوزوو مواجه بود.

شورای امنیت در سپتامبر ۲۰۰۱ تحریم تسلیحاتی خود را لغو کرد. در نوامبر پارلمان کوزوو با ۱۲۰ عضو تشکیل شد که نخستین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر این استان را انتخاب کرد. UNMIK در دسامبر انتقال مسئولیت‌های ویژه به موسسات موقتی محلی را تکمیل کرد اگر چه کنترل بر امنیت، روابط خارجی، محافظت از حقوق اقلیت‌ها، و انرژی را - تا تعیین وضعیت نهایی این استان - حفظ کرد.

فرستاده ویژه دبیر کل، مارتی اتیساری، رئیس‌جمهور پیشین فنلاند، طی ۲۰۰۶ چهار دور مذاکره مستقیم بین طرفین و نخستین دیدار سطح بالا بین رهبران عالی صرب و کوزوو را ترتیب داد، اما اختلافات صربستان و دولت آلبانی تبار کوزوو کاملاً بر جا ماند. اودر فوریه ۲۰۰۷ برنامه خود را برای وضعیت نهایی به عنوان «پیشنهاد سازش» ارائه داد اما طرفین با آن موافقت نکردند. وی متعاقباً گزارش داد تنها راه حل

پایدار برای کوزوو استقلال است - که صرب‌ها همواره با آن مخالفت کرده‌اند.  
دبیرکل در اوت ۲۰۰۷ از توافق برای رهبری گروه سه جانبه (اتحادیه اروپا، روسیه و ایالات  
متحده) در مذاکرات بیشتر درباره وضعیت آتی کوزوو استقبال کرد [www.unmikonline.org](http://www.unmikonline.org).

## خلع سلاح

<http://disarmament.un.org>

از زمان تاسیس سازمان ملل، هدف‌های چند جانبه خلع سلاح و محدود کردن تسلیحات از  
تلاش‌های اصلی آن برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوده است. این سازمان بیشترین اولویت را  
برای کاهش، و در نهایت حذف سلاح‌های هسته‌ای، نابود کردن سلاح‌های شیمیایی و تقویت  
ممنوعیت سلاح‌های میکربی - که کلیه آنها بزرگترین تهدید برای بشر به شمار می‌روند - قائل شده  
است. در حالی که این هدف‌ها در طول سال‌ها ثابت مانده‌اند، دامنه مشورت‌ها و مذاکرات در شرایطی  
که واقعیات سیاسی و موقعیت و شرایط بین‌المللی متحول می‌شوند، در حال تغییر است.

جامعه بین‌المللی اینک در حال رسیدگی از نزدیک تر به تکثیر بیش از حد و بی‌ثبات کننده  
سلاح‌های کوچک و اسلحه سبک است و برای مبارزه با کار گذاشتن فراوان مین‌های زمینی، یعنی  
پدیده‌هایی که بافت اقتصادی و اجتماعی جوامع را تهدید می‌کند و غیرنظامیان را، که بسیاری از آنان  
زن و کودک هستند، می‌کشند و ناقص می‌کنند، تدارک دیده است. نیاز برای تعیین ضوابطی بر اساس  
مذاکرات چند جانبه علیه گسترش فن‌آوری موشک‌های بالستیک، بقایای انفجاری جنگ، و تاثیر  
فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی بر امنیت بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

رویدادهای غم‌انگیز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده، و حملات تروریستی بعدی در چند  
کشور خطر بالقوه قرار گرفتن سلاح‌های کشتار جمعی در دست عوامل غیردولتی را نشان داد. این حملات، اگر  
تروریست‌ها توانسته بودند به سلاح‌های شیمیایی، میکربی یا هسته‌ای دست بیابند و از آنها استفاده  
کنند، می‌توانست حتی عواقب نابودکننده‌تر داشته باشد. مجمع عمومی با اندیشه درباره این نگرانی‌ها،  
در پنجاه و هفتمین اجلاس خود در ۲۰۰۲ برای نخستین بار قطعنامه‌ای درباره تدابیر جلوگیری از  
دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی و وسایل و ابزارهای استفاده از آنها تصویب کرد.  
شورای امنیت در ۲۰۰۴ نخستین تصمیم رسمی خود را درباره خطر تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، به  
ویژه به وسیله عواملی غیر از کشورها، اتخاذ کرد. شورا، در اقدام براساس مفاد اجرایی منشور ملل متحد، با  
تصویب قطعنامه ۱۵۴۰ به اتفاق آراء، کشورها را موظف کرد از هرگونه پشتیبانی از عواملی غیر از کشورها  
در زمینه ساخت، اکتساب، تولید، تملک، حمل و نقل، انتقال یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و  
میکربی و وسایل پرتاب آنها امتناع کنند. این قطعنامه تعهداتی فراگیر برای همه کشورها ایجاد می‌کند تا  
مقرراتی داخلی برای پیشگیری از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکربی و امکانات پرتاب آنها، از  
جمله با ایجاد کنترل‌های مناسب بر مواد و مصالح مربوطه وضع کنند.

مجمع عمومی متعاقباً «کنوانسیون بین‌المللی برای جلوگیری از اقدامات تروریسم هسته‌ای» را  
تصویب کرد که در سپتامبر ۲۰۰۵ برای امضا گشوده شد.

سازمان ملل علاوه بر نقش خود در خلع سلاح عملی و تایید پیروی از آن، نقشی اساسی در  
خلع سلاح چند جانبه از طریق کمک به کشورهای عضو در ایجاد معیارهای جدید و تقویت و

تحکیم قراردادهای موجود ایفا می‌کند. یکی از موثرترین وسایل جلوگیری از استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های کشتار همگانی به وسیله تروریست‌ها، تقویت رژیم‌های چند جانبه است که برای ممنوع کردن این سلاح‌ها و جلوگیری از تکثیر آنها تدوین شده است.

### تشکیلات خلع سلاح

منشور ملل متحد مسئولیت اصلی رسیدگی به «اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از جمله اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات» را به مجمع عمومی می‌دهد (ماده ۱۱). مجمع دو نهاد فرعی برای رسیدگی به مسائل خلع سلاح دارد: کمیته نخست (خلع سلاح و امنیت بین‌المللی)، که در جریان اجلاس عادی مجمع تشکیل جلسه می‌دهد و به همه مسائل خلع سلاح در دستور کار خود رسیدگی می‌کند؛ و کمیسیون خلع سلاح، نهادی تخصصی مشورتی که بر مسائل ویژه تمرکز می‌کند و هر سال سه هفته تشکیل جلسه می‌دهد.

**کنفرانس خلع سلاح** تنها مجمع برای مذاکرات چند جانبه جامعه بین‌المللی برای قراردادهای خلع سلاح است. این کنفرانس با موفقیت درباره کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و معاهده جامع ممنوعیت آزمایش هسته‌ای مذاکره کرد. چون کنفرانس به مسائلی رسیدگی می‌کند که با منافع امنیت ملی کشورها ارتباط پیدا

#### موافقت نامه‌های چندجانبه خلع سلاح و نظارت بر تسلیحات

گاه شمار مقررات مهم بین‌المللی مربوط به خلع سلاح و نظارت بر تسلیحات که از طریق مذاکره در مجامع چند جانبه و منطقه‌ای منعقد شده عبارتند از:

- معاهده ۱۹۵۹ قطب جنوب: این قاره را غیرنظامی می‌کند و آزمایش هر نوع سلاح را در قطب ممنوع می‌کند.
- معاهده ۱۹۶۳ ممنوعیت آزمایش‌های سلاح هسته‌ای در جو زمین، ماورای جو و زیر آب (معاهده ممنوعیت نسبی آزمایش‌ها): آزمایش‌های هسته‌ای را فقط به محل‌های زیر زمینی محدود می‌کند.
- معاهده ۱۹۶۷ برای ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای در امریکای لاتین و کارائیب (معاهده Tlatelolco): آزمایش، استفاده، تولید، ذخیره‌سازی، یا به دست آوردن سلاح‌های هسته‌ای به وسیله کشورهای منطقه را ممنوع می‌کند.
- معاهده ۱۹۶۷ درباره اصول حاکم بر فعالیت‌های کشورها در اکتشاف و استفاده از ماورای جو، از جمله کوه‌ماه و سایر کرات آسمانی (معاهده فضای ماورای جو): مقرر می‌دارد از فضای ماورای جو فقط برای مقاصد مسالمت‌آمیز استفاده شود و سلاح‌های هسته‌ای در ماورای جو قرارداد یا آزمایش نشوند.
- معاهده ۱۹۶۸ درباره عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای (NPT): کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای موافقت می‌کنند هرگز به سلاح‌های هسته‌ای دست نیابند و، در مقابل، به آنان وعده دسترسی به انرژی هسته‌ای و کمک برای استفاده‌های مسالمت‌آمیز از انرژی هسته‌ای داده می‌شود. کشورهای دارای سلاح هسته‌ای قول می‌دهند درباره قطع مسابقه سلاح‌های هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای مذاکره کنند و به هیچ طریق به انتقال سلاح‌های هسته‌ای به کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای کمک نکنند.
- معاهده ۱۹۷۱ درباره ممنوعیت استقرار سلاح‌های هسته‌ای در بستر دریا و اقیانوس و زیر خاک (معاهده بستر دریا): استقرار سلاح‌های هسته‌ای، یا هر سلاح کشتار جمعی در بستر دریا یا کف اقیانوس را ممنوع می‌کند.
- کنوانسیون ۱۹۷۲ درباره سلاح‌های میکروبی: ساخت، تولید و ذخیره‌سازی عناصر میکروبی و سمی را ممنوع می‌کند و نابودی چنین سلاح‌ها و وسایل استفاده از آنها را در نظر گرفته است.
- کنوانسیون ۱۹۸۰ درباره بعضی از سلاح‌های هسته‌ای (CCWC): بعضی از سلاح‌های هسته‌ای را که به شدت زیانبار باشند یا تأثیرهای گسترده و همگانی داشته باشند، ممنوع می‌کند. پروتکل اول، سلاح‌هایی را ممنوع می‌کند که بر اثر انفجار آنها قطعاتی ایجاد می‌شوند که با اشعه ایکس در داخل بدن انسان قابل تشخیص نیستند. پروتکل دوم الحاقی (۱۹۹۵)، استفاده از بعضی از انواع مین، تله‌های انفجاری، و سایر وسایل، پروتکل سوم، سلاح‌های آتش‌زا، و پروتکل چهارم استفاده از سلاح‌های لیزری کور کننده را ممنوع می‌کند.
- معاهده ۱۹۸۵ منطقه عاری از سلاح هسته‌ای اقیانوس آرام جنوبی (معاهده را روتونگا): استقرار، اکتساب یا آزمایش

- وسایل انفجاری هسته‌ای و دفن پسماندهای هسته‌ای در این منطقه را ممنوع می‌کند.
- معاهده ۱۹۹۰ درباره نیروهای مسلح سستی در اروپا (CFE): تعداد تسلیحات سستی گوناگون در منطقه اقیانوس اطلس تا اورال را محدود می‌کند.
  - معاهده آسمان‌های باز ۱۹۹۲: کشورهای طرف را قادر می‌سازد، بر مبنای اصول همکاری و صداقت از فراز سرزمین‌های یکدیگر پرواز و نظارت کنند. برای تأیید چند توافق‌نامه کنترل سلاح‌ها و برای سایر ساز و کارهای نظارتی از آن استفاده شده است.
  - کنوانسیون ۱۹۹۳ سلاح‌های شیمیایی (CWC): ساخت، تولید، ذخیره‌سازی و استفاده از سلاح‌های شیمیایی را ممنوع و نابودی آنها را ایجاب می‌کند.
  - معاهده ۱۹۹۵ منطقه عاری از سلاح هسته‌ای جنوب شرقی آسیا (معاهده بانکوک): ساخت یا استقرار سلاح‌های هسته‌ای را در سرزمین‌های کشورهای عضو این معاهده ممنوع می‌کند.
  - معاهده ۱۹۹۶ منطقه عاری از سلاح هسته‌ای آفریقا (معاهده پلین دابا): ساخت یا استقرار سلاح‌های هسته‌ای را در قاره آفریقا ممنوع می‌کند.
  - معاهده ۱۹۹۶ فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای (CTBT): هر نوع آزمایش انفجارهای هسته‌ای را در هر محیطی در سراسر جهان ممنوع می‌کند.
  - کنوانسیون ۱۹۹۷ ممنوعیت مین: استفاده، ذخیره سازی، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر را ممنوع می‌کند و نابودی آنها را در نظر می‌گیرد.
  - کنوانسیون بین‌المللی برای جلوگیری از اقدامات تروریسم هسته‌ای (کنوانسیون تروریسم هسته‌ای) ۲۰۰۵: اقدامات ویژه تروریسم هسته‌ای را توصیف می‌کند، هدف آن محافظت از طیفی گسترده از هدف‌های احتمالی، محاکمه عاملان ارتکاب آنها و حمایت و ترویج همکاری بین کشورهاست.
  - معاهده منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای آسیای مرکزی ۲۰۰۶: شامل پنج کشور آسیای مرکزی - قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان. <http://disarmament.un.org/TreatyStatus.nsf>

می‌یابد، مطلقاً بر اساس اجماع عمل می‌کند. کنفرانس فقط ۶۵ کشور عضو و رابطه‌ای منحصر به فرد با مجمع دارد. در حالی که کنفرانس مقررات خود را تعیین و دستور کار خود را تدوین می‌کند، توصیه‌های مجمع عمومی را مدنظر قرار می‌دهد و سالانه به آن گزارش می‌دهد. کنفرانس از ۱۹۹۷ نتوانسته به علت فقدان اجماع بین اعضا درباره یک برنامه کار اساسی درباره اولویت‌های خلع سلاح به توافق برسد. دفتر امور خلع سلاح در دبیرخانه سازمان ملل تصمیم‌های مجمع را درباره مسائل خلع سلاح اجرا می‌کند. موسسه تحقیقات خلع سلاح ملل متحد انجام تحقیقات مستقل درباره خلع سلاح و مسائل مربوط به آن، به ویژه مسائل امنیت بین‌المللی را به عهده می‌گیرد. هیات مشورتی درباره مسائل خلع سلاح به دبیرکل درباره مسائل مربوط به محدودیت سلاح‌ها و خلع سلاح نظر مشورتی می‌دهد، و به عنوان هیات امنای موسسه تحقیقات خلع سلاح ملل متحد خدمت می‌کند و همچنین درباره اجرای پیشنهادهای برنامه اطلاعات خلع سلاح سازمان ملل مشورت می‌دهد.

## سلاح‌های کشتار جمعی WMD

### سلاح‌های هسته‌ای

جامعه جهانی، از طریق تلاش‌های مداوم به موافقت‌نامه‌های چندجانبه متعددی به منظور کاهش زرادخانه‌های هسته‌ای، جلوگیری از استقرار آنها در بعضی مناطق و محیط‌ها (مانند فضای ماورای جو و بستر اقیانوس‌ها)، محدود کردن تکثیر و خاتمه دادن به آزمایش آنها دست یافته است. با وجود این دستاوردها، سلاح‌های هسته‌ای و تکثیر آنها همچنان تهدیدی مهم برای صلح و چالشی عمده برای جامعه بین‌المللی است. مسائل مورد علاقه در این زمینه شامل به ویژه نیاز به کاهش سلاح‌های هسته‌ای، حفظ قابلیت اجرای رژیم عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، و پیشگیری از ساخت و تکثیر موشک‌های بالیستیک و سیستم‌های دفاع موشکی است.

موافقت نامه‌های دو جانبه درباره سلاح‌های هسته‌ای. در حالی که تلاش‌های بین‌المللی برای مهار سلاح‌های هسته‌ای در مجامع گوناگون ادامه دارد، این موضوع به طور کلی درک شده است که قدرت‌های دارای سلاح هسته‌ای برای حفظ محیط امنیتی باثبات بین‌المللی، مسئولیت ویژه دارند. دو قدرت بزرگ در طول جنگ سرد و پس از آن به توافق‌هایی دست یافتند که خطر جنگ هسته‌ای را به حد قابل توجهی کاهش داد. موافقت نامه‌های چند جانبه درباره سلاح‌های هسته‌ای و عدم تکثیر آنها. معاهده مربوط به عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، عمومی‌ترین معاهده در میان تمامی معاهدات چند جانبه خلع سلاح، نخستین بار در ۱۹۶۸ برای امضا گشوده شد و در ۱۹۷۰ به اجرا در آمد. معاهده عدم تکثیر، اساس رژیم جهانی عدم تکثیر هسته‌ای و مبنای ضروری برای پیگیری خلع سلاح هسته‌ای است. اعضای معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، در «کنفرانس بازبینی سال ۲۰۰۰» سندی نهایی را تصویب کردند که در آن کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای با صراحت تعهد کردند... زرادخانه‌های هسته‌ای خود را به طور کامل حذف کنند. این کنفرانس موافقت کرد درباره توانایی‌های مربوط به سلاح هسته‌ای باید شفافیت فزاینده وجود داشته باشد و مدام از نقش سلاح‌های هسته‌ای در سیاست‌های امنیتی کاسته شود. مقدمات تشکیل کنفرانس بعدی بازبینی معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، در ۲۰۰۵، در دست انجام است. تصمیم جمهوری دموکراتیک خلق کره برای خروج از این معاهده در ژانویه ۲۰۰۳، نخستین تصمیم از این نوع از زمان اجرای این معاهده از ۳۳ سال پیش، باعث نگرانی شدید جامعه بین‌المللی است. شرکت کنندگان در کنفرانس بررسی ۲۰۰۵ نتوانستند درباره نتیجه‌ای اساسی به توافق برسند. کشورهای طرف این معاهده برای تایید انجام تعهداتی که بر اساس معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای NPT تقبل کرده‌اند ملزم هستند تدابیر حفاظتی هسته‌ای IAEA را بپذیرند.

#### موافقت نامه های دو جانبه

معاهده ۱۹۷۲ درباره محدود کردن سیستم‌های ضد موشک بالیستیک، تعداد سیستم‌های ضد موشک بالیستیک ایالات متحده و اتحاد شوروی را به یک سیستم برای هر کشور محدود کرد. قرارداد «تمایز» در ۱۹۹۷ بین ایالات متحده و فدراسیون روسیه بین سیستم‌های ضد موشک بالیستیک با برد دور یا «استراتژیک» که ممنوع بودند، و سیستم‌های ضد موشک بالیستیک با برد کوتاه، یا «غیر استراتژیک» که ممنوع نبودند، تمایز قابل شد. عمر این پیمان در ۱۳ ژوئن ۲۰۰۲، که ایالات متحده از آن خارج شد، پایان یافت. معاهده ۱۹۸۷ نیروهای هسته‌ای دارای برد متوسط و کوتاه ایالات متحده - اتحاد شوروی یک طبقه کامل از سلاح‌های هسته‌ای را حذف کرد که شامل کلیه موشک‌های کروز و بالیستیک مستقر در زمین با برد ۵۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر بودند. کلیه سلاح‌هایی که بر اساس مفاد این پیمان باید نابود می‌شدند تا پایان ۱۹۹۶ نابود شده بودند. معاهده ۱۹۹۱ کاهش و محدود کردن سلاح‌های استراتژیک بین ایالات متحده - اتحاد شوروی (استارت یک) سقف ۶۰۰۰ کلاهک را در ۱۶۰۰ موشک هسته‌ای دور برد مستقر شده برای هر طرف تا ۲۰۰۱ تعیین کرد و به این ترتیب سطوح ذخیره را در ۱۹۹۱ تا حدود ۳۰ درصد کاهش داد. پروتکل ۱۹۹۲ لیسبون به استارت یک، فدراسیون روسیه، بلاروس، قزاقستان و اکراین را به عنوان کشورهای جانشین اتحاد شوروی، متعهد کرد از معاهده استارت یک اطاعت کنند؛ بلاروس، قزاقستان و اکراین قرار بوده عنوان کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای به معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای بپیوندند. این سه کشور تا ۱۹۹۶ کلیه سلاح‌های هسته‌ای را از خاک خود برچیده بودند. معاهده ۱۹۹۳ کاهش و محدود کردن سلاح‌های استراتژیک ۲ (استارت ۲) دو طرف را به کاهش تعداد کلاهک‌ها در موشک‌های هسته‌ای دور برد به ۳۵۰۰ موشک برای هر طرف تا ۲۰۰۳ متعهد کرد، و موشک‌های بالیستیک بین قاره‌ای مجهز به وسایل چندگانه ورود مجدد به جو زمین که مستقلاً قابل هدفگیری هستند را، حذف کرد. قراردادی در ۱۹۹۷ ضرباً الاجل نابود کردن سیستم‌های پرتاب - سیلوهای موشک، بمب افکن‌ها و زیردریایی‌ها - را تا پایان ۲۰۰۷ تمدید کرد. روسای جمهور فدراسیون روسیه و ایالات متحده در ۲۴ مه ۲۰۰۲ با امضای معاهده کاهش سلاح‌های تهاجمی استراتژیک

(SORT)، که به معاهده مسکو نیز شناخته می‌شود، با محدود کردن تعداد کلاهک‌های هسته‌ای استراتژیک مستقر شده خود به بین ۱۷۰۰ و ۲۲۰۰ موافقت کردند. این معاهده تا دسامبر ۲۰۱۲ معتبر خواهد بود و ممکن است با توافق طرفین تمدید شود یا جای خود را به موافقت نامه دیگری بدهد.

تا ۷ مارس ۲۰۰۵ موافقت نامه‌های مربوط به تدابیر حفاظتی در ۲۰۰۳ با ۱۶۶ کشور، از جمله ۱۴۰ موافقت نامه جامع مربوط به تدابیر حفاظتی بر اساس NPT وجود داشت. علاوه بر NPT، معاهده‌های Tlatelolco، راروتونگا، بانکوک و پلیندا، کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای را ملزم می‌سازند خواستار تدابیر امنیتی آژانس شوند.

اکثریت عظیمی از اعضای مجمع عمومی در ۱۹۹۶ معاهده فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای CTBT را تصویب کردند تا هر انفجار آزمایش هسته‌ای را در هر جا ممنوع کنند. تصویب این معاهده، که در اصل در ۱۹۵۴ پیشنهاد شد، چهار دهه طول کشید و ممنوعیت نسبی آزمایش‌ها را به همه محیط‌ها گسترش داد. CTBT که در ۱۹۹۶ برای امضا گشوده شد هنوز به اجرا در نیامده است. از ۴۴ کشور فهرست شده در پیوست دوم آن، که پیش از اجرای معاهده تصویب آنها لازم است، ۱۰ کشور هنوز این سند را امضا یا تصویب نکرده‌اند.

دبیرکل سازمان به عنوان امانتدار این معاهده، پنج کنفرانس درباره تسهیل اجرای CTBT، طی سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۱، ۲۰۰۵، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۷ تشکیل داد. کنفرانس در سپتامبر ۲۰۰۷، در وین، اعلامیه‌ای تصویب کرد که بر اهمیت تحقق پیروی همگانی و جهانی از این معاهده تاکید و تدابیر ویژه برای حمایت از اجرایی شدن آن را توصیف کرد.

با مشارکت نزدیک به ۱۷۷ کشور امضا کننده در کمیسیون تدارکاتی مستقر در وین برای سازمان معاهده فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای (CTBTO PrepCom)، در دبیرخانه فنی موقتی، که در ۱۹۹۷ تشکیل شد، تدارکات در حال انجام است تا اطمینان حاصل شود در شروع اجرای این معاهده نظام نظارتی بین‌المللی برقرار شده باشد. موافقت نامه تنظیم رابطه بین سازمان ملل و کمیسیون تدارکاتی برای سازمان معاهده فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای در ۲۰۰۰ امضاء شد.

**مناطق عاری از سلاح هسته‌ای.** در تحولی که منادی حرکتی جدید در زمینه کنترل منطقه‌ای سلاح‌ها شد، امضای معاهده ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین و کارائیب (معاهده Tlatelolco) برای نخستین بار منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در یک ناحیه پرجمعیت جهان به وجود آورد. با سپردن سند تصویب کوبا در ۲۰۰۲، منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در آمریکای لاتین و کارائیب تحکیم و کلیه کشورهای منطقه را شامل شد.

متعاقباً ۴ منطقه دیگر ایجاد شده: در اقیانوس آرام جنوبی (معاهده راروتونگا، ۱۹۸۵)، جنوب شرقی آسیا (معاهده بانکوک، ۱۹۹۵) و آفریقا (معاهده پلیندا، ۱۹۹۶) و آسیای مرکزی (معاهده منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای آسیای مرکزی ۲۰۰۶). پیشنهادهایی نیز برای ایجاد منطقه‌های عاری از سلاح هسته‌ای در اروپای مرکزی و آسیای جنوبی، و همچنین برای منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه مطرح شده است. جامعه بین‌المللی مفهوم یک کشور به عنوان منطقه عاری از سلاح هسته‌ای را در ۱۹۹۸ پذیرفت و آن هنگامی بود که مجمع عمومی از اقدام مغولستان دایر بر اعلام موقعیت عاری از سلاح هسته‌ای خود، حمایت کرد.



**پیشگیری از تکثیر هسته‌ای.** آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تلاش‌های بین‌المللی برای پیشگیری از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای نقشی برجسته ایفا و به عنوان بازرس جهان برای انجام اقدام‌های ایمنی و تصویب تدابیر مربوط به برنامه‌های هسته‌ای غیرنظامی خدمت می‌کند.

بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر اساس قراردادهای منعقد با کشورها، به صورت منظم از تاسیسات هسته‌ای دیدن می‌کنند تا سوابق مربوط به محل‌های مواد هسته‌ای را تایید، ابزارها و تجهیزات نظارتی و مراقبتی نصب شده به وسیله این آژانس را کنترل و فهرست‌های مربوط به مواد هسته‌ای را تایید کنند. این‌ها و سایر تدابیر حفاظتی در مجموع امکان تایید مستقل بین‌المللی را فراهم می‌سازند تا دولت‌ها از تعهدات خود نسبت به استفاده‌های مسالمت‌آمیز از انرژی هسته‌ای پیروی کنند.

کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تایید اجرای ۲۳۸ موافقت‌نامه مربوط به تدابیر حفاظتی که در ۱۵۵ کشور (و در تایوان، چین) اجرا می‌شوند، بازرسی‌های روزانه از محل در هر بخش از جهان، مجموعاً ۱۷۳۳ مورد در ۲۰۰۶، انجام دادند. هدف آنان کسب اطمینان از این امر است: مواد هسته‌ای که در ۹۰۰ تاسیسات هسته‌ای در بیش از ۷۰ کشور نگهداری می‌شوند از مصارف مسالمت‌آمیز قانونی به هدف‌های نظامی سوق داده نشوند. آژانس با این بازرسی‌های سالانه به امنیت بین‌المللی کمک می‌کند، و تلاش‌ها برای متوقف کردن گسترش سلاح‌ها را تقویت و به سمت دنیایی فاقد سلاح‌های هسته‌ای حرکت می‌کند.

انواع گوناگون موافقت‌نامه مربوط به تدابیر حفاظتی را می‌توان با آژانس منعقد کرد. موافقت‌نامه‌های در ارتباط با معاهده عدم تکثیر، پروتکل نمونه اضافی به موافقت‌نامه‌های موجود مربوط به تدابیر حفاظتی، همچنین موافقت‌نامه‌های مربوط به معاهده‌های تاتلولکو، پلیندا با و راروتونگا، کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای را ملزم می‌سازند کل فعالیت‌های مربوط به چرخه سوخت هسته‌ای خود را به عوامل تدابیر حفاظتی آژانس تسلیم کنند. سایر قراردادهای تدابیر حفاظتی در تاسیسات انفرادی مربوط می‌شوند. تدابیر حفاظتی آژانس بر اساس معاهده عدم تکثیر، بخش تفکیک ناپذیر رژیم بین‌المللی برای عدم تکثیر هستند و نقشی اساسی در حصول اطمینان از اجرای این معاهده ایفا می‌کنند. [www.iaea.org](http://www.iaea.org)

### حذف خطر سلاح‌های شیمیایی و میکروبی

شروع اجرای کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (CWC) از ۱۹۹۷ تکمیل روندی بود که از ۱۹۲۵ آغاز شد یعنی زمانی که پروتکل ژنو، استفاده از سلاح‌های گاز سمی را ممنوع کرد. این کنوانسیون برای نخستین بار در تاریخ کنترل بین‌المللی سلاح‌ها، رژیم جدی در زمینه تایید بین‌المللی (شامل گردآوری اطلاعات درباره تاسیسات شیمیایی و بازرسی‌های معمولی جهانی) برای نظارت بر متابعت از تعهدات معاهده به وسیله کشورهای طرف این کنوانسیون ایجاد کرد.

**سازمان ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی (OPCW)** که به این منظور در شهر لاهه، هلند تشکیل شد تا اوت ۲۰۰۷ تقریباً ۳۰۰۰ مورد بازرسی از ۱۰۸۰ سایت در ۷۹ کشور طرف انجام داده بود. نابودی یا تغییر کاربری به مصرف صلح آمیز ۶۱ تاسیسات تولید سلاح‌های شیمیایی از ۶۵ تاسیسات اعلام شده از طریق بازرسی‌های آن تایید شده است. نخستین اجلاس ویژه کنفرانس کشورهای طرف برای بازرسی عملیات کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی در ۲۰۰۳ تشکیل شد. قرارداد مربوط به ارتباط بین سازمان ملل

و سازمان ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی در ۲۰۰۰ به امضا رسید. ([www.opcw.org](http://www.opcw.org))  
بر خلاف CWC، کنوانسیون سلاح‌های میکربی (BWC) ۱۹۷۲، که در ۱۹۷۵ به اجرا در آمد، سازوکاری برای تایید در نظر نگرفته است. اما کشورهای طرف به عنوان اقدامی در زمینه اعتماد سازی هر سال اطلاعات مشروح درباره مطالبی مانند تاسیسات پرخطر تحقیقات میکربی خود، مبادله می‌کنند. ششمین کنفرانس بازمینی کشورهای طرف کنوانسیون سلاح‌های میکربی، در اجلاس ۲۰۰۶، تصمیم گرفت به منظور کمک به کشورهای عضو برای تقویت امکان اجرای کنوانسیون، «واحد حمایت از اجرا» به وجود آورد.

برخلاف معاهدات سلاح‌های شیمیایی و عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای - که به ترتیب مورد حمایت OPCW و IAEA هستند درباره سلاح‌های میکربی تاکنون چنین حمایت نهادی وجود نداشت. این واحد به عنوان بخشی از «دفتر سازمان ملل برای خلع سلاح» در ۲۰ اوت ۲۰۰۷ در ژنو آغاز به کار کرد. تامین مالی آن به عهده کشورهای عضو این کنوانسیون است. همگانی کردن و اجرای کامل کنوانسیون سلاح‌های میکربی، و همچنین کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، و جلوگیری از تکثیر سلاح‌های میکربی و شیمیایی، وظیفه‌ای مهم برای جامعه بین‌المللی به شمار می‌رود. علاوه بر این، هیاتی از کارشناسان دولتی که پس از تصویب قطعنامه ای در مجمع عمومی، تشکیل شد مساله موشک‌ها رادهمه جنبه‌های آن بررسی کرده است.

### سلاح‌های سنتی، اعتماد سازی و شفافیت

(<http://disarmament.un.org/cab>)

اسلحه کوچک، سلاح‌های سبک و خلع سلاح عملی. پس از پایان جنگ سرد جامعه بین‌المللی با فوران مناقشات بین کشوری در بسیاری از قسمت‌های جهان مواجه شد که سلاح‌های انتخابی آنها اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک بودند. این سلاح‌ها اگر چه علت ریشه‌ای مناقشه نیستند، خشونت را تشدید می‌کنند، استفاده از کودکان جنگجو را آسان می‌نمایند، مانع از ارائه کمک بشردوستانه می‌شوند و بازسازی و توسعه پس از مناقشه را به تاخیر می‌اندازند.

حداقل ۶۴۰ میلیون جنگ‌افزار و سلاح گرم معجز در جهان وجود دارد که نزدیک به دو سوم آنها در اختیار جامعه مدنی است و بیش از ۲۲۵ میلیون به ارتش‌ها و کارگزاری‌های اجرای قانون کشورها تعلق دارد. برآورد تعداد بیشتر انواع دیگر اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک مبهم و دست‌نیافتنی است. تجارت قانونی این سلاح‌ها و جنگ‌افزارها هر سال از ۴ میلیارد دلار فراتر می‌رود در حالی که تصور می‌شود ارزش تجارت غیرقانونی آنها سالی یک میلیارد دلار باشد. کنترل تکثیر سلاح‌های غیرقانونی، گامی ضروری در مسیر کنترل بهتر بین‌المللی، منطقه‌ای یا ملی بر تمامی جنبه‌های موضوع سلاح‌های کوچک است.

کنفرانس بین‌المللی درباره تجارت غیرقانونی اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک در همه جنبه‌های آن، در ۲۰۰۱ در سازمان ملل تشکیل شد براساس برنامه اقدام این کنفرانس اعضا توافق کردند اطمینان حاصل کنند سازندگان معجز روی بدنه هر اسلحه کوچک و سلاح سبک در فرآیند تولید علامتی قابل اعتماد بگذارند؛ سوابق دقیق و جامع درباره ساخت، نگهداری و انتقال چنین سلاح‌هایی در قلمرو خود را داشته باشند؛ توانایی خود را برای همکاری در شناسایی و پیگیری

تجارت غیرقانونی چنین سلاح‌هایی تقویت؛ و تضمین کنند تمامی اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک که به این ترتیب توقیف، ضبط یا جمع‌آوری می‌شوند نابود گردند.

نتیجه، افزایش شدید فعالیت‌های ضد قاچاق دولت‌ها بود. طی پنج سال بعد از تصویب این برنامه، نزدیک به ۱۴۰ کشور درباره قاچاق سلاح گزارش داده بودند، در حالی که یک سوم همه کشورها تلاش‌هایی برای جمع‌آوری سلاح‌ها از کسانی که عمل آورده بودند که قانوناً مجاز به داشتن آنها نبودند. همکاری بین و در داخل مناطق برای مهار جریان سلاح‌های غیرقانونی از مرزهای ملی نیز افزایش یافته بود. از ۲۶ ژوئن تا ۷ ژوئیه ۲۰۰۶ بیش از ۲ هزار نماینده از دولت‌ها، سازمان‌ها و جامعه مدنی بین‌المللی و منطقه‌ای در اجلاس دو هفته‌ای در مقر سازمان ملل شرکت کردند تا اجرای برنامه اقدام را بررسی و توجه بیشتر جهانیان را به این موضوع جلب کنند.

چون گسترش کنترل نشده سلاح‌های کوچک غیرقانونی بر جنبه‌های بسیاری از کار سازمان ملل - از کودکان تا بهداشت، پناهندگان و توسعه - اثر می‌گذارد ساز و کاری موسوم به «اقدام هماهنگ کننده درباره سلاح‌های کوچک» در ۱۹۹۸ به مرحله اجرا درآمد تا تضمین کند نظام ملل متحد به جنبه‌های بسیار کنترل سلاح‌های کوچک به روشی هماهنگ شده رسیدگی می‌کند. تلاش فراگیر جهانی برای رسیدگی به بلای سلاح‌های کوچک نیز به وسیله جامعه مدنی آغاز شد و از طریق تحقیق، حمایت از اقدام ملی هماهنگ شده، و اعمال فشار سیاسی جهانی برای تدوین کنوانسیون بین‌المللی درباره تجارت این سلاح‌ها ادامه دارد.

**مین‌های ضد نفر.** تکثیر روزافزون و استفاده همگانی از مین‌های زمینی ضد نفر در سراسر جهان عامل نگرانی ویژه بوده است. بازبینی کنوانسیون سلاح‌های سنتی خاص - همچنین موسوم به کنوانسیون سلاح‌های غیرانسانی - در ۱۹۹۵، پروتکل الحاقی دوم را به بار آورد که از ۳ دسامبر ۱۹۹۸ به اجرا در آمد تا محدودیت‌ها درباره استفاده، انتقال و انواع خاص مین‌های زمینی (خود نابود شونده و قابل تشخیص و شناسایی) را تقویت کند. در حال حاضر ۸۶ کشور موظف به اجرای این پروتکل هستند.

#### مبارزه علیه مین زمینی

سازمان ملل از دهه ۱۹۸۰ به مسائل ناشی از میلیون‌ها مین زمینی پراکنده در حدود ۷۸ کشور رسیدگی کرده است. این مین‌ها هر سال ۱۵ هزار تا ۲۰ هزار نفر را می‌کشند یا به شدت ناقص می‌کنند که بیشترشان کودک، زن و افراد سالخورده هستند. سال‌ها، و حتی دهه‌ها پس از پایان مناقشات، مین‌های زمینی همچنان برای مردم عادی ویرانی و ضایعه به بار می‌آورند و با این حال همچنان از آنها به عنوان سلاح جنگی استفاده می‌شود. در گستره حقوقی، کنوانسیون سلاح‌های غیرانسانی (۱۹۸۰) که با حمایت سازمان وضع شد، در ۱۹۹۶ اصلاح گردید تا موضوع استفاده از مین در مناقشات داخلی و ضرورت قابل شناسایی بودن همه مین‌ها در آن گنجانده شود. کنوانسیون تاریخی ۱۹۹۷ درباره ممنوعیت استفاده، ذخیره‌سازی، تولید و انتقال مین‌های ضد پرسنل و نابودی آنها (کنوانسیون ممنوعیت مین) تولید، استفاده و صدور این سلاح‌ها را ممنوع کرد. ۱۴ کارگزاری، برنامه، اداره و صندوق سازمان در محل‌های آلوده به مین فعال هستند. آنها مین‌های زمینی و بقایای انفجاری جنگ‌ها را کشف و نابود می‌کنند؛ به مردم یاد می‌دهند چگونه ایمنی خود را در مناطق مین‌گذاری شده حفظ کنند؛ ذخایر مین را نابود می‌کنند؛ و مشارکت جهانی در توافق‌نامه‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون ممنوعیت مین را تشویق کنند.

سرویس اقدام مین سازمان ملل (UNMAS) تمامی فعالیت‌های مربوط به مین نظام ملل متحد را هماهنگ می‌کند. این نهاد سیاست‌ها و ضوابط را تدوین؛ فعالیت‌های مربوط به ارزیابی‌ها و نظارت خطرهای ناشی از مین‌ها و مهمات منفجر نشده را انجام می‌دهد؛ اطلاعات جمع‌آوری و منتشر می‌کند؛ منابع را بسیج می‌کند؛ و در فعالیت‌های

گروهی از کشورهای همفکر که از آنچه واکنشی ناکافی به یک بحران جدی بشری به شمار می‌آورند، ناراضی بودند، درباره قراردادی برای ممنوعیت کامل همه مین‌های زمینی ضد نفر - یعنی کنوانسیون ممنوعیت استفاده، ذخیره، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و نابود کردن آنها (کنوانسیون ممنوعیت مین)، به مذاکره پرداختند که در ۱۹۹۷ برای امضا گشوده و از اول مارس ۱۹۹۹ به اجرا در آمد. ۱۵۵ کشور تا اوت ۲۰۰۷ به آن متعهد شده بودند.

اجرای موفقیت‌آمیز این دو سند به نابودی ذخایر مین، پاکسازی مین در کشورهای آلوده به آن، و کاهش قربانیان جدید منجر شده است. «گزارش بررسی مین زمینی ۲۰۰۶» حاکی است تا ژوئیه ۲۰۰۶ به نظر می‌رسد ۱۳۸ کشور طرف کنوانسیون، ذخیره مین ضد پرسنل نداشتند [www.icbl.org](http://www.icbl.org) و در مجموع بیش از ۳۹/۵ میلیون مین ضد پرسنل را نابود کرده بودند.

**بقایای انفجاری جنگ و مین‌های غیرازمین‌های زمینی ضد نفر (MOTAPM) در حالی که برای رسیدگی به مساله مین‌های زمینی ضد نفر گام‌های چشمگیری برداشته شده، غیر نظامیان بسیاری به وسیله سایر مهمات انفجاری کشته یا مجروح می‌شوند.** این مهمات خطری بالقوه برای مردم از طریق تماس سهوی یا دستکاری عمدی، به ویژه اگر خطر به خوبی شناخته شده نباشد، به شمار می‌روند. بقایای جنگ و مین‌های انفجاری حتی به تعداد اندک می‌تواند باعث لطمات جدی شوند؛ حتی یک مین، اگر در محل‌های حساس کار گذاشته شده باشد، می‌تواند باعث بسته شدن کامل جاده‌ها و مختل شدن فعالیت‌های عادی شود. همراه با سایر ویژگی‌های احتمالی MOTAPM، مانند شیوه‌های ضد دستکاری و حداقل محتوای فلزی، تاثیر آنها بر انسان می‌تواند کاملاً جدی باشد.

گروهی از کارشناسان دولتی کشورهای متعهد به کنوانسیون مربوط به سلاح‌های متعارف خاص، در حال حاضر در حال مذاکره برای تهیه سندی درباره تدابیر درمانی پس از مناقشه برای کاهش خطرهای ناشی از بقایای انفجاری جنگ، و بررسی مساله MOTAPM، به منظور ارزیابی مناسب‌ترین راه کاهش خطرهای ناشی از استفاده غیر مسئولانه از آنها هستند.

**ثبت سلاح‌های متعارف.** مجمع عمومی به منظور مساعدت به ایجاد اعتماد و امنیت بین کشورها در ۱۹۹۲ ثبت سلاح‌های متعارف سازمان ملل را تاسیس کرد. این توافق برای گزارش‌دهی داوطلبانه، دولت‌های شرکت کننده را قادر می‌سازد درباره صادرات و واردات هفت گروه از سیستم‌های عمده سلاح‌های متعارف یعنی کشتی‌های جنگی، از جمله زیر دریایی‌ها؛ تانک‌های جنگی؛ وسایل نقلیه جنگی زرهی؛ هواپیماهای جنگی؛ بالگردهای تهاجمی؛ توپ‌های دارای کالیبر بزرگ؛ و موشک‌ها و موشک اندازه‌ها، از جمله سیستم‌های دفاع هوایی قابل حمل به وسیله انسان که دارای برد کوتاه هستند، اطلاعات ارائه دهند.

از کشورهای عضو همچنین دعوت شده درباره نقل و انتقال اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک، دستیابی به آنها از طریق تولید داخلی، و تجهیزات نظامی ارتش اطلاعات ارائه دهند چنین اطلاعاتی سالانه به وسیله سازمان ملل به عنوان اسناد رسمی گردآوری و منتشر و همچنین از طریق وب سایت سازمان در دسترس همگان قرار داده می‌شوند. تاکنون، بیش از ۱۷۰ کشور یک بار یا بیشتر

به مرکز ثبت گزارش داده‌اند. برآورد شده است «ثبت»، اطلاعات مربوط به بیش از ۹۵ درصد تجارت جهانی در سلاح‌های سنتی اصلی را به دست می‌آورد.

**شفافیت هزینه‌های نظامی.** ساز و کار جهانی دیگری که برای حمایت از شفافیت در مسائل نظامی طراحی شده سیستم سازمان ملل برای گزارش دهی استاندارد شده هزینه‌های نظامی است که در ۱۹۸۰ معرفی شد. این مرکز گزارش دهی داوطلبانه، هزینه‌های ملی پرسنل، عملیات و نگهداری، تهیه و ساخت، و تحقیق و توسعه نظامی را در بر می‌گیرد. تاکنون بیش از ۱۲۴ کشور حداقل یک بار به آن گزارش داده‌اند.

**پیشگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضای ماورای جو.** مسائل مربوط به فضای ماورای جو در مجامع بین‌المللی در دو مسیر جداگانه دنبال شده‌است: مسائل مربوط به کاربردهای مسالمت‌آمیز فن‌آوری فضایی، و مسائل مربوط به پیشگیری از مسابقه تسلیحاتی در آن محیط. درباره این مسائل در مجمع عمومی، کمیته استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای ماورای جو و نهادهای وابسته به آن، و کنفرانس خلع سلاح بحث شده است. این بحث‌ها به انعقاد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به جنبه‌های صلح‌جویانه و نظامی استفاده از فضای ماورای جو مساعدت کرد.

نخستین اجلاس ویژه مجمع عمومی درباره خلع سلاح (۱۹۷۸) با توجه به اهمیت پیشگیری از نظامی کردن فضای ماورای جو، خواستار انجام مذاکرات بین‌المللی درباره این موضوع شد. کنفرانس خلع سلاح از ۱۹۸۲ در دستور کار خود موضوعی با عنوان «پیشگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضای ماورای جو» داشته، اما تاکنون به علت ادامه اختلاف‌ها درباره تعبیر بین اعضای آن پیشرفت چندانی در مذاکره درباره موافقت‌نامه‌ای چند جانبه، حاصل نشده است.

**رابطه بین خلع سلاح و توسعه.** مساله حمایت از پیشرفت اجتماعی و اقتصادی، به ویژه برای کشورهای کمتر توسعه یافته، با استفاده از منابع آزاد شده از طریق خلع سلاح عمومی بر اساس نظام کنترل بین‌المللی، مدت‌ها بین کشورهای عضو مورد بحث بوده است. سرانجام، کنفرانس بین‌المللی درباره رابطه بین خلع سلاح و توسعه در ۱۹۸۷ تشکیل شد.

مجمع عمومی در قطعنامه ۶۱/۵۳ مورخ ۶ دسامبر ۲۰۰۶ از جامعه جهانی خواست بخشی از منابعی را که از طریق خلع سلاح و توافق‌نامه‌های محدود کردن سلاح‌ها حاصل شده، به امید کاهش شکاف بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به توسعه اجتماعی و اقتصادی اختصاص دهند.

**نگرش‌های منطقه‌ای به خلع سلاح.** سازمان ملل از ابتکارهایی که در سطوح منطقه‌ای وزیر منطقه‌ای برای خلع سلاح انجام می‌شود، با حمایت از تدابیری برای امنیت و اعتمادسازی بین کشورها در مناطق، پشتیبانی می‌کند. سازمان همچنین در اجرای رهنمودها و پیشنهادها برای نگرش‌های منطقه‌ای به خلع سلاح مصوب ۱۹۹۳ کمیسیون خلع سلاح، به آنها کمک می‌کند. سازمان ملل برای حمایت از خلع سلاح منطقه‌ای با ترتیبات و سازمان‌های دولتی - مانند اتحادیه آفریقا، اتحادیه اروپا، شورای مشارکت اروپا - آتلانتیک، اتحادیه کشورهای عرب، سازمان کشورهای آمریکایی، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان امنیت و همکاری در اروپا، و پیمان ثبات برای اروپای جنوب شرقی - و همچنین با سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی کار می‌کند.

**فعالیت‌های مربوط به اطلاعات و آموزش خلع سلاح.** مجمع عمومی در ۲۰۰۲ گزارشی از

گروهی از کارشناسان را درباره آموزش خلع سلاح و عدم تکثیر تصویب و تایید کرد که آموزش خلع سلاح را بخشی یکپارچه از آموزش صلح و جنبه‌ای مهم از تعلیم هر شهروند برای مشارکت در زندگی مدنی می‌داند. سازمان ملل در ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ در مشارکت با «در خواست لاهه برای صلح» طرح آموزش صلح و مسائل مربوط به سلاح‌های کوچک به کودکان و جوانان را در چهار کشور (آلبانی، کامبوج، نیجر و پرو) به اجرا در آورد.

سازمان ملل فعالیت‌های اطلاعاتی و آموزشی درباره مسائل خلع سلاح چندجانبه در چارچوب *برنامه اطلاعات خلع سلاح خود*، از طریق انتشارات، رویدادهای ویژه، نشست‌ها، سمینارها، بحث‌های گروهی، نمایشگاه‌ها و وب سایتی جامع درباره مسائل خلع سلاح ([disarmament.un.org](http://disarmament.un.org)) انجام می‌دهد. *برنامه بورس تحصیلی خلع سلاح سازمان*، که از ۱۹۷۸ به ابتکار مجمع عمومی آغاز شد، بیش از ۶۰۰ مقام دولتی از حدود ۱۵۰ کشور را آموزش داده که بسیاری از آنان دارای مسئولیت‌هایی در حوزه خلع سلاح در دولت‌های خود هستند.

**جنسیت و خلع سلاح.** چهره جنگ‌ها در سال‌های اخیر در شرایطی که زنان و دختران به عنوان قربانی یا عوامل جنگ، به حد فزاینده‌ای تحت تاثیر مناقشات قرار گرفته‌اند، تغییر کرده است. سازمان ملل از درک اهمیت جنبه‌های جنسیتی جنگ در همه امور مربوط به خلع سلاح، اعم از جمع آوری و نابودی سلاح‌ها، مین‌زدایی، انجام ماموریت‌ها برای کشف حقیقت، یا مشارکت در فرآیندهای صلح و تصمیم‌گیری حمایت می‌کند. برای مثال، یک دیدگاه جنسیتی بررسی خواهد کرد گسترش سلاح‌های کوچک چگونه بر زنان تاثیر می‌گذارد و درباره آن چه باید کرد.

### استفاده‌های صلح آمیز از فضای ماورای جو

([www.unoosa.org](http://www.unoosa.org))

سازمان ملل می‌کوشد تضمین کند از فضا برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده و مزایای فعالیت‌های فضایی نصیب همه ملت‌ها شود. علاقه به استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای ماورای جو پس از پرتاب اسپوتنیک - نخستین ماهواره ساخت بشر - به وسیله اتحاد شوروی در ۱۹۵۷، آغاز و با پیشرفت‌ها در فن آوری فضایی ادامه یافته است. سازمان ملل، با تدوین قوانین بین‌المللی فضایی و ترویج همکاری بین‌المللی در علوم و فن آوری فضایی، نقشی مهم ایفا کرده است.

نهاد بین‌دولتی اصلی در این زمینه **کمیته استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای ماورای جو سازمان ملل** است. این نهاد حدود امکانات همکاری بین‌المللی در استفاده صلح‌آمیز از فضا را بررسی، برنامه‌هایی طراحی و همکاری فنی سازمان ملل را راهنمایی، تحقیق و انتشار اطلاعات را تشویق، و به تدوین قوانین فضایی بین‌المللی مساعدت می‌کند. این نهاد که در ۱۹۵۹ به وسیله مجمع عمومی تاسیس شد از ۶۹ کشور عضو تشکیل شده است. تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی، اعم از بین‌دولتی و غیردولتی، در این کمیته موقعیت ناظر دارند. این کمیته دو کمیته فرعی دارد:

- **کمیته فرعی علمی و فنی** کانون همکاری بین‌المللی در فن آوری و تحقیق فضایی است.
- **کمیته فرعی حقوقی** برای کسب اطمینان از ایجاد شالوده حقوقی متناسب با توسعه سریع فن آوری فعالیت‌های فضایی، اقدام می‌کند. کمیته و دو کمیته فرعی آن سالانه تشکیل جلسه می‌دهند تا مسائلی را که از طرف مجمع عمومی ارجاع شده، گزارش‌های تسلیم شده به آنها، و مسائل مطرح شده به وسیله کشورهای عضو را بررسی کنند. کمیته که بر مبنای اجماع کار می‌کند، توصیه‌هایی به مجمع عمومی ارائه می‌دهد.

### اسناد حقوقی

فعالیت این کمیته و کمیته فرعی حقوقی آن به تصویب پنج سند حقوقی به وسیله مجمع عمومی منجر شده که همه آنها اجرا می‌شوند:

- **معاهده اصول حاکم بر فعالیت‌های کشورهای در اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو، از جمله کره ماه و سایر اجرام آسمانی (معاهده فضای ماورای جو) ۱۹۶۶،** تصریح می‌کند اکتشاف فضایی باید برای منافع همه کشورها، بدون توجه به میزان توسعه آنها، انجام شود. این معاهده در صدد است فضا را به عنوان قلمرو همه ابنای بشر، برای استفاده و اکتشاف آزادانه همه کشورها، منحصرًا برای مقاصد صلح جویانه، و نه منافع اختصاصی کشورها، حفظ کند.
- **قرارداد نجات فضانوردان، بازگشت فضانوردان و بازگشت اشیاء پرتاب شده در فضای ماورای جو (قرارداد نجات) ۱۹۶۷،** درباره کمک کردن به سرنشینان سفینه های فضایی در صورت وقوع تصادف یا فرود اضطراری، پیش‌بینی‌های لازم را کرده، و رویه‌ها و تشریفات برای بازگرداندن اشیای فضایی پیدا شده در ماورای سرزمین کشور پرتاب‌کننده به آن، تدوین می‌کند.
- **کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی برای خسارات ناشی از اشیای فضایی (کنوانسیون مسئولیت) ۱۹۷۱** تصریح می‌کند کشور پرتاب‌کننده، مسئول خسارات وارده بر اثر پرتاب اشیای فضایی خود بر سطح کره زمین، بر هواپیماهای در حال پرواز، و به اشیای فضایی کشور یا اشخاص دیگر یا اموال موجود در چنین اشیایی است.

#### کنفرانس‌های فضایی سازمان ملل

سازمان ملل سه کنفرانس عمده درباره اکتشاف و استفاده‌های مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو، هر سه در وین، تشکیل داده است. نخستین کنفرانس (۱۹۶۸)، به بررسی مزایای عملی ناشی از تحقیقات و اکتشافات فضایی، و میزان برخورداری کشورهای فاقد دسترسی به فضا، به ویژه کشورهای در حال توسعه، از آنها پرداخت. دومین کنفرانس (۱۹۸۲) مشارکت روزافزون همه کشورهای در فعالیت‌های مربوط به فضا را بررسی کرد. این کنفرانس موقیعت علوم و فن‌آوری فضایی را ارزیابی کرد، به بررسی کاربردهای فن‌آوری فضایی برای توسعه پرداخت و درباره همکاری فضایی بین‌المللی بحث کرد. سومین کنفرانس (۱۹۹۹) طیفی گسترده از اقدامات را برای حفاظت از محیط زیست جهانی و مدیریت منابع طبیعی؛ افزایش استفاده از کاربردهای فضا برای امنیت، توسعه و رفاه انسان؛ حفاظت از محیط زیست فضا؛ افزایش دسترسی کشورهای در حال توسعه به علوم فضایی و مزایای آن؛ و افزایش امکانات آموزش و یادگیری، به ویژه برای جوانان، مشخص کرد. سومین کنفرانس همچنین خواهان ایجاد نظامی جهانی برای مدیریت کاهش، امداد و پیشگیری از فاجعه‌های طبیعی؛ بهبود برنامه‌های آموزشی و شالوده‌های مربوط به ماهواره برای ترویج سواد؛ و هماهنگی بین‌المللی فعالیت‌های مربوط به اشیای نزدیک زمین شد. گردهمایی نسل فضایی، که برای و به وسیله دانشجویان دانشگاه‌ها و حرفه‌ای‌های جوان تشکیل شد، به نتیجه این کنفرانس کمک کرد. این رویداد دولت‌ها، نهادهای بین دولتی، جامعه مدنی و، برای نخستین بار، بخش خصوصی را گرد هم آورد.

مجمع عمومی در ۲۰۰۴ پیشرفت حاصله در اجرای توصیه‌های UNISPACE III طی پنج سال گذشته را بررسی کرد. برنامه اقدام تصویب شده در قطعنامه مجمع خواهان اقدام بیشتر در استفاده از فضا برای حمایت از دستور کارهای بین‌المللی به منظور توسعه پایدار؛ توسعه هماهنگ توانایی‌های فضایی جهانی؛ استفاده از فضا برای حمایت از دستور کارهای ویژه به منظور تامین نیازهای توسعه‌ای انسان؛ و توسعه کلی توانایی‌ها و ظرفیت‌ها است. ساز و کارهای گوناگونی مشغول اجرای توصیه‌های UNISPACE III هستند. نتایج تلاش‌های آنها شامل ایجاد «برنامه سازمان ملل برای اطلاعات دریافتی از پایگاه‌های فضایی برای واکنش در موارد اضطراری و مدیریت فاجعه‌ها (UN-SPIDER)» و «کمیته بین‌المللی مربوط به سیستم‌های جهانی هدایت ماهواره‌ای» بوده است.

• کنوانسیون ثبت اشیای پرتاب شده به فضای ماورای جو (کنوانسیون ثبت) ۱۹۷۴، تصریح می‌کند کشورهای پرتاب کننده سوابق مربوط به اشیای فضایی را حفظ کنند و اطلاعات درباره اشیای پرتاب شده را به سازمان ملل ارائه دهند. براساس این کنوانسیون دفتر امور فضای ماورای جو سوابق مربوط به اشیای پرتاب شده به فضای ماورای جو را نگهداری می‌کند. اطلاعات مربوطه به وسیله همه کشورهای سازمان‌های پرتاب کننده ارائه شده است. فهرست راهنمای قابل جست و جوی آنلاین از اشیای پرتاب شده به فضا به وسیله دفتر امور فضای ماورای جو در وبسایت آن ([www.oosa.unvienna.org](http://www.oosa.unvienna.org)) نگهداری می‌شود.

• قرارداد حاکم بر فعالیت‌های کشورهای در کره ماه و سایر اجرام آسمانی (قرارداد ماه) در ۱۹۷۹، اصول مربوط به کره ماه و سایر اجرام آسمانی را که در معاهده سال ۱۹۶۶ تعیین شده شرح می‌دهد، و مبنای تنظیم اکتشاف آتی و اکتشاف منابع طبیعی در آن اجرام را تعیین می‌کند. مجمع عمومی بر مبنای کار کمیته و کمیته فرعی حقوقی آن مجموعه اصولی را درباره انجام فعالیت‌های فضایی، از جمله فعالیت‌های زیر تصویب کرده است:

• اصول حاکم بر استفاده کشورهای از ماهواره‌های مصنوعی زمینی برای پخش بین‌المللی مستقیم تلویزیونی (۱۹۸۲) می‌پذیرد چنین استفاده‌ای عوارض سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین‌المللی دارد. چنین فعالیت‌هایی باید از انتشار و مبادله اطلاعات و دانش حمایت کرده، توسعه را تقویت کند، و به حقوق حاکمیت کشورها، از جمله اصل عدم مداخله، احترام بگذارد.

• اصول مربوط به ردیابی از راه دور کره زمین از فضای ماورای جو (۱۹۶۸) می‌گوید چنین فعالیت‌هایی باید به سود همه کشورهای، با احترام به حق حاکمیت همه کشورهای و مردم بر منابع طبیعی خود، و برای حقوق و منافع سایر کشورهای انجام شود. از ردیابی از راه دور باید برای حفظ محیط زیست و کاهش تاثیر سوانح طبیعی استفاده کرد.

• اصول مربوط به استفاده از منابع نیروی هسته‌ای در فضای ماورای جو (۱۹۹۲)، این موضوع را به رسمیت می‌شناسد که چنین منابعی برای بعضی از مأموریت‌های فضایی ضروری است، اما استفاده از آنها باید بر مبنای ارزیابی کامل ایمنی باشد. این اصول رهنمودهایی برای استفاده امن از منابع نیروی هسته‌ای و برای اعلام عیب و خرابی اشیای فضایی، هر جاکه خطر ورود مجدد مواد رادیواکتیو به زمین وجود داشته باشد، ارائه می‌دهند.

• اعلامیه همکاری بین‌المللی در اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو برای استفاده و به نفع تمام کشورهای، به ویژه کشورهای در حال توسعه (۱۹۹۶) تصریح می‌کند کشورها آزادند تمامی جنبه‌های مشارکت خود را در همکاری بین‌المللی فضایی بر مبنای برابر و متقابلاً قابل قبول تعیین کنند، و چنین همکاری باید به شیوه‌هایی انجام شود که از نظر کشورهای مربوطه موثرتر و مناسب‌تر باشند.

### دفتر امور فضای ماورای جو

دفتر امور فضای ماورای جو سازمان ملل متحد مستقر در وین به عنوان دبیرخانه برای کمیته استفاده‌های مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو و کمیته‌های فرعی آن خدمت، و به کشورهای در حال توسعه برای استفاده از فن‌آوری فضایی برای توسعه کمک می‌کند.

این دفتر از طریق سیستم بین‌المللی اطلاعات فضایی خود اطلاعات مربوط به فضا را بین کشورهای عضو منتشر، و اطلاعات مربوط به «ثبت اشیای پرتاب شده به فضای ماورای جو



سازمان ملل» را نگهداری می‌کند. دفتر فوق از طریق «برنامه کاربردهای فضایی سازمان ملل» خود، برای بهبود استفاده از فن‌آوری و علوم فضایی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی همه کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه فعالیت می‌کند. همچنین براساس این برنامه به کشورهای عضو برای اجرای طرح‌های آزمایشی خدمات فنی مشورتی ارائه می‌دهد، و برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی در حوزه‌هایی مانند ردیابی از راه دور، ارتباطات ماهواره‌ای، هواشناسی ماهواره‌ای، جهت‌یابی ماهواره‌ای، علوم فضایی بنیادی و قوانین فضایی انجام می‌دهد.

این دفتر با منشور بین‌المللی، «فضا و فاجعه‌های مهم» - ساز و کاری که کارگزاری‌های سازمان ملل از طریق آن می‌توانند برای حمایت از واکنش خود نسبت به فاجعه‌ها تقاضای تصاویر ماهواره‌ای کنند، همکاری می‌کند. این دفتر همچنین به عنوان دبیرخانه کمیته بین‌المللی مربوط به سیستم‌های جهانی جهت‌یابی ماهواره‌ای خدمت می‌کند که نهادی غیر رسمی است که از همکاری در زمینه تعیین موقعیت‌ها برای کاربرد غیرنظامی با استفاده از ماهواره‌ها، خدمات هدایت و جهت‌یابی، زمان‌بندی و ارزش افزوده، همچنین در زمینه سازگاری و هماهنگی، و قابلیت استفاده مشترک از سیستم‌های جهانی هدایت و جهت‌یابی ماهواره‌ای حمایت به عمل می‌آورد. و امکان استفاده از آنها را برای حمایت از توسعه پایدار- به ویژه در کشورهای در حال توسعه - بیشتر می‌کند.

**مدیریت فاجعه مستقر در فضا.** «دفتر امور فضای ماورای جو» نهاد تازه تاسیس "برنامه اطلاعات فضایی برای مدیریت و واکنش اضطراری به فاجعه‌ها (UN-SPIDER)" را اداره می‌کند. هدف UN-SPIDER که در دسامبر ۲۰۰۶ به وسیله مجمع عمومی تاسیس شد ایجاد امکان دسترسی همه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مربوطه به همه نوع خدمات و اطلاعات دریافتی از فضا برای حمایت از مجموعه کامل مدیریت فاجعه‌ها است. این نهاد مشغول کمک به افزایش تعداد کشورهایی است که در زمینه برنامه‌ریزی، کاهش خطر و واکنش اضطراری در مدیریت فاجعه‌ها با اطلاعات ماهواره‌ای، کمک دریافت می‌کنند، و برنامه‌هایی درباره استفاده از فن‌آوری‌های مستقر در فضا تدوین می‌کند.

این دفتر به مراکز منطقه‌ای برای آموزش فن‌آوری و علوم فضایی، و به شبکه آموزش فن‌آوری و علوم فضایی، که وابسته به سازمان ملل هستند، کمک فنی ارائه می‌دهد. این مراکز برای افزایش توانایی کشورهای عضو در فن‌آوری و علوم فضایی در سطح محلی با آنها همکاری می‌کنند. آنها همچنین به دانشمندان و پژوهشگران کمک می‌کنند در استفاده از فن‌آوری و علوم فضایی برای توسعه پایدار به مهارت‌ها و دانش دست یابند. در حال حاضر چهار مرکز منطقه‌ای وجود دارد: مرکز منطقه‌ای آسیا و اقیانوس آرام در هند؛ مراکز منطقه‌ای آفریقا در مغرب و نیجریه؛ و مرکز مشترک آمریکای لاتین و کارائیب در مکزیک و برزیل.

**نشست‌های بین کارگزاری‌ها درباره فضای ماورای جو.** از فن‌آوری فضایی و کاربردهای آن به حدی فزاینده در سراسر نظام ملل متحد بهره‌برداری می‌شود. دفتر امور فضای ماورای جو به‌عنوان دبیرخانه «گردهمایی بین کارگزاری درباره فعالیت‌های فضایی» خدمت می‌کند که از ۱۹۷۵ هر سال تشکیل جلسه داده تا همکاری در زمینه فضا را بین نهادهای سازمان ملل افزایش دهد، فعالیت‌ها را هماهنگ، هم‌افزایی ایجاد، و ابتکارهای جدید را بررسی کند. این گردهمایی همچنین

گزارش دبیرکل را درباره هماهنگی فعالیت‌های مربوط به فضای نظام ملل متحد تهیه می‌کند و مطالب مربوط به فعالیت‌ها، مانند بروشور «راه‌حل‌های فضایی برای مشکلات جهان: چگونه خانواده ملل متحد مشغول استفاده از فن‌آوری فضایی برای توسعه پایدار است»- رامنشر می‌کند.

### **جدیدترین تحولات**

ارائه جدیدترین مطالب در چنین نشریه‌ای، با توجه به تغییرات سریع در حوزه‌های سیاسی و امنیتی غیر ممکن است. برای اطلاع از تازه‌ترین تحولات در این زمینه‌ها و تمامی حوزه‌های مشارکت سازمان ملل، لطفاً به وب‌سایت‌های سازمان [www.un.org](http://www.un.org) و [www.un.org/News](http://www.un.org/News) مراجعه کنید.